

الفبای مبارزات جنبش اسلامی

مؤلف: استاد مرحوم دکتور فتحی یکن

مترجم: امین الله معتصم - هرات

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين قيوم السموات والأرضين، مدير الخلائق أجمعين وصلوات
الله وسلامه علي نبينا محمد وعلي آله و أصحابه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلي قيام
يوم الدين.
اما بعد:

کتاب حاضر یکی از شاهکارهای دعوتگر مشهور لبنانی دکتور فتحي یکن است که
مؤلف در آن قواعد و مقررات مورد نیاز دعوتگر معاصر را با اسلوبی جذاب و شیوا
به رشته‌ی تحریر در آورده است.

در شرایط کنونی که متأسفانه کشورهای اسلامی از چهار طرف مورد هجوم
دشمنان اسلام قرار گرفته است، و آنان با بهره‌گیری از وسایل و امکانات پیشرفته و
استفاده از فنون و مهارت‌های مختلف توانسته‌اند اکثر سرزمین‌های اسلامی را زیر
سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی خود درآورند، یگانه راه مبارزه و مقابله با توطئه‌ها و
دسیسه‌های گسترده و منظم دشمنان اسلام فعالیت‌های منظم و برنامه‌ریزی شده
است.

مسلمانان امروزی در جهانی زنده‌گی می‌کنند که با جهان دوصد سال قبل
تفاوت‌های زیادی دارد؛ امروزه اکثر قضایا تخصصی شده و بشر از ابزار و
مهارت‌های مختلف در راستای موفق کردن پروژه‌های خود استفاده می‌کند؛ مسلماً
که در چنین اوضاع و احوالی مسلمان نمی‌تواند بدون استفاده از ابزار امروزی و
کسب مهارت‌های کارآمد در شرایط کنونی مسئولیت دینی خود را ادا کند؛ به همین
دلیل است که قرآن کریم چهارده قرن پیش به جای معالجه‌ی قضایای مطرح شده در
آن زمان به وضع قواعد و اصولی می‌پردازد که مسلمانان جهان تا انتهای تاریخ به
آن نیاز دارند. مثلاً در رابطه با فراهم آوری اسباب و وسایل جهاد که در آن زمان
ابزاری مشخص بود به جای نام گرفتن يك يك آنها می‌فرماید:

□ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید برای مقابله با دشمن بسیج کنید)

هر چند آیه‌ی کریمه به رویدادی خاص اشاره دارد، ولی جمله‌ی اول آیه که از دو
بخش تشکیل شده است در واقع دو قاعده را بیان می‌دارد؛ يك: مقابله با دشمن. دو:
بسیج و آماده‌کردن تمام ابزار و مهارت‌هایی که مسلمان را در راستای مقابله با
دشمن توانا می‌گرداند.

بنابراین مسئولیت مسلمان زمانی به صورت درست ادا می‌شود که مهارت‌ها و
اسباب ضروری زمان خود را به دست آورده، از هر مهارت و هر وسیله به گونه‌ی
روشمند استفاده کند. ویژه‌گی کتاب (القبای مبارزات جنبش اسلامی) این است که
مؤلف در آن به وضع قواعد مورد نیاز دعوتگر مسلمان در عصر حاضر پرداخته،
سعی نموده است با ایراد دلایلی از قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و آوردن شواهدی از

سیرت رسول الله ﷺ و رویدادهای تاریخی، تصور انسان مسلمان را نسبت به الفبای دعوت و دعوتگری در عصر حاضر اصلاح نماید.

از الله بزرگ عاجزانه می‌خواهم تا کتاب حاضر را در این دنیا وسیله‌ی رهنمایی ما و دیگران قرار داده، در آخرت آن را به حیث عملی صالح در میزان حسنات نویسنده، مترجم و کسانی که از آن استفاده می‌کنند قرار دهد. آمین.

امین الله معتصم

1388/1/17 هرات، افغانستان

مقدمه

میدان کار اسلامی شاهد گونه های مختلف و برداشت های متفاوت از طبیعت اندیشه و تفکر در مورد عمل اسلامی است؛ برخی از این اندیشه ها سالم و اصیل و بعضی دیگر منحرف و معیوب است.

حقیقت امر نشان می دهد که کار اسلامی به شدت نیازمند تصویری حرکتی است که بر اساس قواعد و مقررات ثابت و الفبای واضح و موثق وضع شده باشد، تا میزانی باشد که هر عمل اسلامی بر اساس آن سنجیده شود، و میدان کار اسلامی از گرایش های مقرضانه و گروه های مرموزی که به نام اسلام کار می کنند پاکسازی گردد و راه راست و درست از راه های کج و ناصواب شناسایی شود، و مردم فریب نخورند و انرژی های سرشار اسلامی به دنبال آرزوهای سراب گونه و شعارهای پوچ ضایع نگردد و میدان فعالیت های اسلامی صحنه ی تجارب تجربه کننده گان قرار نگیرد و تجارب گذشتگان نیک سیرت ما به تاق نسیان گذاشته نشود.

به همین خاطر تلاش متواضعانه یی که در راستای تألیف کتاب (الفبای مبارزات جنبش اسلامی) صورت گرفته، در واقع سهم گیری بوده است در جهت وضع قواعد حرکتی ثابت و اصیل کار اسلامی، تا کارکنان میدان اسلامی را در هر کجا که هستند برای ارزیابی فعالیت ها، بازنگری قدم ها و انتخاب مسیر درست و جهت سالم کمک و همکاری نموده باشد.

□ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ □ (الحج 54)

(و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به سوی راهی راست راهبر است)

فتحي یکن

7 شعبان 1401 هـ

موضوعات مورد بحث :

- ضرورت به تنظیم در کار اسلامی
- ضرورت به تکامل در کار اسلامی
- ضرورت به توازن در کار اسلامی
- ضرورت به وحدت کار اسلامی
- ضرورت به تربیه‌ی جهادی در کار اسلامی
- ضرورت به تربیه‌ی امنیتی در کار اسلامی
- ضرورت به جهانی بودن کار اسلامی
- کار اسلامی در میان اصول‌گرایی و مرحله‌بندی
- موضوعات مختلف حرائی و تنظیمی:
 - بی‌توجهی به تعقل تنظیمی
 - چگونگی اداره‌ی یک اجتماع تنظیمی.
 - چگونه یک نقد می‌تواند سازنده باشد؟
 - چگونه دعوتگر خود را محافظت نماید؟

ضرورت به تنظیم در کار اسلامی :

- بديل تنظيم چيزي جز هرج و مرج نيست.
- ترك تنظيم، يعني اعتماد به بي برنامه‌گي.
- هرج و مرج و بي برنامه‌گي نقيض قوت و نيرومندي است.
- هرج و مرج و بي برنامه‌گي منافي وحدت است.
- هرج و مرج و بي برنامه‌گي مناقض قوانين كائنات است.
- نظام و برنامه‌ريزي اساس همه‌ي كارهاي موفقيت‌آميز است.
- تنظيم اساس منهج و روش اسلامي است.
- تنظيم سنبل هدايت و رهنمايي قرآن كريم است.
- تنظيم سنبل هدايت و رهنمايي پيامبر اسلام است.
- تنظيم اساس سيرت عملي رسول الله ﷺ است.
- اهداف عظيم الشان اسلام، تنظيم را ايجاب مي‌نمايد.
- گسترده‌گي چالش‌هاي مقابل با اسلام، تنظيم را ايجاب مي‌کند.

بخش اول

ضرورت به تنظیم در کار اسلامی

یکی از شعارهایی که اخیراً در می‌دان فعالیت‌های اسلامی مطرح است، از طرف کسانی سر داده می‌شود که می‌گویند کار اسلامی نیاز به تنظیم ندارد و نباید برای کار تنظیمی و حزبی تلاشی صورت گیرد. ضمناً تأکید می‌شود که باید کار اسلامی از خلال ایجاد (موجی اسلامی، انقلابی و جهادی) که زیر شعار (لا إله إلا الله محمد رسول الله) جمع شده باشند، خود را آشکار نماید.

اگر ما گفته‌ی فوق را بدون توجیه و تأویل بررسی نماییم، مسلماً قضاوت ما در مورد گوینده‌گان آن یکی از دو امر زیر خواهد بود:

اول: بی‌خبری کامل شان از اسلام.

دوم: توطئه و دسیسه کامل شان علیه اسلام.

اما طرح شعار (ایجاد موجی اسلامی، انقلابی و جهادی که پیرامون کلمه ی: (لا إله إلا الله محمد رسول الله) جمع شوند، بدیلی منافی و متناقض با تنظیم نیست. زیرا این طرح هدفی را دنبال می‌کند که جز از طریق کار اسلامی منظم از راهی دیگر محقق شده نمی‌تواند.

بدیل تنظیم چیزی جز هرج و مرج نیست:

کسی که کار اسلامی منظم را نفی می‌نماید، در واقع مسلمانان را به هرج و مرج فرامی‌خواند. و هرج و مرج هیچگاه نتوانسته است به عنوان اصلی از اصول اسلام و یا شعاری از شعارهای آن عرض وجود کند، شعار هرج و مرج یکی از شعارهای جریان چپی و حتا نام یکی از گروه‌های تندرو چپی بود که تاریخ حرکت کمونیست در دهه‌های چهل و پنجاه آن را معرفی نموده بود.¹

ترك تنظيم، یعنی دور انداختن برنامه‌ریزی و اعتماد به بی‌برنامگی: فراخوانی به ترك تنظيم در کار اسلامی در نتیجه منجر به پشت پا زدن به قاعده‌ی برنامه‌ریزی و روی آوردن به بی‌برنامگی می‌شود و این چیز آخرین پرتگاهی است که امکان دارد مسلمانان به آن سقوط کنند و آخرین آرزوی است که دشمنان اسلام آن را می‌خواهند، در کمین آن نشسته‌اند و برای آن نقشه می‌کشند.

هرج و مرج و بی‌برنامگی نقیض قوت و نیرومندی است:

دعوت به پذیرفتن اندیشه‌ی تنظیم در کار اسلامی، در نتیجه از مسلمانان می‌خواهد تا حالت سستی و ضعف خود را از این پس نیز ادامه دهند، زیرا قوت و نیرومندی هیچ وقت بدون تنظیم به وجود نیامده است و هرگز بدون تنظیم ایجاد

1- کتاب مذهب خود را بشناسید؛ از مارتین دودج، باب هرج و مرج.

نخواهد شد. قوت حاصل برنامه ریزی و پلانگذاری است نه نتیجه ی بی برنامه‌گی و هرج و مرج.

هرج و مرج و بی برنامه‌گی منافی وحدت است:

دعوت به نپذیرفتن اندیشه ی تنظیم در کار اسلامی، در نتیجه مسلمانان را بیشتر به سوی پراکنده‌گی، گروه‌سازی و اختلافات سوق می‌دهد، و به گرایش‌های متعدد و جریان‌های مختلف مشروعیت می‌بخشد، زیرا وحدت مسلمانان و وحدت کار اسلامی دو خواست شرعی است که بدون تنظیم تحقق یافته نمی‌تواند. وحدت زاده‌ی تنظیم و برنامه‌ریزی است نه زاده‌ی هرج و مرج و بی برنامه‌گی.

هرج و مرج و بی برنامه‌گی مناقض قوانین کائنات است:

تمام پدیده‌های موجود در جهان - به امر الله متعال - بر اساس تنظیم و نظام استوار است. از ستاره‌ها و سیاره‌های شناور در آسمان گرفته تا رفت و آمد شب و روز و در پی آمدن فصل‌های سال و عملیه ی باروری و تناسل در انسان و حیوان تا جاری شدن زنده‌گی در جسم موجود بشری از خلال ابزارهای گوناگون، دقیق و پیچیده و بالآخره تا به قوانین لایتناهی که الله ﷻ در هستی، انسان و زنده‌گی وضع کرده است، همه ی این قوانین بر اساس نظامی دقیق استوار است و اختلال نظام در آنها باعث می‌شود که در کارکرد آنها اختلال ایجاد شده و نتوانند نقش و وظیفه ی خود را به صورت مطلوب انجام دهند.

□ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ □** (آل

عمران 190)

(یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای

خردمندان است)

□ **وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ. لَأَ الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ □** (یس 38-40)

(و خورشید [نیز برای آنان نشانه یی از قدرت ماست] که همواره به سوی قرارگاهش حرکت می‌کند. این اندازه‌گیری توانای شکست ناپذیر و داناست. و برای ماه منزل‌هایی قرار دادیم تا این که به صورت شاخه‌ی کهنه‌ی هلالی شکل و زرد رنگ خرما برگردد [و باز به تدریج بدر کامل شود. نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد، و نه شب از روز پیشی می‌گیرد، و هر کدام در مدار ی شناورند)

نظام و برنامه‌ریزی اساس همه کارهای موفقیت‌آمیز است:

یک کار هرچند ناچیز و کوچک باشد، تا زمانی که منظم نگردد ممکن نیست انجام موفقیت‌آمیزی داشته باشد. خیلی از انرژی‌ها به خاطر نبود تنظیم ممکن است به هدر

رفته و ضایع گردد، در حالی که یک گروه منظم - هرچند کوچک باشد- ممکن است به موفقیت‌های شگفت‌انگیزی دست یابد.

وقتی برنامه‌ی ساختن یک خانه، بازگشایی یک دکان، کشت و زراعت یک زمین، تأسیس یک مدرسه، شفاخانه و یا کار ساده‌ی از این قبیل، نیاز به تنظیم داشته باشد، مثل: (نقشه‌کشی، تنظیم حسابات، مشخص کردن مسؤلیت‌ها، انتخاب کارکن و سرپرست، فراهم کردن مواد و ...)، آیا کار اسلامی با این همه گسترده گی، داشتن عرصه‌های مختلف، اهداف بزرگ و مواجهه بودن با توطئه‌ها و دسیسه‌های زیاد، نیاز به تنظیم ندارد؟!

تنظیم اساس منهج و روش اسلامی است:

منهج و روش اسلامی بر اساس نظم، تنظیم، تکامل و هماهنگی استوار است. آیا عاقلانه است که بگوییم دعوت به سوی آن و کار در راستای زنده گی بر اساس آن، ایجاد جامعه‌ی که به آن باور داشته باشد و برپایی دولتی که بر اساس شریعت و قانون آن حکمروایی کند بدون تنظیم ایجاد شده می‌تواند؟

نظام عبادی اسلام - نماز، روزه، زکات و حج - در همه‌ی جزئیات و تفصیلات خود بر اساس قواعد تنظیمی قاطع استوار است.

نظام اجتماعی اسلام - قانون ازدواج، قوانین حاکم بر خانواده، تنظیم روابط اجتماعی و... - در همه‌ی ابعاد خود دارای قواعد تنظیمی ثابت است.

به همین صورت تمام نظام‌های که روش و منهج اسلامی متشکل از آنها است بر اساس اصول و قواعد تنظیمی دقیق استوار می‌باشد.

تنظیم سنبل هدایت و رهنمایی قرآن کریم است:

قرآن کریم که دستورالعمل مسلمانان و حجتی است که الله متعال در روز قیامت مردم را بر اساس آن جزا و پاداش می‌دهد، در بسیاری از آیات خود به صراحت و یا اشاره مسلمانان را به در نظر گرفتن تنظیم فرا می‌خواند و اجازه نمی‌دهد که در هیچ کاری آن را نادیده بگیرند.

در میدان فراخوانی مسلمانان به این که باید (قیادت و رهبری) داشته باشند و از او دستور بگیرند و به فرمانش گردن نهند، خداوند متعال می‌فرماید:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ □ ...
(النساء 59)

(ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید...)

بدیهی است که رهبری و اطاعت به صورت کامل از مسایل تنظیمی به حساب می‌آید.

در عرصه‌ی توصیف و تبیین رابطه‌ی افراد با قیادت می‌فرماید:

□ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ □ (النور 62)

(مؤمنان فقط آناند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، و هنگامی که بر سر کار مهمی با پیامبر باشند تا از او اجازه نگیرند [از نزد او] نمی روند. به راستی کسانی که از تو اجازه می گیرند، آناند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس هنگامی که برای برخی از کارهای شان از تو اجازه می خواهند، به هر کدام از آنان که خواستی اجازه بده و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است)

در زمینه ی اعتماد و همیاری مسلمانان نسبت به یکدیگر به خصوص در هنگام رویارویی با دشمن می فرماید:

□ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ □ (الصف 4)

(در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنان که گویی بنایی ریخته شده از سر باند، جهاد می کنند)

بنیان مرصوص به صورت مطلق نتیجه و ثمره ی تنظیم و انضباط است نه هر ج و مرج و انارشیزم.

به این صورت آیات کتاب الله - که همه ی ابعاد رهنمایی و قانونگذاری را در بر دارد و باطل به هیچ وجه در آن راه نمی یابد- به اهمیت تنظیم تأکید ورزیده و جایگاه رفیع آن را در کتاب پروردگار با حکمت و ستوده شده روشن می کند.

تنظیم سنبل هدایت و رهنمایی پیامبر اسلام است:

رسول الله ﷺ که از طرف الله متعال به حیث الگو و رهنمایی مسلمانان معرفی شده اند به تنظیم امور، اهتمام و توجه زیادی داشته اند.

این که پیامبر اکرم ﷺ اصحاب خود را دعوت می کرد تا در رأس هر مجموعه امیری تعیین کنند و برای هر مجموعه - و لوسه نفر هم باشند- فرماندهی انتخاب نمایند، بیانگر این است که آن حضرت برای تنظیم امور، اهمیت زیادی قایل بود . پیامبر ﷺ می فرماید:

«إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فِي سَفَرٍ فَأَمِّرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدَكُمْ» 1

(وقتی سه نفر از شما عزم سفر نمودید، یکی را به حیث امیرتان انتخاب نمایید)

علاقه مندی شدید پیامبر ﷺ به این که سرپرستی امور مسلمانان به امیر و رهبری سپرده شود، در واقع بیان گر تمایل شدید ایشان بر منظم بودن امور مسلمانان در ابعاد مختلف زنده گی اعم از قضایای مربوط به صلح، جنگ، تجارت، اقتصاد، سفر و غیره است، هر چند مسایل مربوط به امور فوق کوچک و یا بزرگ باشد.

اگر در میان يك مجموعه اختلافي رونما شود و کسی نباشد که سخن آخر و فیصله‌کن را بزند، و یا کسی نباشد که سخن او شنیده شود و از فرمائش اطاعت گردد، در مورد مسایل اختلافي بر چه اساسي فیصله صورت گیرد؟! در صورتی که خطوط متعدد مطرح باشد، اگر برای جهتي مشخص حق انتخاب و گزینش داده نشود، چگونه ممکن است خط سیر حرکت مشخص گردد؟! چه کسی برای هر يك از افراد مجموعه کاری را مشخص کند، و چه کسی تمام کارها را زیر نظر بگیرد تا همه از انجام درست آن مطمئن باشند، اگر در میان تیم کاری یکی به عنوان سرباز، دیگر به حیث رهبر مطرح نباشد و اطاعت و نظام وجود نداشته باشد؟!!

نکات فوق در مورد بسیط ترین و آسان ترین کارها نیز صدق می کند. اما در صورتی که کاری بزرگ و دارای ابعادي گسترده و جوانبي مختلف را در نظر آوریم ضرورت به تنظیم به مراتب بزرگتر و سرنوشت‌سازتر است؟ از آن گذشته پیامبر اکرم ﷺ تأکید نموده اند که گوش دادن به دستورات رهبري و اطاعت از او امر وي امري است لازم و ضروري؛ به شرط این که طبق قواعد شرعي به رهبري رسیده باشد. رسول الله ﷺ در مورد می‌فرمایند:

«اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَإِنْ اسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيْبَةٌ»¹

(بشنوید و فرمان برید و لو غلامی حبشی که سرش مانند کشمش است بر شما امیر شود)

سپس به خاطر این که اطاعت مسلمانان از قیادت و رهبري بر چیزهاي که موافق با خواسته‌هاي شان است منحصر نشود و از آن طریق خللي بزرگ، شري پنهانی و هرج و مرج و بی‌نظمي بر نخیزد فرمودند:

«عَلَيْكَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ وَمَنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ وَأَثَرَةِ عَلَيْكَ»²

(بر تو است تا در سختي و آسانی و در خوشي و ناخوشي و [حتا] در صورتی که دیگران را بر تو ترجیح دهند، بشنوي و اطاعت کني) و به خاطر برحذر داشتن از فتنه و فساد و پارچه پارچه شدن صف مسلمانان از طریق چیزهاي که آنها را سست نموده، دشمنان را بر آنها جرأت مند می‌سازد؛ می‌فرمایند:

«مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ وَمَنْ مَاتَ وَلِيَ سَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»³

(کسی که دست خود را از فرمانبرداری [امیر] کشیده است روز قیامت در حالی با الله متعال روبه‌رو می‌شود که هیچ دلیلی به کار خود ندارد، و کسی که بمیرد و با امیری بیعت نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است) آیا همهی این ارشادات رسول الله ﷺ چیزی غیر از اصول و اساسات تنظیم است؟

1 - صحیح البخاری، باب السمع والطاعة للإمام ما لم تكن معصية.
2 - صحیح مسلم، باب وجوب طاعة الأمرأ في غير معصية وتحريمها في المعصية.
3 - صحیح مسلم، باب الأمر بلزوم الجماعة.

تنظیم اساس سنت عملی رسول الله ﷺ است:

عمل پیامبر ﷺ در تمام مراحل دعوت از مکه گرفته تا مدینه، در عرصه‌ی تربیت و نشر دعوت و در حالت جنگ و غیر جنگ همه و همه بر اساس اندیشه‌ی تنظیم و اهتمام زیاد به آن پی‌ریزی شده بود.

در بیعت عقبه‌ی اول، دوازده نفر از مردم مدینه در عقبه با رسول الله ﷺ بیعت کردند. ابن هشام می‌گوید: «وقتی مردم مدینه از نزد پیامبر ﷺ برگشتند آن حضرت مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبدمناف را با آنان فرستاد و به او دستور داد تا قرآن را برای‌شان بخواند، اسلام را به آنان تعلیم دهد و ایشان را نسبت به مسایل دینی دانشمند گرداند؛ به همین خاطر وی به (خواننده‌ی قرآن در مدینه) مشهور شد»¹

در بیعت عقبه‌ی دوم، به صورت سری - بدون این که قریش اطلاع یابند - هفتاد و سه مرد و دو زن با رسول الله ﷺ بیعت کردند؛ پیامبر ﷺ در وقت گرفتن بیعت به آنان گفتند «از میان خود دوازده نماینده که در میان قوم شما دارای مقام و منزلت باشند انتخاب کنید. آنان نیز دوازده نفر که هفت تن به نام های (اسعد بن زراره، سعد بن ربیع، عبدالله بن رواحه، رافع بن مالک، براء بن معرور، عبدالله بن عمرو بن حرام، عباد بن صامت، سعد بن عباد، منذر بن عمرو) از قبیله‌ی خزرج و سه نفر به نام‌های (أسید بن حضیر، سعد بن خيثمه، رفاعه بن منذر) از قبیله‌ی اوس بودند را به رسول الله ﷺ معرفی کردند»²

در رویداد هجرت پیامبر ﷺ به سوی مدینه مجموعه‌ی بی‌از مقررات و اصول تنظیمی به چشم می‌خورد که باید به دقت مورد توجه و بررسی قرار گرفته، به وسیله‌ی آن گمان‌های پوچ منکران منطق تنظیم در کار اسلامی متلاشی گردد، از جمله:

- 1 خوابیدن علی ؑ در بستر پیامبر ﷺ برای گمراه ساختن مشرکان، در حالی که رسول الله ﷺ مکه را ترک نموده، به غار ثور رسیده بودند.
- 2 - انتخاب غار ثور که در جهت عکس راه مدینه قرار داشت، برای این که از طرف مشرکان مکه کاملاً خاطر جمع شده باشند. چون آنان می‌دانستند که رسول الله ﷺ حتماً به طرف مدینه هجرت خواهد کرد.
- 3 مکلف ساختن عبدالله پسر ابوبکر ؓ به آوردن گزارشات داخل مکه تا از حوادث ما حول خود مطلع باشند.
- 4 سپردن وظیفه‌ی تأمین احتیاجات مانند غذا و ... به اسماء دختر ابوبکر صدیق ؓ.

5 مکلف ساختن عامر پسر فهیره به چراندن گوسفندان در نزدیکی غار تا شب از شیر آنها استفاده کنند و با گشت و گذار گوسفندان ردّ پای کسانی که به غار آمد و رفت دارند از بین برود و پناهگاه‌شان از دید مشرکان مخفی بماند.

1 - 1 - سیریت ابن هشام؛ باب: إرسال الرسول مُصْعَبًا مَعَ وَفْدِ الْعُقْبَةِ.

2 - 2 - رحيق المختوم؛ بیعت عقبه.

وقتي رسول خدا ﷺ، كسي كه به وسيله ي وحي الهي ياري داده مي شود و از طريق پروردگار عليم و خبير رهنمايي مي گردد، در يك واقعه ي به خصوص چندين برنامه و طرز العمل را در نظر مي گيرد، حال تعطيل كننده گاني كه از روي دلسوزي به اسلام و مسلمانان گمان مي كنند دين با كار منظم رابطه يي ندارد چگونه است؟! در حالي كه امروز وحي قطع شده، مشكلات فراوان دامن گير مسلمانان گرديده و در اثر توطئه هاي دشمنان تاريخي همه جا را فراه گرفته است. كساني كه مسلمانان را به كار غير منظم تشويق مي كنند در واقع نه به سن ت پيامبر ﷺ استدلال مي نمايند و نه هم چشم و گوشي دارند كه به وسيله ي آن ببينند و بشنوند.

اهداف عظيم الشان اسلام، تنظيم را ايجاب مي نمايد:

در غياب دولت اسلامي كه به اساس حكم خدا حكومت كند، بايد كار اسلامي يك هدف تبديلي و سرنوشت ساز را نصب العين خود گرداند؛ يعني شعار و مرام آن تبديل حالت موجود، به اسلام واقعي باشد نه كاري اندر زگونه كه سعي شود به بهانه ي كار اسلامي با واقعيت موجود كنار آمده، در ساختار آن ذوب گردد.

تبديل اسلامي كه مي خواهد واقعيت جاهلي موجود را تبديل دهد و افكار، معتقدات، نظام، قوانين، سلوك و عادات غير اسلامي را به بديل هاي اسلامي مبدل سازد، ممكن نيست به اين هدف والا جز از طريق تنظيم دقيق دست پيدا كند.

اين آرمان از طريق وعظ و سخنراني در مساجد و صحبت در انجمن ها برآورده نخواهد شد؛ بلكه بايد در همه جا حضور به هم رسانيده، براي مقابله با تمام مشكلات آماده گي گرفته شود.

بايد براي اين كار انسان مؤمن به گونه يي ساخته شود كه به تبديل اسلامي قانع بوده، آماده ي برآوردن تمام نيازهاي مادي و معنوي تبديل باشد.

بايد انسان مؤمن براي تبديل، برنامه، پلان، نقشه و روش درستي آماده کرده باشد.

همچنان بايد اسباب و وسايل تبديل از قبيل نيروي بشري، وسايل مادي و تكنولوجي مطلوب را فراهم نموده باشد.

نيازهاي فوق بدون تنظيم فراهم شده نمي تواند؛ چرا كه بدون تنظيم فعاليت اسلامي به كار وعظي و فرهنگي خلاصه خواهد شد كه در حاشيه ي زنده گي مسلمانان قرار گرفته، بعضي از آرمان هاي آنان را تحقيق خواهد بخشيد و قسمتي از احساسات آنان را تحريك خواهد نمود، ولي چيزي نخواهد گذشت كه به خمود و جمود گراييده، اثري از آن باقي نخواهد ماند.

گسترده گي چالش هاي مقابل با اسلام، تنظيم را ايجاب مي كند:

وقتي به مطالب فوق وسعت چالشي كه از طرف دشمنان منطقه اي و جهاني در برابر اسلام به راه افتاده افزوده شود، مسأله ي تنظيم در كار اسلامي اگر واجب شرعي نباشد، واجب ضروري خواهد گرديد.

دشمنان اسلام ده ها تنظیم، حرکت و مؤسسه را برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان تأسیس کرده‌اند.

دشمنان اسلام اسباب و وسایل مادی را در اختیار دارند که از نظر کمیت و کیفیت قابل شمارش نیست.

دشمنان اسلام در جنگی که علیه اسلام آغاز نموده اند، از جدیدترین تکنولوژی، پیشرفته‌ترین برنامه‌ریزی و بهترین راه‌های عملی کردن برنامه‌ها استفاده می‌کنند. بالآخره دشمنان اسلام همیشه دست‌به‌کار بوده، از آدرس پایگاه‌های جهانی و اردوگاه‌های بین‌المللی علیه اسلام و مسلمانان برنامه‌ریزی می‌کنند. آیا بعد از این همه دلایل، عقل می‌پذیرد که رویاروی اسلامی قاصر، عاجز، نامنظم، بی‌برنامه و غیر پلان شده باشد؟!

بعد از این همه دلیل سوال بزرگ و مهمی عرض وجود می‌کند: (شعار دعوت به عدم تنظیم در کار اسلامی از کجا آب می‌خورد، چه کسی از آن مستفید می‌شود و کی باید غرامت آن را بپردازد؟!)

در پایان بحث کسانی را که به ناحق برچسب‌های ناروا را به اسلام وصله می‌زنند دعوت می‌کنیم تا متوجه دو نکته‌ی مهم و اساسی باشند:

1 - قبل از این که منادی دعوت به سوی اسلام شوند، در مورد فهم خود از اسلام تجدیدنظر نموده، آن را اصلاح نمایند.

2 - از خدا آن گونه که شایسته است پروا کنند، و همیشه این فرموده ی رسول معظم اسلام را به یاد آورند:

«وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ لَا يُلْقِي لَهَا بَالًا يَهْوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ»¹
(یقیناً بنده‌ی از بنده‌گان خدا سخنی را به زبان می‌آورد که باعث خشم و غضب الله ﷻ می‌شود و او به آن اهمیتی نمی‌دهد، و به خاطر همان يك سخن در قعر جهنم سقوط می‌کند)

□ **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ** □ (ق37)

(قطعاً در این [سرگذشت پیشینیان] بیدارباش و اندرز بزرگی است برای آن که دلی (آگاه) داشته باشد، یا با حضور قلب گوش فرا دارد)
وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

1 - صحیح البخاری؛ باب حفظ اللسان.

ضرورت به تکامل در کار اسلامی :

- معنی تکامل در فعالیت‌های اسلامی.
- جزئی‌نگری در کار اسلامی.
- تکامل روش اسلامی ایجاب می‌کند تا کار اسلامی نیز به صورت متکامل اجرا شود.
- ضررهای جزئی‌نگری در کار اسلامی.
- تکامل بودن چالش‌ها، ایجاب می‌کند تا مقابله نیز به صورت متکامل صورت گیرد.
- تکامل در کار اسلامی نخست.
- تکامل در جنبش اسلامی معاصر.

بخش دوم

ضرورت به تکامل در کار اسلامی

یکی دیگر از مسایل مربوط به الفبای مبارزات جنبش اسلامی واجب بودن تکامل آن است؛ به این صورت که باید کار اسلامی به صورت یک کل همه جانبه در نظر گرفته شده به اجزاء خرد و ریز تقسیم نگردد؛ تا این که تغییر آرمانی دعوتگران به سوی دین به صورت واقعی تحقق یابد و دولتی متعهد به تطبیق شریعت و قانون الهی به میان آید. وقتی این آرزو تحقق یافت و دولت اسلامی مستقل بر پا گردید، در آن وقت اگر به جوانب مختلف توجه خاص صورت گیرد و در زمینه های متعدد به گونه‌ی تخصصی پرداخته شود مشکلی را ایجاد نمی کند؛ چون در آن وقت قدم اساسی برداشته شده، دستاورد بزرگ به دست آمده است.

معنی تکامل در فعالیت‌های اسلامی:

منظور ما از تکامل این است که جریان اسلامی برای ایجاد تغییر آرمانی در چوکات تمدن امروزی بیندیشد و خود را برای مقابله با جاهلیت عصر حاضر آماده کند.

به سخن دیگر منظور از تکامل در کار اسلامی این است که فعالیت های اسلامی، به بخش و یا بُعدی از ابعاد پروژهِ اسلامی خلاصه نشود، مگر این که همان بخش و یا همان بُعد در جایگاه واقعی خود از طرح و پلان فعالیت همه‌جانبه قرار گرفته باشد.

بنابراین تکامل به منزله‌ی چوکات عامی است که جزئیات و تخصصات مختلفی را که در خدمت اهداف و مقاصد آرمانی قرار دارد توجیه می‌نماید.

جزیی‌نگری در کار اسلامی:

منظور از جزیی‌نگری در کار اسلامی، فعالیت های است که یک بُعد از ابعاد کار اسلامی را اساس کار خود قرار داده، جوانب دیگر را به فراموشی سپارد، به همان بخش پایبندی نموده جوانب دیگر را از نظر بیندازد و به این باور باشد که فقط از همین طریق اقامه‌ی دین الهی در روی زمین ممکن بوده، ابعاد دیگر کارآیی ندارد، و به این عقیده باشد که راه و روش او یگانه راه سازنده‌گی و اصلاح است و بس.

- یکی از مصداق های جزیی‌نگری در فعالیت های اسلامی این است که (تربیت روحی و خلقی) اساس کار و مناط تکلیف ربانی و یگانه وظیفه و مسئولیت دعوتگران دانسته شود؛ بدون این که به ابعاد دیگر اجتماعی، حرکی، سیاسی و جهادی توجهی صورت گیرد و بدون این که بررسی شود که آیا تربیتی محدود و منحصر در جانب روحی و خلقی می‌تواند در سایه‌ی نظام‌های بشری و زنده‌گی غیر اسلامی موفقیتی را کسب کند یا خیر؟ به همین علت است که رابطه‌ی چنین تربیتی

به زودي از اهداف بزرگ اسلامي قطع مي‌گردد و حتا خود آن نیز در تركيب اجتماع جاهلي ذوب شده، بخشي از برنامه‌هاي آن قرار مي‌گيرد و در مدار آن مي‌چرخد.

- مصداق ديگر جزيي‌نگري در فعاليت‌هاي اسلامي اين است كه (آگاهي فكري و نشر فرهنگ اسلامي) به حيث هدف نهايي كار اسلامي و توجيه‌كننده‌ي برپايي حركت اسلامي قرار گيرد؛ احياناً اين نگرش در ذهن طرفدارانش به حدي قوت مي‌گيرد كه كار فكري را به تنهائي پوشش دهنده‌ي تمام برنامه‌هاي اسلامي و حتا هدف كار اسلامي مي‌دانند نه وسيله‌يي از وسايل آن. در نتيجه جامعه‌ي اسلامي شاهد جرياني مي‌شود كه جز پرداختن به مسايل فكري محض هيچ برنامه و فعاليتي ندارد. به همين خاطر است كه مي‌بينيم در شماري از مدارس اندیشه‌ي اسلامي توجه و اهتمام به تغيير از بين مي‌رود، چه رسد به اين كه تغيير وضعيت نامطلوب از طريق آنان ممكن باشد.

- يكي ديگر از مصدايق جزيي‌نگري در كار اسلامي توجه يك جانبه به (آماده‌گي نظامي) و (فعاليت‌هاي سياسي) يي بعدي ديگر از ابعاد كار اسلامي است كه مهم‌ترين و اساسي‌ترين و يا يگانه بعد قابل توجه كار اسلامي تلقي شود.

به اين ترتيب جزئيات بر كليات مقدم مي‌شود و احياناً جاي كليات را مي‌گيرد. در نتيجه آرمان‌ها از بين مي‌رود، قضايا با هم خلط مي‌شود و از امكانات زيادي كه ممكن بود در راه مصالح علياي تغيير اسلامي استخدام گردد استفاده‌ي لازم صورت نمي‌گيرد.

تكاملي روش اسلامي ايجاب مي‌كند تا كار اسلامي نيز به صورت متكامل اجرا شود:

يكي از ويژه‌گي‌هاي روش اسلامي تكامل و كلي‌نگري آن است. اسلام داراي نظامي است كه تمام نيازهاي بشر را برآورده مي‌سازد، از جمله:

نظام عبادي:

نظام عبادي اسلام رابطه‌ي انسان را با خالقش تنظيم نموده، وي را از نظر روحي تربيت مي‌كند. عبادات اسلامي صلاحيت آن را دارد كه افراد و اجتماعات انساني را از فروغلتيدن در انحرافات و لغزشگاه‌ها حفاظت نمايد.

نظام اقتصادي:

نظام اقتصادي اسلام قواعد و اصولي را براي زنده‌گي اقتصادي پاك و بي‌آلايش انسان وضع مي‌كند كه در آن عدالت به صورت كامل تحقق يافته، تمام اسباب سيطره، سوء استفاده و ديگر معضلات و امراض اجتماعي از بين برود.

نظام اجتماعي:

نظام اجتماعي اسلام روابط افراد اجتماع را بر اساس اعتقادات و اخلاقيات اساس‌گذاري مي‌كند، نه بر مبناي مصالح شخصي و اعتبارات مادي و قبيله‌يي.

نظام سياسي:

نظام سياسي اسلام اصول سالمی را جهت برپایی دولت و مؤسسات مختلف آن وضع می نماید که در آن حقوق و وجایب رعیت مشخص گردیده، چگونگی روابط داخلی و خارجی دولت و مواردی از این قبیل نشان دهنده شده است.
نظام عسکری:

نظام عسکری اسلام قواعد و اصولی را نظارت می کند که زنده گی نظامی بر آن استوار بوده، از جمله ی ضرورت های مهم میدان های جنگ و جهاد به حساب می رود.

نظام های پیش گفته و موارد دیگری که روش اسلامی در بر گیرنده ی آن است و تمام نظام های که بر اساس عقیده ی اسلامی و تصور آن از هستی، انسان و زنده گی وی در جهان استوار است، می طلبد تا عمل اسلامی متکاملی برپا گردد که قدرت پوشش دادن ابعاد مختلف منهج اسلامی را داشته باشد.

ضررهای جزئی نگری در کار اسلامی:

مسئلاً آثار عظمت اسلام زمانی آشکار می شود که دعوت به سوی دین و التزام به احکام آن به صورت کامل و همه جانبه به معرض اجرا گذاشته شود. اما وقتی اجزاء دین متکامل از هم جدا گردد و یا به یکی از جوانب آن اهتمام صورت گرفته جوانب دیگر اهمال شود، نه عظمت و بزرگی آن آشکار می شود و نه اثری مثبت از آن در جامعه ی بشری به جا می ماند.

از جمله ی ضررهای جزئی نگری در کار اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ارائه ی منظری بد از شخصیت اسلامی که در خلال روش اسلامی ناقص و نامتکامل و دیدگاهی محدود تربیت یافته و ساخته شده است.

نمایش چهره ی زشت و نامطلوب از اسلام که باعث تنفر مردم از دین فرستاده شده توسط الله ﷻ می شود.

پراکنده شدن و از بین رفتن انرژی های زیاد اسلامی که اگر در راه صحیح به کار بسته می شد باعث تسریع پروسه ی تغییر اوضاع به نفع اسلام می گردید.
پیدا شدن مرض (چنددستگی) که باعث می شود شکاف های عمیق میان کارکنان و دعوتگران به سوی اسلام ایجاد شود.

در حقیقت جزئی نگری جرمی است نابخشودنی در حق اسلام؛ دینی که الله متعال آن را به صورت متکامل نازل کرده و محمد ﷺ را برگزیده است تا نخست مردم را به سوی اسلام متکامل دعوت نماید، سپس آن را به صورت همه جانبه در زنده گی خود و گرویده گان به اسلام تطبیق کند. راست گفته است الله تبارک و تعالی آن جا که می فرماند:

□ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا □ (المائدة 3)

(امروز دین شما را برای تان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم)

قرآن کریم جزئی‌نگری بنی‌اسرائیل را مورد انکار و مذمت قرار داده می‌فرماید:

□ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ □
(البقرة 85)

(آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید و به پاره‌ای کفر می‌ورزید پس جزای هر کس از شما که چنین کند جز خواری در زندگانی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذاب‌ها باز برند و خداوند از آن چه می‌کنید غافل نیست)

مثال تجزیه‌ی اسلام و ج‌داسازی بخش‌های مختلف آن - توجه به جانبی و از نظر انداختن جوانب دیگر - مانند جداسازی اجزای یک ماشین متکامل الاجزا است که نتیجه‌ی جز تعطیل مطلق فعالیت‌های ماشین را در پی ندارد.

اعضای بدن انسان مانند دست، پا، دهن، گوش و غیره اگر از جسم وی جدا شود و رابطه‌ی آن با منبع حیات و حرکت قطع گردد چه ارزشی خواهد داشت؟ ارزش پرزهی از پرزه جات ساعت و یا موتر اگر در جای مناسبی که برایش در نظر گرفته شده گذاشته نشود چه خواهد بود؟

بنابراین کار سیاسی - اگر جایگاه و موقعیت مناسب خود را در ساختار حرکت اسلامی احراز نکند - چه ارزشی دارد؟ حتا کار تربیتی، اگر به صورت جدا از اهداف حرکت اسلامی و روش‌تغییری آن در نظر گرفته شود چیست؟

ارزش این اعمال در صورتی که از هم جدا باشد، یا به گونه‌ی جزئی و موقت در نظر گرفته شود، از بین می‌رود، و مادامی که با سایر اجزا متحد و به هم پیوسته نباشد از نظر فکری، نفسی و روحی در معرض ریشه کن شدن قرار داشته و هیچ چیزی آن را از نابود شدن نجات داده نمی‌تواند. بناءً به خاطر تحقق یافتن تغییر اسلامی مطلوب و ایجاد محیطی که در آن زمینه‌ی رشد همه جانبه‌ی تخصصات مختلف فراهم گردد، باید از جزئی‌نگری اجتناب شود.

چون در جهان امروز نظامی که بر اساس شریعت الله حکمروایی کند وجود ندارد، باید تمام فعالیت‌های اسلامی به گونه‌ی مدیریت شود که برای ایجاد چنین نظامی زمینه‌سازی نماید.

اعمال جزئی مختلف، اعم از فکری، تربیتی، سیاسی، حرکی، نظامی و غیره باید جهت رسیدن به هدف واحدی که عبارت از برپایی حکومت الله ﷻ در روی زمین است صورت گیرد؛ در غیر آن فعالیت‌های جزئی مسلمانان پیرامون منظومه‌ی جاهلی و مؤسسات مختلف آن دور زده و چه بسا که این فعالیت‌ها خود به یکی از طرح‌ها و نقشه‌های استعمار مبدل شود.

متکامل بودن چالش ها، ایجاب می کند تا مقابله نیز به صورت متکامل صورت گیرد:

از مباحث قبلی به این نتیجه رسیدیم که واجب بودن تکامل از جمله ی اصول و مبادی کار اسلامی است. در این مبحث تکامل را به حیث یکی از ضرورت های مقابله با چالش های جاهلیت مورد بررسی قرار می دهیم. اسلام امروزه - از نظر فکر و حرکت- در تمام میادین با چالش های جدی روبه رو می باشد.

- در میدان تخریب فکری و تربیتی علیه اسلام : وسایل و مؤسساتی ایجاد شده، روش های وضع گردیده و کتاب های تألیف شده است که همه به منزله ی حلقاتی در زنجیره ی پلان هجوم علیه اسلام و مسلمانان فعالیت می کنند.

- در زمینه ی تخریب سیاسی و اجتماعی : احزاب و حرکت های تأسیس شده که دولت های غیر مسلمان ایشان را از نظر امکانات و وسایل پشتیبانی و حمایت می کنند تا در طول و عرض سرزمین های اسلامی قدرت و سلطه ی تصمیم گیری به دست آنان باشد و تلاش های صورت می گیرد تا به هر ترتیبی شده زمام امور از دست اسلام بیرون شده، جبهه ی اسلامی به حاشیه یی منزوی گردد.

- در عرصه ی توطئه های حسی علیه اسلام - که هدف شان خشکانیدن ریشه ها و تصفیه ی دعوتگران آن است-: حملاتی سر و سامان داده شده، تنظیم ها و گروه هایی ساخته می شود که با سلاح های پیشرفته مسلح می گردند، تمرین می بینند و اذهان شان پر از حقد و کینه علیه اسلام و آن چه با اسلام ارتباط دارد می شود.

دشمنان اسلام از زوایای مختلف و با استفاده از روش های گوناگون، مثلاً از خلال اتحادیه های دانشجویی، کارگری، تعلیمی، رسانه یی، جوانان، زنان و غیره به داخل محیط های پیش گفته نفوذ می کنند.

آیا در چنین حالتی جایز است که مبارزه اسلامی علیه این همه توطئه به صورت جزئی و غیرمتکامل صورت گیرد؟!

یکی از ضرورت های منطق رویارویی این است که انسان در مقابله با دشمن معامله بالمثل نموده، با آماده گی کامل وارد کارزار شود. وقتی با این پدیده منطق شریعت الله ﷺ را بیفزاییم حساسیت قضیه چند برابر می شود؛ زیرا شریعت الله متعال نمی پسندد مسلمانان در دین خود زیر بار ذلتی روند، و یا در مقابل دشمن زانو به زمین زنند، و یا در زنده گی به خواری و پستی تن در دهند.

منطق شرع، در کتاب خدا چنین می گوید:

□ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید)

□ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ □ (الأنفال 39)

(و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد)

□ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ □

(الأنفال 58)

و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سوی شان ببنداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است] زیرا خدا خایبان را دوست نمی‌دارد
 □ وَكَأ تَهْتُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا □ (النساء: 104)

و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید اگر شما درد می کشید آنان [نیز] همان گونه که شما درد می کشید درد می کشند و حال آن که شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند و خدا همواره دانای سنجیدم‌کار است)

همچنان منطق شرع از زبان رسول اکرم ﷺ می‌گوید:

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ» 1

(مؤمن قوی در نزد الله ﷻ از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب‌تر است)

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يَتَّقَنَهُ» 2

(وقتی بنده کاری را انجام می‌دهد الله تبارک و تعالی دوست دارد تا کارش را به

بهترین صورت و دقیق‌ترین حالت به‌سر رساند)

«الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» 3

(جنگ نیرنگ است)

«اسْتَعِينُوا عَلَىٰ إِجْحَاقِ حَوَائِجِكُمْ بِالْكَثْمَانِ» 4

(برای دستیابی به نیازها و برطرف کردن ضرورت‌های خود از پنهان کاری کمک

بگیرید)

تکامل در کار اسلامی نخست:

وقتی ما با دیدی محققانه کار اسلامی عصر نبوت را مورد مطالعه قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که جریان اسلامی در آن زمان - در مستوای فرد و جماعت و در چوکات تنظیمی یگانه و رهبری واحد- به صورت متکامل و همه جانبه شکل گرفته بود.

در آن زمان رسول الله ﷺ شخصاً جریان اسلامی را از جوانب مختلف نظارت می‌کرد. در میدان تربیه به حیث مربی، در میدان تعلیم، به عنوان معلم، در میدان جهاد به حیث رهبر، در میدان برنامه ریزی و پلانگذاری به عنوان پیش قدم و به همین صورت در تمام میادین زنده گی به حیث یک انسان متخصص و خبیر کارها را رهبری می‌نمود.

مثلاً: در رابطه با روش تربیتی رسول الله ﷺ می‌توان به این فرموده های شان

استناد کرد:

«لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّىٰ يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَذْرًا لِمَا بِهِ الْبَأْسُ» 1

1 - صحیح مسلم؛ باب فی الأمر بالقوة وترك العجز والاستعانة بالله وتفويض المقادير لله.

2 - المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ شماره ی 776. تحقیق آلبانی، صحیح است، سلسله ی احادیث صحیحه ی مختصره، شماره 1113.

3 - صحیح البخاری؛ باب: الحرب خدعة.

4 - المعجم الصغير؛ للطبرانی، شماره ی 1186. آلبانی این حدیث را صحیح گفته است.

(بنده به درجه‌ی پرهیزگاران نمی‌رسد تا بعضی از اموری که در آن حرجی نیست
را، از ترس مرتکب شدن کارهای حرام ترک کند)
«إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا» 2

(بهترین شما کسانی‌اند که بهترین اخلاق را دارند)
«أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخِيَارِكُمْ خِيَارِكُمْ لِنِسَائِهِمْ خُلُقًا» 3
(کامل‌ترین ایمان از آن مؤمنانی است که بهترین اخلاق را دارند، و برترین شما
کسانی‌اند که با زنان خود با بهترین اخلاق رفتار می‌کنند)
«إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ وَمَا لَا يُعْطِي
عَلَى مَا سِوَاهُ» 4

(الله تعالی مهربان است و مهربانی را دوست دارد، [و برای بنده‌گان خود] در بدل
نرمش و مهربانی چیزهای می‌دهد که در بدل سخت‌گیری و حالات دیگر نمی‌دهد)
و در رابطه با منهج نظامی پیامبر ﷺ گفته‌های آتی دلالت دارد:
«عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الرَّمَايَةَ وَالسَّبَاحَةَ وَرُكُوبَ الْخَيْلِ» 5
(به فرزندان خود تیراندازی، شنا و اسب سواری بیاموزید)
«أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ» 6

(بدانید که منظور از قوت و نیرو تیراندازی است)
«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ» 7
(کسی که بمیرد و جهاد نکرده و در مورد جهاد اندیشه ننموده باشد، در یکی از
شاخه‌های نفاق مرده است)

«مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بَغَيْرِ أَثَرٍ مِنْ جِهَادٍ لَقِيَ اللَّهَ وَفِيهِ ثُلْمَةٌ» 8
(کسی که با خدا رو به رو شود و در او اثری از جهاد نباشد در حالی با خدا
مواجه می‌گردد که در شخصیتش عیب و نقصی وجود دارد)
در مورد منهج اجتماعی رسول الله ﷺ احادیث ذیل قابل تأمل است:
«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ
تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحَمَى» 9

1- سنن ترمذی؛ باب ما جاء في صفة أواني الحوض . ألبانی در تخریج احادیث ریاض الصالحین حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

2 - منفق علیه.

3 - سنن ترمذی؛ باب حق المرأة علي زوجها. ألبانی حدیث مذکور را حسن صحیح گفته است.

4 - صحیح مسلم؛ باب فضل الرفق.

5 - این حدیث در کتب مشهور حدیث نیامده است، در فتاوی معاصره در مورد تخریج این حدیث آمده است : حدیث مذکور به این لفظ وارد نشده است، ولی بیهقی حدیثی را از ابن عمر به عبارت آتی روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمودند: «علموا أبناءكم السباحة والرمي...»

6 - صحیح مسلم؛ باب فضل الرمي والحث عليه؛ رسول الله ﷺ این سخن را در تفسیر آیه ی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» ایراد فرمودند.

7 - صحیح مسلم؛ باب ذم من مات ولم يغز...

8 - سنن ترمذی؛ باب ما جاء في المرابط؛ تحقیق ألبانی ضعیف است. صحیح و ضعیف سنن ترمذی حدیث 2473.

9 - صحیح مسلم؛ باب تراحم المؤمنین.

(مثال اهل ایمان در محبت، ترحم و مهربانی که نسبت به یکدیگر دارند، مانند بدن واحدی است که هرگاه عضوی از آن به درد آید، تمام بدن او را در بیدارخوای و تب همراهی می‌کنند)

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»¹

(ایمان ندارد یکی از شما تا وقتی که ب رای برادرش چیزی را بپسندد که برای خود می‌خواهد)

«مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ»²

(کسی که به امور مسلمانان توجه ندارد از جمله‌ی آنان نیست)
«السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَالْقَائِمِ لَا يَقْتَرُ وَكَالصَّائِمِ لَا يُفْطِرُ»³

(کسی که در راه آسایش بیوه‌زنان و مساکین تلاش می‌ورزد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و تمام شب‌ها را به قیام و روزها را به روزه سپری می‌نماید)

«خَيْرُ الْأَصْحَابِ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرُهُمْ لِصَاحِبِهِ وَخَيْرُ الْجِيرَانِ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرُهُمْ لِجَارِهِ»⁴
(بهترین دوستان در نزد الله ﷻ دوستانی‌اند که با رفیقان خود به روشی بهتر معامله می‌کنند و بهترین همسایه‌ها در نزد خدا کسانی‌اند که با همسگان شان از همه بهتراند)

در رابطه با منهج اقتصادی رسول الله ﷺ می‌توان به گفته‌های ذیل استدلال کرد:

«الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثِ الْمَاءِ وَالْكَلْبِ وَالنَّارِ»⁵

(مسلمانان در سه چیز با هم شریک‌اند؛ در آب، گیاه و آتش)

«مَنْ كَانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيُزْرِعْهَا أَوْ لِيُزْرِعْهَا أَخَاهُ وَلَا يُكْرَهَا»⁶

(کسی که زمینی دارد باید آن را بکارد، یا برای برادرش بدهد تا وی آن را برای خود کشت کند. زمینش را برای کسی به کرایه و اجاره ندهد)

«مَنْ وَلِيَ لَنَا عَمَلًا وَلَيْسَ لَهُ مَنْزِلٌ فَلْيَتَّخِذْ مَنْزِلًا أَوْ لَيْسَتْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيَتَزَوَّجْ أَوْ لَيْسَ

لَهُ خَادِمٌ فَلْيَتَّخِذْ خَادِمًا أَوْ لَيْسَتْ لَهُ دَابَّةٌ فَلْيَتَّخِذْ دَابَّةً»⁷

(کسی که از طرف ما به کاری گمارده می‌شود و خانه‌ی بی ندارد، باید برای خود منزلی تهیه کند، و اگر زن ندارد، ازدواج کند، و اگر خادمی ندارد، برای خود خادمی استخدام نماید، و اگر وسیله‌ی سواری ندارد تهیه‌اش نماید)

امام ابن حزم می‌گوید: «اگر شخصی در یک شهر از گرسنگی بمیرد اهل آن شهر قاتلش به حساب می‌آیند و باید از آنان دیت قتل گرفته شود»¹

1 - متفق علیه.

2 - المعجم الصغير للطبراني؛ حديث 907. تحقيق آلباني، ضعيف است.

3 - متفق علیه.

4 - سنن ترمذي؛ باب حق الجوار؛ آلباني حديث مذکور را صحيح گفته است.

5 - سنن ابوداود؛ باب حديث 3477 و مسند احمد؛ حديث 23082. آلباني در تخريج احاديث مشکلات حديث مذکور را صحيح گفته است.

6 - صحيح مسلم؛ باب كراء الارض.

7 - مسند احمد؛ حديث 18015.

به همین صورت مشاهد می‌کنیم که تلاش رسول الله ﷺ بر یکی از ابعاد زنده گی کوتاه نمی‌آمد و منحصر به امری خاص نبود، بلکه به تمام نیازهای افواد و جامعه‌ی انسانی می‌پرداخت و همه‌ی آن چه را افراد و جامعه به آن ضرورت داشتند در بر می‌گرفت.

کار اسلامی در هر زمان و مکان ملزم به پیروی نقش قدم های رسول اکرم ﷺ می‌باشد، و قطعاً فعالیت های که به نام اسلام شروع می شود، مجاز نیست میان انتخاب روش پیامبر ﷺ و جریان های دیگر با آزادی کامل تصمیم‌گیری کند.

کار اسلامی امروز باید عملی متکامل و همه‌جانبه باشد و از همه‌ی ابعاد جزئی به هدف مورد نظر اسلام که همان اقامه‌ی شریعت الله متعال در روی زمین است مرتبط گردد؛ اعم از این که عمل مذکور، ورزشی، اکتشافی، خیری، توجیهی، تربیتی، فکری، سیاسی، اقتصادی، نظامی یا هر عمل دیگر باشد. بنابراین هرکاری که به نام اسلام صورت می‌گیرد در هر عرصه‌ی که انجام پذیرد اگر با هدف اصلی مرتبط نباشد ارزش اسلامی خود را از دست می‌دهد، حتا دلیلی باقی نمی‌ماند که به حیث يك عمل اسلامی در میان جامعه فعالیت کند.

فعالیت‌های (تربیتی) بعد مهمی از کار اسلامی به حساب می‌آید، به شرط این که با هدف اصلی مرتبط بوده با جوانب دیگر هماهنگ گردد.

فعالیت‌های (فکری، علمی و فرهنگی) نیز بخش‌های مهمی از کار اسلامی به حساب می‌آیند، به شرط این که با سایر جوانب موافقت داشته، باعث تکامل جوانب دیگر کار اسلامی گردند.

به همین صورت فعالیت‌های دیگر (سیاسی، نظامی، حرکی، تنظیمی، اجتماعی، خیری و غیره) همه و همه جوانب مهمی از فعالیت‌های اسلامی هستند، به شرط این که جایگاه مناسب خود را در کار اسلامی متکامل احراز نمایند.

ارزش فعالیت‌های اسلامی و توانمندی و عمق و اصالت آن در واقع نتیجه‌ی (تکامل و شمولیت آن است)؛ به همین دلیل تکامل در کار اسلامی فرضی شرعی و ضرورتی حرکی است.

تکامل در جنبش اسلامی معاصر:

امام شهید - حسن البنا- ضمن بیان ضرورت تکامل در کار اسلامی می‌گوید: «نتیجه‌ی فهم و درک فراگیر اخوان المسلمین از اسلام، آن است که اندیشه‌ی آنان همه‌ی جنبه‌های اصلاحی را شامل می‌شود... می‌توان بی‌هیچ مضایقه‌یی در باره‌ی اخوان المسلمین چنین گفت:

دعوت اخوان المسلمین دعوتی سلفی است؛ زیرا مردم را برای بازگشت به سرچشمه‌ی صاف و ناب کتاب و سنت فرا می‌خواند.

روش اخوان المسلمین روش اهل سنت است؛ زیرا در هر چیزی روش و سیره ی پاک پیامبر ﷺ را جست و جو و خود را در حد امکان به آن پایبند می کنند به ویژه در بخش عقاید و عبادت ها.

شیوه ی اخوان المسلمین، شیوه ی صوفیانه است؛ زیرا آنان معلمان طهارت نفس، صفای دل و اهل عمل هستند. از خلق روی برگرفته اند؛ و برای آفریدگار محبت می ورزند؛ و بنیان رابطه ی آنان را خیر تشکیل می دهد.

اخوان المسلمین گروهی سیاسی است، که درون کشور، خواهان اصلاحات در حکومت و بیرون از آن خواهان تعدیل از تباطات امت اسلام است، تا ملت بر پایه ی عزت و کرامت رشد یابد؛ و در حد توان از حیثیت ملی خود پاسداری کند.

اخوان المسلمین گروهی ورزشی است؛ زیرا اعضای آن جسم را پرورش می دهند؛ و می دانند که مؤمن قوی بهتر از مؤمن ضعیف است. رسول خدا ﷺ فرموده است:

«إِنَّ لِبَدَنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا»¹

(بی گمان جسمت بر توحقی دارد.)

می دانند که تکالیف اسلامی بی جسم توانا و نیرومند، به درستی به انجام نمی رسد. اخوان المسلمین انجمنی علمی و فرهنگی است؛ زیرا اسلام طلب علم را بر هر مرد و زن مسلمان فرض کرده است؛ و باشگاه های اخوان المسلمین در حقیقت، مدارس آموزش دانش و فرهنگ و مراکز تربیت جسم، عقل و روح اند.

اخوان المسلمین شرکتی اقتصادی است؛ زیرا اسلام برای ثروت و کسب آن از راه های مشروع برنامه دارد؛ و پیامبر ﷺ فرموده است:

«نعم المال الصالح للرجل الصالح»²

(چه نیک است مال پاک برای شخص صالح و شایسته)
همچنین فرموده است:

«من أمسى كالألأ من عمل يده أمسى مغفوراً له»³

(هرکس شب از کار خود خسته باشد، خداوند گناهانش را می آمرزد.)

«إن الله يحب المؤمن المحترف»⁴

(خداوند مؤمن صاحب پیشه را دوست می دارد.)

اخوان المسلمین اندیشه ی اجتماعی است؛ زیرا اعضای آن به درمان بیماری های جامعه ی اسلامی و شیوه ی امت، عنایت دارند.

بدین سان در می یابید، که اندیشه ی فراگیر اسلام، بر ما چیره گی دارد؛ و تمام جنبه های اصلاحی را در برگرفته است؛ آن گونه که اخوان المسلمین در همه ی موارد

1 - صحیح البخاری؛ کتاب التهجید، باب مایکره من ترک قیام اللیل لمن کان یقومه ... صحیح مسلم؛ کتاب الصوم، باب النهی عن صوم الدهر.

2 - روایت امام احمد در المسند، شماره ی 7096 و طبرانی در المعجم الکبیر و المعجم الاوسط از طریق عمرو بن عاص، حافظ عراقی در تخریج احادیث اعیاء علوم الدین سند حدیث فوق را صحیح دانسته است.

3 - روایت طبرانی در المعجم الاوسط از طریق ابن عباس ؓ حافظ عراقی و آلبانی این حدیث را ضعیف دانسته اند.

4 - روایت طبرانی در المعجم الکبیر و المعجم الاوسط، حکیم ترمذی و بیهقی در شعب الایمان از طریق عبدالله بن عمر ؓ. ابن جوزی و آلبانی این حدیث را ضعیف دانسته اند.

کار و تلاش می‌کنند؛ و امکان ندارد توجه به بخشی از امور، آنان را از بخش دیگر بازدارد، بلکه می‌دانند اسلام از مؤمن، مسئولیت همه‌جانبه و فراگیر می‌طلبد...» 1

1 - مجموعة الرسائل، با اندک ی تصرف. ترجمه‌ی این بخش، از کتاب پیام بیداری ترجمه ی استاد مصطفی اربابی گرفته شده است. (مترجم)

ضرورت به توازن در کار اسلامی :

- اهمیت توازن در کارها.
- اهمیت توازن در کار اسلامی.
- ترتیب اولویت‌ها ملاک دقیق ایجاد توازن در کار اسلامی.
- چگونگی دسته‌بندی اولویت‌ها در فعالیت‌های اسلامی.
- نمونه‌هایی از توازن در قرآن کریم.
- توازن سبب به میان آمدن اعتدال و جلوگیری از زیاده‌روی است.
- دعوتگر و ایجاد توازن میان وظایف مختلف.
- کار اسلامی متوازن دشوار و طاقت‌فرسا است.

بخش سوم

ضرورت به توازن در کار اسلامی

توازن در کار اسلامی به مثابه‌ی سنگر و پناهگاه تأمین امنیت آن است، زیرا عدم توازن فعالیت‌های اسلامی باعث شکست و لغزش حتمی آن می‌گردد. در بخش قبلی مشاهده نمودیم که تکامل، مساحت کار اسلامی را از حیث فراگیری و کامل بودن در بر می‌گیرد؛ در این بخش می‌بینیم که توازن، نوعیت کار اسلامی را از حیث اندازه و معیار بررسی می‌نماید. منظور از توازن در کار اسلامی این است که به تمام بخش‌های کار به اندازه‌ی که لازم است پرداخته شود، و در هیچ‌جانبی از جوانب کار توجه‌ی بیشتر و یا کم‌تر از حد لازم صورت نگیرد، چرا که در صورت تجاوز از اندازه‌ی لازم، مجموع کار دچار خلل و اضطراب می‌شود.

اهمیت توازن در کارها:

توازن به معنای تعادل وزن‌ها و معیارها است؛ بدون این که در میان امور مادی و معنوی تفاوتی گذاشته شود.

توازن نگهدارنده‌ی پدیده‌های مرکب و دلیل صحت و عافیت اشخاص و اشیاء است.

اینک برای روشن شدن موضوع به مثال‌هایی از عدم توازن اشاره می‌کنیم:

- دیوانگی: نتیجه‌ی عدم توازن نیروهای عقلی و عصبی است؛ برای دیوانه انسان نامتوازن گفته می‌شود.

- بیهوشی: یکی از اسباب بیهوشی زیاد شدن نیروی الکتریکی در دماغ انسان است.

- کم‌خونی: نتیجه‌ی عدم توازن کرویات سفید و سرخ در خون است.

- زیاد شدن ریزش آب گوش باعث بیهوشی آن سان می‌گردد، چنان که بالا رفتن فشار چشم یا فشار قلب پیامدهای صحتی خطرناکی را به دنبال دارد.

موارد فوق نمونه‌هایی است از نتایج عدم توازن در ساختمان موجود بشری

(انسان). اما نتایج عدم توازن در هستی و حیات، خارج از حساب و شمار است.

تغییر نسبت اکسیجن فضا را ملوث ساخته، احياناً هوا را به زهری کشنده تبدیل می‌کند.

تغییر معادله متوازن در گردش زمین، آفتاب و سیاره‌های دیگر آثار زیادی دارد که کم‌ترین آن اختلال در آمد و رفت شب و روز و در پی آمدن فصل‌ها است و

ضررهای که از این ناحیه متوجه انسان، حیوان و دیگر موجودات می‌گردد.

حتا ماشین‌آلاتی که انسان می‌سازد و ساختمان‌ها و پل‌هایی که تعمیر می‌کند، همه

و همه محکوم به قانون و قاعده‌ی توازن بوده، کوچک‌ترین خلل در اندازه و

معیارهای آن سبب نتایج خطرناک و پریشان‌کننده‌ی می‌گردد.

اهمیت توازن در کارهای اسلامی:

کار اسلامی صحیح و کامل، کاری است که بر اساس روش رسول الله ﷺ استوار بوده، از حیث ابعاد و جوانب متکامل و از نظر معیار و اندازه و اولویت بندی متوازن باشد.

وقتی در يك عمل، جانی بر جوانب دیگر ترجیح یابد، یا به يك بُعد اهتمام صورت گرفته ابعاد دیگر از نظر انداخته شود آن کار دچار اختلال می شود هرچند هدف آن چیزی جز (ساختن شخصیت اسلامی) یا (توجه به مسیر حرکت اسلامی) نباشد. بنابراین وقتی لازم است کار اسلامی کامل و دربرگیرنده باشد، به همان صورت واجب است تا در تعیین افراد و فعالیتها نیز قضیه‌ی توازن در نظر گرفته شود.

ترتیب اولویتها ملاک دقیق ایجاد توازن در کار اسلامی:

برای این که توازن در (شخصیت اسلامی) یا (مسیر حرکت اسلامی) یا (تغییر اسلامی) تحقق یابد، باید فهم صحیحی از (منهج و روش اسلامی) وجود داشته باشد؛ و فهم صحیح آن است که از خلال مبانی، اصول و قواعدی که اسلام عزیز آن را آورده است و رسول معظم اسلام ﷺ آن را تطبیق نموده اند و گذشتگان نیک سیرت ما بر اساس آن زنده‌گی نموده‌اند، به دست آمده باشد. و تنها در این صورت است که می‌توان شناخت درستی از اولویت‌های کار اسلامی، جوانب، معیارها و اندازه‌ی آن به دست آورد.

یکی از مثال‌های توازن در وجود انسان سر او است که دماغ در آن جابه‌جا شده است؛ سر در بلندترین قسمت وجود انسان قرار دارد زیرا حرکات و تصرفات انسان را تنظیم می‌کند. بر اساس منطق اولویت‌ها باید جای این عضو از سایر اعضا مقدم می‌بود؛ و حتا باید تعامل با این عضو برحسب جایگاهی باشد که در بدن احراز کرده است.

اما جایگاه محترم دماغ در بدن انسان، ارزش هیچ عضو دیگر را - و لو بسیار ناچیز هم دانسته شود- از بین نمی‌برد؛ چون هر عضو نقش و وظیفه‌ی مهم خود را در چوکات بدن انسان ایفا می‌کند.

تکامل در جوانب مختلف بدن انسان شباهت دارد با تکامل در ساختار حرکت اسلامی و توازنی که منطق اولویتها در این فریضه‌ی الهی ایجاب می‌نماید.

چگونگی دسته‌بندی اولویتها در فعالیت‌های اسلامی:

کار اسلامی با جوانب مختلف و مقاصد فراگیری که دارد، نیازمند این است که جوانب و مقاصد آن به صورت درست در جدول اولویت‌ها دسته‌بندی شود و تمام ابعاد آن به خوبی شناسایی گردیده، بر حسب اهمیتی که دارد در جایگاه واقعی خود قرار گیرد.

ما می توانیم از خلال ارائه ی مثال هایی از اصول و احکام شرعی نقش جدول اولویت بندی و دسته بندی فعالیت های اسلامی را مشخص ساخته، هر یک را بر اساس اهمیتی که دارد در جایگاه واق عی آن قرار دهیم به گونه ی که به هر فعالیت به اندازه ی اهمیتی که دارد توجه صورت گیرد.

- بعد عقیدتی و تربیتی:

در منطق اولویت بندی بعد عقیدتی اساس هر عمل را تشکیل می دهد، بلکه هیچ عملی بدون اعتقاد ارزش ندارد. به همین خاطر مسأله ی اعتقاد در کتاب خدا برترین مقام را کسب نموده است:

□ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا** □ (النساء 48)

(مسئلاً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواد می بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد به یقین گناهی بزرگ بر یافته است)

□ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا** □ (النساء 116)

(خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواد می بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است)

- دانش عقیده و شریعت:

فقه عقیده و شریعت بر سایر علوم و فرهنگ های مختلف مقدم گردیده است و در جدول اولویت ها بلندترین ج ایگاه را احراز کرده است؛ در کتاب خداوند متعال می خوانیم:

□ **يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ** □ (المجادلة 11)

(خدا [رتبه ی] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند)

و در فرموده ی پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

«مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» 1

(کسی را که الله متعال در موردش اراده ی خیر داشته باشد، دانش دینی عطا می کند)

روایت شده است که شخصی نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت: ای رسول خدا! برایم از چیزهای عجیب و غریب علم تعلیم دهید. آن حضرت فرمودند: «در مورد سر علم چه کرده ای؟» آن مرد گفت: سر علم چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا پروردگار متعال را شناخته ای؟» گفت: بلی. پیامبر ﷺ فرمودند: «در مورد حق آن چه کرده ای؟» گفت: آن چه را خدا خواسته است. پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا مرگ را شناخته ای؟» گفت: بلی. پیامبر ﷺ فرمودند: «برای آن چه آماده کرده ای؟» گفت: آن چه را خدا خواسته

است. پیامبر ﷺ فرمودند: «برو چیزهای را که در موارد فوق یاد گرفته ای به درستی عملی کن سپس نزد من بیا تا برایت عجایب علم را بیاموزم»¹
رسول ﷺ در جای دیگر فرمودند:

«فضل العالم علی العابد کفضلی علی أدناکم»²

(فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت من بر پایین ترین شخص شما است)
این موارد اگر بر چیزی دلالت کند، منطلق اولویت بندی خواهد بود. در نظر داشت اولویت ها در تمام قضایا مطرح است، در فراگیری علم، انجام عبادت ها، جهاد و مبارزه، فعالیت های اجتماعی، کارهای سیاسی، همه و همه از خود اولویت های دارد که باید در نظر گرفته شود، بنابراین حرکت بدون ملاحظه ی اولویت ها، حرکتی است ناآگاهانه و غیر مستقیم.

- عبادت و منطق توازن:

حتا عبادت باوجود این که در شریعت الله ﷻ از ارزش و جایگاه بلندی برخوردار است، بر حسب منطق اولویت ها در چوکات توازن نهاده شده است. در این فرموده ی الله تبارک و تعالی:

□ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ □ (الجمعة 10)
(و چون نماز گزارده شد در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جو یا شوید»

دعوتی است آشکار به برقرار کردن توازن میان نماز و کار به خاطر به دست آوردن اسباب زنده گی. به این اعتبار که کار و عمل هدفمند در مفهوم اسلام عبادت است و مخالفت با این مفهوم منجر به خلل در جای می شود که اسلام در آن جا توازن را برقرار کرده است. همین قضیه عمر ﷺ را واداشت تا با عصای خود کسی را بزند که بعد از ادای نماز و دعا در مسجد می نشست و مردم را به قرآن کریم مشغول می کرد. عمر ﷺ خطاب به او می گوید: «تو و هیچ یک از شما چنین کاری نکنید، هر آینه پایداری یکی از شما در مکانی که اسلام به آن ضرورت دارد، بهتر است از عبادتی که یکی از شما چهل سال انجام دهد»³
- قوت و منطق توازن:

منظور ما از قوت در این جا نیروی نظامی است، این بُعد از فعالیت اسلامی در شریعت الله ﷻ جایگاه و محدوده ی ویژه ی خود را دارد؛ اما این جایگاه و محدوده بر

1 - احیاء علوم الدین؛ باب فی آفات العلم.

2 - سنن ترمذی؛ باب فضل الفقه علی العبادة. البانی حدیث مذکور را صحیح گفته است.

3 - در جامع الاحادیث این روایت را به شرح زیر از پیامبر ﷺ نقل کرده است: آن رسول الله ﷺ فقد رجلاً فسأل عنه فجاوب فقال یا رسول الله انی أردت أن أتى هذا الجبل فأخلوا فيه وأتعبد فقال رسول الله ﷺ لصبر أحدكم ساعة علی ما یکره فی بعض مواطن الإسلام خیر من عبادته خالیا أربعین سنة (البیهقی فی شعب الإیمان) حدیث شماره 9394.
(پیامبر ﷺ شخصی را گم کردند، در مورد وی از مردم سوال نمودند، آن شخص آمد و گفت یا رسول خدا تصمیم گرفتم تا به آن کوه رفته به تنهایی به عبادت خداوند متعال مشغول شوم. رسول الله ﷺ فرمودند: هر آینه پایداری یکی از شما لحظه ی در سنگری از سنگوهای اسلام که مطابق میلش نیست، بهتر از عبادتی است که چهل سال در یک جا به تنهایی انجام دهد)

حسب شرایط و اوضاعی که اسلام در آن به سر می‌برد گاهی کوچک و احياناً بزرگ می‌گردد. 1

اگر اسلام در شرایط طبیعی قرار داشته باشد، اساساً در زنده گی مسلمانان چیزی به نام قتال وجود ندارد. اما اگر اسلام در شرایطی دشوار و مورد تجاوز و تعدی قرار گیرد، با افکار و عقاید آن جنگ شود، سرزمین ها و اهالی آن ریشه کن گردند، در این حالت جهاد و قتال بر مسلمانان فرض عین می‌گردد و هر کار دیگر نوعی بیهوده‌گی و فرار از جهاد فی سبیل الله تلقی می‌شود. راست گفته است عبدالله بن مبارک وقتی در نامه یی که به یکی از عزیزترین دوستانش که اعتکاف در مسجد الحرام را بر جهاد فی سبیل الله ترجیح داده بود نوشته است:

يا عابد الحرمين لو أبصرتنا
من كان يخضب خده بدموعه
لوجدت أنك بالعبادة تلعب
فنحورنا بدمائنا تتخضب

(ای عبادتگزار در حرمین [کعبه و مسجد النبی] اگر ما را ببینی، در خواهی یافت که تو با عبادت بازی می‌کنی. کسی که رخسارش را با اشک خود رنگین می‌کند، [باید بداند که] حلقوم ما با خون ما رنگین می‌گردد.)
- سیاست و منطق توازن:

توجه به مسایل سیاسی در فعالیت های اسلامی بُعدی مهم و حساس به حساب می‌آید؛ ولی در اهمیت و حساسیت خود از جانب اعتقادی پایین تر است، ع قیده به منزله ی زیربنای کار سیاسی و تمام کارهای دیگر می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که عقیده حفاظت کننده ی کار سیاسی و ضامن سلامتی آن است.

یکی از مصداق های توازن در کار اسلامی این است که کار سیاسی همانند کار نظامی جایگاه مناسب خود را اشغال کند؛ در غیر آن ع مل سیاسی شعاری پوچ و میان تهی خواهد گردید، حتا ممکن است به جای این که از سیاست به حیث وسیله استفاده شود، خود به هدفی تبدیل گردد که رسیدن به آن هر وسیله یی را توجیه می‌کند. خطرناک‌تر این که ممکن است احياناً کار آن به لغزشگاه های کشیده شود که کسی جز الله ﷻ اول و آخر آن را نداند.

نمونه‌های از توازن در قرآن کریم:

در ذیل به برخی از آیات قرآنی اشاره می‌شود که بر ضرورت تحقق توازن در عرصه‌های مختلف کارها و فعالیت‌ها تأکید می‌ورزد:

1 - امام شهید حسن البنا در رساله ی کنگره ی پنجم می‌گوید: «ما می‌دانیم که نخستین درجه ی قدرت، نیروی اعتقاد و ایمان است؛ نیروی وحدت و ارتباط در درجه ی دوم آن قرار دارد؛ و آن‌گاه (درجه ی سوم قدرت) نوبت بازو و سلاح است. نگاه دیگر، آن که آیا اسلام - که شعارش قدرت است- در هر شرایطی استفاده از قدرت را مجاز می‌داند؟ یا آن را تابع شرایطی قرار می‌دهد؛ و برای آن حد و مرزی می‌شناسد؟»

نگاه سوم چنین است: آیا نخستین راه حل، استفاده از قدرت است؛ یا به قولی «درمان نهایی، داغ کردن است»؟ آیا در زمان به کارگرفتن قدرت، باید انسان نتایج خوب و بد آن را همراه با شرایط موجود، در نظر بگیرد؛ یا این که از قدرت استفاده، و از روش «هرچه پیش آمد، خوش آمد» پیروی کند؟ (برگرفته شده از کتاب بیداری اسلامی = ترجمه ی رسایل امام شهید)

در عرصه ی ایجاد توازن میان نیازهای دنیا و آخرت : با وجود این که از نظر اسلام ارزش دنیا در برابر آخرت خیلی ناچیز است الله تعالی می فرماید:

□ **وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ** □ (القصص 77)

(و با آن چه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد)

در عرصه ی ایجاد توازن و تکامل در کارهای نیک و خیر و به خاطر این که مفهوم نیکی منحصر به عبادت و نماز نگردد می فرماید:

□ **لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ** □ (البقرة 177)

(نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود محبتی که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بنده گان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند)

و در عرصه ی ایجاد توازن در انفاق فی سبیل الله می فرماید:

□ **وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا** □ (الإسراء 29)

(و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسپار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی)

در عرصه ی ایجاد توازن میان آماده گی فیزیکی و روانی و مقابله با دشمنان اسلام می فرماید:

□ **وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ** □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید)

□ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** □ (آل عمران 200)

(ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید امید است که رستگار شوید)

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ □
(الأنفال 45)

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید)

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا □ (النساء 71)

(ای کسانی که ایمان آورده اید [در برابر دشمن] آماده باشید [=اسلحه خود را برگزید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید)

□ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُفُّوا مِنْكُمْ وَارْتَمُوا بِطَائِفَةٍ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيَّ كُمْ مِيلَةً وَاحِدَةً وَ لَأَجُنَّحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا □ (النساء 102)

(و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس ب اید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ افزارهای خود را بگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ افزاره ای خود را بگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند و اگر از باران در زحمتید یا بیمارید گناهی بر شما نیست که جنگ افزارهای خود را بر زمین نهید ولی مواظب خود باشید بی گمان خدا برای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است)

تعادل سبب به میان آمدن اعتدال و جلوگیری از زیاده روی است:

رسول الله ﷺ برای ایجاد توازن و اعتدال و بازداشتن از زیاده روی و تشنج در تمام عرصه ها حتا در عرصه ی عبادات، تأکید نموده اند. در سطور آتی به شواهدی اشاره می شود که بیانگر روش رسول الله ﷺ در ایجاد توازن است:

- از عایشه روایت است که پیامبر اکرم ﷺ وارد خانه شده زنی را نزد او دیده از وی پرسیدند این زن کیست؟ عایشه گفت: این فلانی است که از نمازش می پرسد. پیامبر ﷺ فرمود:

«مَهْ عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيفُونَ فَوَاللَّهِ لَا يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا» 1

(آرام باشید. خداوند متعال بر شما عباداتی را لازم گردانیده که توان انجام آن را دارید، قسم به الله که اگر شما خسته و درمانده نشوید الله تعالی هیچ وقت خسته نمی شود)

- ابن مسعود رضی الله عنه از پیامبر اکرم ﷺ روایت می کند که سه مرتبه فرمودند:

«هَلْكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» 2

1 - صحيح البخاري؛ باب احب الدين الي الله الدومه.

2 - صحيح مسلم؛ باب هلك المتنطعون.

(باریک‌بینان هلاک شدند)

- ابی هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند:

«إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ»¹

(هر آینه دین آسان است؛ هیچ کسی دین را بر خود سخت نگرفته مگر این که دین بر او غالب شده است. بنابراین اعمال دین را به دقت انجام داده، [از انجام اعمال] نزدیکی و قربت [به خدا] را طلب کنید، و [به پاداش جزیل] امیدوار باشید، و در [راه نزدیکی به الله جل جلاله] از لحظات اول روز و لحظات آخر روز و قسمتی هم از شب بهره گیرید)

- انس رضی الله عنه روایت می‌کند که سه گروه به خانه ی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمده از عبادت آن حضرت پرسیدند، وقتی برای ایشان در مورد عبادات رسول الله صلی الله علیه و آله گفته شد، گویا عبادت وی را اندک دانستند و گفتند: ما کجا و پیامبر خدا کجا، او کسی است که خداوند لغزش‌های گذشته و آینده‌اش را آمرزیده است.

یکی گفت: من برای همیشه شب‌ها را به قیام می‌گذرانم.

دیگری گفت: از این پس همیشه روزه می‌دارم و هرگز افطار نمی‌کنم.

دیگری گفت: از زن‌ها دوری نموده، هرگز ازدواج نخواهم کرد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده فرمودند:

«أَنْتُمْ الدِّينَ فَلْتُمْ كَذَا وَكَذَا أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمْ لَهُ لَكِنِّي أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَأَصَلِّي وَأَرْقُدُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»²

(آیا شما چنین و چنان گفته‌اید؟! بدانید قسم به خدا که من از همه ی شما خایف‌تر و پرهیزگارترام. اما بعضی از روزها، روزه دارم و گاهی افطار می‌کنم، قسمتی از شب را نماز [تهجد] می‌خوانم و قسمتی را می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم، کسی که از سنت من روگردان شود از [پیروان] من نیست)

- از حنظله ی اسیدی - یکی از کاتبان رسول الله صلی الله علیه و آله - روایت است که گفت: ابوبکر

صدیق رضی الله عنه با من روبه‌رو شده فرمود: ای حنظله! چه حال داری؟

گفتم: حنظله منافق شده است.

گفت: سبحان الله چه می‌گویی؟

گفتم: وقتی در محضر رسول صلی الله علیه و آله می‌باشیم و آن حضرت برای ما از بهشت و دوزخ یادآوری می‌کنند، چنان متأثر می‌شویم که گویا آن را با چشم سر مشاهده می‌کنیم، اما وقتی از مجلس آن حضرت دور می‌شویم و با همسران، فرزندان، و اموال دنیوی درمی‌آمیزیم خیلی از آن چیزها را فراموش می‌کنیم.

ابوبکر رضی الله عنه گفت: قسم به خدا ما هم به چنین سرنوشتی گرفتاریم. سپس من و

ابوبکر رضی الله عنه به راه افتادیم تا نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدیم.

گفتم: ای رسول خدا حنظله منافق شده است.

1 - صحیح البخاری؛ باب الدین یسر...

2 - صحیح البخاری؛ باب الترغیب فی النکاح.

فرمودند: «و ما ذاك؟» (یعنی چه؟)

گفتم: یا رسول خدا وقتی در محضر شما قرار داریم و برای ما از بهشت و دوزخ یادآوری می‌کنید، چنان متأثر می‌شویم که گویا آن را با چشم خود می‌نگریم، اما وقتی از مجلس شما دور می‌شویم و با همسران، فرزندان، و اموال دنیوی در می‌آمیزیم بسیاری از آن چیزها را فراموش می‌کنیم.

رسول الله ﷺ فرمودند:

«وَأَلِدِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ لَوْ تَدُومُونَ عَلَى مَا تَكُونُونَ عِنْدِي وَفِي الذُّكْرِ لَصَافِحَتُكُمْ الْمَلَائِكَةُ عَلَى فُرُشِكُمْ وَفِي طُرُقِكُمْ وَلَكِنْ يَا حَنْظَلَةَ سَاعَةً وَسَاعَةً»¹

(قسم به ذاتی که جانم در ید او است اگر شما حالتی را که در مجلس من دارید ادامه دهید و یا با ذکر الله ﷻ روزگار خود را سپری کنید، ملائکه در بستر شما و در کوچه و بازار با شما مصافحه خواهند کرد، اما ای حنظله لحظات زنده گوی با هم متفاوت است)

- از ابی محمد عبدالله پسر عمرو پسر عاصم روایت است که فرمود: به رسول اکرم ﷺ خبر رسید که من گفته‌ام قسم به خدا از این پس تا زمانی که زنده‌ام روزها را روزه می‌دارم و شب‌ها را به شب‌زنده‌داری سپری می‌کنم.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«أَنْتَ الَّذِي تَقُولُ ذَلِكَ؟»

(تو چنین گفته‌ای؟)

گفتم: یا رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد، من چنین گفته‌ام.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«فَأَيْتَكَ لَا تَسْتَطِيعُ ذَلِكَ فَصُمْ وَأَفْطِرْ وَتَمَّ وَقَمَّ وَصُمْ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَإِنَّ الْحَسَنَةَ بَعَشْرَ أَمْثَالِهَا وَذَلِكَ مِثْلُ صِيَامِ الدَّهْرِ»

(تو نمی‌توانی همیشه چنین عبادت کنی. گاهی روزه بگیر و گاهی افطار کن. قسمتی از شب را بخواب و قسمتی را شب‌زنده‌داری کن. از هر ماه سه روز را روزه بگیر، چرا که هر نیکی ده چند حساب می‌شود، و این چیز [روزه‌ی سه روز از هر ماه] به منزله‌ی روزه‌ی تمام عمر محسوب می‌گردد)

گفتم: توان من بیشتر از این است.

فرمودند:

«صُمْ يَوْمًا وَأَفْطِرْ يَوْمَيْنِ»

(یک روز را روزه بگیر. دو روز دیگر را افطار کن)

گفتم: توان من بیشتر از این است.

فرمودند:

«صُمْ يَوْمًا وَأَفْطِرْ يَوْمًا وَذَلِكَ صِيَامُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ أَعْدَلُ الصِّيَامِ»²

1 - صحيح البخاري؛ باب فضل دوام الذكر والفكر.

2 - صحيح مسلم؛ باب النهي عن صوم الدهر.

(يك روز در میان روزه بگیر؛ چنین روزه بی روزه‌ی داود عليه السلام و بهترین نوع روزه است).

در روایتی دیگر آمده است:

«وَأَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ»

(قرآن کریم را در ماه یک مرتبه یک دوره‌ی کامل - تلاوت کن)

گفتم ای نبی خدا توان من بیشتر است.

فرمودند:

«فَأَقْرَأَهُ فِي كُلِّ عَشْرِينَ»

(در بیست روز یک مرتبه ختم کن)

گفتم: ای رسول خدا توان من بیشتر از این است.

فرمودند:

«فَأَقْرَأَهُ فِي كُلِّ سَبْعٍ وَلَا تَزِدْ عَلَيَّ ذَلِكَ»

(در هفته یک مرتبه - یک دوره‌ی کامل - آن را تلاوت کرده، بیشتر از آن تلاوت

مکن)

من اصرار کردم، پیامبر ﷺ بر من سخت گرفته فرمود:

«إِنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ يَطُولُ بِكَ عُمْرٌ»

(تو نمی‌دانی شاید عمرت طولانی شود)

عبدالله می‌گوید: همان گونه که رسول اکرم ﷺ فرموده بود: عمرم طولانی شد،

وقتی به پیری رسیدم دوست داشتم ای کاش رخصت پیامبر ﷺ را قبول می‌کردم. 1

دعوتگر و ایجاد توازن میان وظایف مختلف:

یکی از عوامل بارزی که دعوتگر مسلمان را در راستای بازدهی مستمر و

پخته‌اش کمک می‌کند، ایجاد توازن در میان برنامه‌ها، فعالیت‌ها و توانایی‌هایی است

که او را بر ادای مسئولیت‌اش به صورت کامل و به دور از افراط و تفریط و ترجیح

بعدي بر بعد دیگر قادر می‌سازد.

دعوتگر با سه نوع مسئولیت مواجه می‌باشد:

1- مسئولیتی که در قبال خود دارد.

2- مسئولیتی که در برابر خانواده‌اش دارد.

3- مسئولیتی که در برابر جامعه‌ی خود دارد.

دعوتگر موفق کسی است که معادله‌ی توازن میان این سه نوع مسئولیت را به

صورت دقیق برقرار کند و به هر یک از ابعاد سه گانه‌ی فوق توجه لازم را مبذول

نموده، این تعلیم نبوی را در زنده‌گی خود عملی کند:

«إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَلِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَلِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَأَعْطِ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ» 2

1 - صحیح مسلم؛ باب النهی عن صوم الدهر.

2 - صحیح البخاری؛ باب الطیب للجمعة.

(به یقین که هر يك از پروردگارت، نفست و خانواده ات بر تو حقيقي دارند؛ پس حق هر صاحب حق را ادا كن)

كسانی که به این قاعده پایبند نیستند، و نمی توانند میان برنامه های كاری خود توازن ایجاد کنند، و در یکی از جوانب مسؤولیت های خود به حدی افراط می کنند که باعث بی توجهی به جوانب دیگر می شود، چنین کسانی غالباً در زنده گی خود استقرار را از دست می دهند و نمی توانند تا نهایت مصاف به دعوت خود ادامه دهند. وقتی اسلام بر يك برادر مسلمان ما لازم گردانیده است تا میان برنامه های زنده گی خود توازن برقرار نموده دعوتش را از تمامی جوانب استوار و مستحکم سازد، در واقع راه حضور طبیعی برادر را در تمام میادین خصوصی و عمومی هموار نموده است.

یکی از بزرگترین امراضی که احياناً دامن گیر دعوتگران می شود توجه به دعوت در محدوده های مؤسسات دعوتی و بی توجهی به دعوت در خارج این محدوده است. به این معنا که تعدادی از اهل دعوت فقط در چوکات تنظیم زنده گی اسلامی دارند ولی در امور شخصی، خانواده گی و وظیفوی خود قواعد و مقررات اسلامی را مراعات نمی کنند؛ به همین خاطر است که زنده گی فردی و خانواده گی آنان شباهتی به زنده گی اسلامی ندارد.

بنابراین وقتی برای يك برادر مسلمان لازم است تا میان مسؤولیت های مختلف خود تعادل و توازن ایجاد کند، همان گونه لازم است تا میان جوانب مختلف هر مسؤولیت خود نیز توازن را برقرار نماید.

اول: مسؤولیت دعوتگر در برابر نفسش:

عده ای از دعوتگران مسؤولیتی را که در برابر نفس خود دارند به فراموشی سپرده، این کار خود را نوعی ایثار و از خودگذری تلقی می کنند؛ در حالی که دین مبین اسلام نخست هر فرد را در قبال نفسش مسؤول می داند:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ □
(التحریم 6)

(ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید)

□ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ □ (المدثر 38)
(هر کسی در گرو دستاورد خویش است)

وقتی مسلمان مکلف است تا نسبت به نفس خود احساس مسؤولیت کند، باید در این عرصه نیز توازن را به صورت درست و دقیق آن مراعات نماید. نباید توجه به (جسدش) او را از توجه به (عقلش) غافل نماید، یا اهتمام به (عقلش) او را از توجه و عنایت به (روحش) باز دارد... بلکه لازم است تا توجهش به هر سه بُعد بر اساس روشی که اسلام آن را برای ساختن شخصیت اسلامی معرفی نموده است تنظیم شود.

الف) انسان در برابر جسدش مسؤولیت دارد تا تمام چیزهایی که جسمش را ضعیف، نابود و یا اذیت می کند از خود دور نماید و در حد امکان بدنش را سالم و قوی نگهدارد تا بتواند به خوبی با شرایط ناگوار و چرخش روزگار مقابله کند.

ب) انسان در برابر عقلش نیز مسؤول است؛ تا آن را بیدار و متوازن نگهدارد و شرایطی را برایش مساعد کند تا دایره ی دید آن وسعت یافته، توانایی های بالقوه اش رشد کند. دعوتگری که میزان اندوخته هایش از میزان بخشش های وی زیادتر باشد، حتماً روزی مفلس خواهد شد. (فاقد الشيء لا يعطيه)

ج) انسان در برابر قلب خود نیز مسؤولیت دارد؛ تا آن را صیقل داده، اصلاح و پاکسازی کند و به وسیله ی یاد خدا نگرانی ها و پریشانی هایش را از میان بردارد و با روی آوردن به طاعت و عبادت الله ﷻ شفافیتش را زیاد کند. البته در همه ی حالات فوق دعوتگر روشی را در پیش می گیرد که الله متعال آن را معرفی کرده و نسل قرآنی اول بر اساس آن تربیت یافته اند. دوم مسؤولیت دعوتگر در برابر خانواده اش:

همان گونه که دعوتگر در قبال شخصیت خود مسؤولیت دارد به همان صورت در قبال خانواده (همسر، فرزندان و خانه اش) نیز مسؤول است. اسلام که دین عدالت و توازن است فرد مسلمان را امر می کند تا به صورت متعالی و متوازن حقوق هر يك از اعضای خانواده اش را ادا کند.

الف) دعوتگر مکلف است تا دین مبین اسلام را قبل از جامعه در میان خانواده و اقاربش اقامه کند.

مسؤولیت انسان در این عرصه خیلی بزرگ تر و تکان دهنده تر است. به این فرموده ی الله ﷻ دقت کنید:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ □ (التحریم 6)

(ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ هاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آن چه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آن چه را که مامورند انجام می دهند)

ارتباط يك برادر با همسرش باید در حد يك رابطه ی جنسی خلاصه نشود، بلکه باید ازدواج پیوندی تلقی گردد که دو شریک بر اساس آن می خواهند قواعد ایمان را در يك خانواده ی اسلامی ترسیخ نمایند و روحیه ی محبت و دلسوزی دوجانبه را - که سرّ کامیابی و موفقیت خانواده ی اسلامی است- در فضای خانه حاکم سازند. همه یی این آرزوها زمانی برآورده می گردد که زن و شوهر در میان هم سخنان زیبارد و بدل کرده، یکدیگر را با گرمی نصیحت کنند و برادر دعوتگر از خود الگویی شایسته و نیک تقدیم نماید قبل از این که از دیگران و از همسر خود خواستار ارائه ی چنین الگویی باشد.

متأسفانه بعضی از برادران ما از موضوع سرپرسی مرد در خانه برداشت غلطی دارند و سعی می‌کنند به گونه اشتباه آن را در داخل خانه پیاده نمایند؛ گمان عده بی از برادران این است که پیوند و رابطه ی مرد با زن در داخل خانه همانند رابطه ی رییس با مرؤوس و یا ارتباط ضابط با سرباز او است؛ در حالی که اسلام چنین فهمی را نمی‌پذیرد و نمی‌پسندد که رابطه ی مرد با زن در داخل خانه به گونه‌یی باشد که به متلاشی شدن زنده‌گی زناشویی انجامیده باعث بدبختی زنده‌گی زن و شوهر گردد نه سبب خوشبختی و آرامش شان.

البته این بدان معنا نیست که مرد اسیر خواسته های بی‌جای زن و آرزوهای نامحدود او گردد؛ بلکه مفهوم واقعی این سخن آن است که مسؤولیت زن در استقرار خانه کم‌تر از مسؤولیت مرد نیست؛ و اگر در میان يك خانو اده چنین برداشتی حاکم گردد، رابطه ی زن و مرد به صورت مسؤولیت دوجانبه مطرح می‌گردد نه يك‌جانبه. خطرناك‌ترین چیزی که باعث انهدام خانواده، ضایع شدن آن و انحراف فرزندان می‌شود و بسیاری از عقده های روانی را ایجاد می نماید، سرآغاز آن ارتباط نامطلوب، استمرار اختلافات و جار و جنجال‌های ویرانگر زن و شوهر است. (ب) دعوتگر مکلف است تا حقوق مادی خانواده را تأمین نماید؛ او مکلف است تا کار و پیشه بی را جهت تأمین نیازهای مادی خانه جستجو کند؛ هرچند ما امروزه می‌بینیم که فشارهای زنده گی باعث کشیده شدن زنان در کارهای مختلف گر دیده است، این بدان معنا نیست که در چنین شرایطی کار کردن زن واجب بوده و یا بهانه‌یی به دست مرد دهد تا در قبال خانواده‌اش کوتاهی نماید. مرد نمی‌تواند همسرش را به کار بیرون از خانه مجبور نماید، مگر در صورتی که با تفاهم یکدیگر چنین کاری صورت گیرد و يك نیاز مبرم هر دو را به کار کردن زن در بیرون از خانه وادار نماید، آن هم به شرطی که زن به صورت کامل از آن کار راضی باشد.

حقیقت این است که علت بسیاری از مشکلات خانواده گی به کارکردن زن در بیرون از خانه برمی‌گردد، به گونه‌یی که باعث می‌شود همه اعضای خانواده بر خود فشار وارد کرده، در ادای مسؤولیت‌های متراکم و اوقات تنگ به مسابقه برخیزند و روش منظمی که روابط زوجین بر اساس آن استوار گردد و پیوند آن دو را با فرزندان شان تنظیم کند وجود نداشته باشد؛ در چنین صورتی است که زن و شوهر نمی‌توانند به نیازهای تربیتی خانواده رسیده‌گی کنند چه رسد به این که در برآوردن نیازهای جسمی مانند خواب، استراحت، غذا، تفریح، نظافت و غیره به صورت معقول و مقبول آن برسند.

مسؤولیت ایجاب می‌کند تا در صورت مجبور شدن زن به کار بیرون از خانه، همکاری در میان افراد خانواده به بلندترین حد ممکن برسد، تا به این صورت بخشی از نابسامانی‌های که در نبود زن در داخل خانه ایجاد می گردد جبران شود و از پیدا شدن اسباب اختلاف‌برانگیز که باعث بدبختی خانه می‌گردد جلوگیری به عمل آید.

سوم: مسؤولیت دعوتگر در قبال دعوتش:

مسؤولیت برادر دعوتگر در قبال دعوت مسؤولیتی است مقدس و اساسی که به هیچ صورت نباید در قبال آن کوتاهی و سستی نشان دهد؛ بلکه تا جایی که شرایط برایش اجازه می‌دهد باید وقت و استعداد خود را به دعوت الی الله اختصاص دهد و تلاش نماید تا در امور مربوط به دعوت تعادل و توازن را که اسلام به آن امر نموده است، ایجاد کند.

باید بازدهی دعوتگر به دعوتش روز به روز افزایش یافته، بالآخره همه ی لحظات زنده‌گی وی را در بر گیرد؛ البته نباید افزایش تلاش های دعوی باعث از میان رفتن قاعده‌ی توازن در فعالیت های او شود. خلاصه باید این فرموده ی رسول اکرم ﷺ در مورد دعوتگر راستین صادق آید:

«من جعل الهموم هما واحدا كفاه الله هم دنياه و من تشعبت به الهموم لم يبالي الله في أي أودية الدنيا هلك»¹

(کسی که غم و اندوه خود را یکی سازد، الله تعالی غم های دنیوی او را برطرف می‌کند، اما کسی که غصه‌های مختلف او را فرا گرفته است، الله متعال باکی ندارد که در کدام بیابان دنیا به هلاکت می‌رسد)

برادر مسلمان ما باید بداند که فرورفتن در طلب دنیا شرط حتمی ثروتمندی نیست و اگر کسی به سبب تلاش زیادی که در طلب دنیا انجام می‌دهد غنی گردد، لازمه ی آن خوشبختی و سعادت نمی‌باشد.

چه بسا مردمانی که تمام عمرشان را در طلب دنیا ضایع نموده اند و بدون این که چیزی از دنیا نصیب شان گردد آخرت را نیز از دست داده اند؛ و چه بسا کسانی بوده‌اند که دنیا را به دست آورده اند ولی مال و ثروت به جایی که سبب خوشبختی شان گردد، باعث شقاوت و بدبختی آنان گردیده است.

و چه زیاد بوده اند انسان های که به خاطر ك سب کامیابی آخرت به دنیا پشت کرده‌اند، ولی دنیا با خواری و ذلت به آنان روی آورده است. راست گفته است الله متعال آن جا که می‌فرماید:

□ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ □ (الطلاق 2-3)

(و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد * و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند)

برادر مسلمان ما باید سعی کند تا توجهش به دعوت، نسبت به تمام جهات دیگر کامل‌تر و زیادتر گردد، نه بر عکس؛ چنان که عده ی به دلیل این که فکر می‌کنند اوقاتی را که در کارهای دعوی سپری می‌کنند هدر می‌رود، از دادن وقت زیاد به دعوت بخل می‌ورزند، و آماده نیستند ارواح خود را در راه خدا فدا کنند، چون مرگ در راه خدا را نوعی هلاکت می‌دانند؛ ولی همین افراد را می‌بینید که از داخل شدن در بزرگ‌ترین امواج طوفنده و خطرناک و روبه‌رو شدن با شرایط مضر در راه افزایش دنیا و متاع ناچیز آن ابایی ندارند.. الله تعالی در شأن چنین کسانی می‌فرماید:

1 - المستدرک؛ تفسیر سوره ی حم عسق. حاکم حدیث مذکور را صحیح و آلبانی آن را حسن لغیره گفته است.

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُطْقَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ * ثُمَّ السَّبِيلَ
 يَسَّرَهُ * ثُمَّ أَمَاتَهُ فَلَقَبَرَهُ * ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ * كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ □ (عبس 17-23)
 (کشته باد انسان چه ناسپاس است * او را از چه چیز آفریده است * از نطفه‌ای
 خلقش کرد و اندازه‌ی مقررش بخشید * سپس راه را بر او آسان گردانید * آنگاه به
 مرگش رسانید و در قبرش نهاد * سپس چون بخواهد او را برانگیزد * ولی نه هنوز
 آن چه را به او دستور داده به جای نیاورده است)

کار در مسیر دعوت به سوی دین خدا لذتی دارد، که لذت مال و زن و فرزند هرگز
 به آن نزدیک شده نمی‌تواند. تلاش و فعالیت در راه دعوت، در پیشگاه الله ﷻ ارزش
 و پاداشی دارد که ارزش دنیا و نعمت‌های آن در مرتبه‌ی بس فروتر از آن قرار دارد.
 بلی! کسانی لذت هدایت و رهنمایی الله ﷻ را می‌چشند که در مسیر دعوت الی
 الله گام نهاده‌اند:

«فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»¹

(قسم به خدا اگر یک نفر به وسیله ی تو هدایت شود برایت از شتران سرخ مو

بهتر است)

و فقط دعوتگران از رضای الله ﷻ لذت می‌برند:

□ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا □ (البینه 8)

(خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنوداند)

و تنها دعوتگران به سوی دین خدایند که از غلبه‌ی ایمان بر خواسته‌های نفسانی

و پیروزی آن در جامعه‌ی انسانی لذت می‌برند:

□ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ □ (الروم 4-5)

(و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند)

اسلام می‌خواهد تا پرچمداران دعوتش انسان‌های پاکیزه و برگزیده باشند، در
 راهش با جوانمردی همه چیز خود را فدا کنند، از روزی بترسند که در آن قلب‌ها و
 چشم‌ها از ترس و وحشت دگرگون می‌شود؛ به ویژه در زمانه‌ی که اکثر انسان‌ها به
 جای روی آوردن به دعوت، از آن روی برمی‌تابند. بنابراین می‌توان گفت که شرط
 پیروزی و موفقیت تعداد اندکی از مؤمنان، روی آوردن کامل‌شان به الله متعال است.

کار اسلامی متوازن دشوار و طاقت‌فرسا است:

در بسیاری از موارد میدان کار اسلامی شاهد بروز جریان‌هایی است که
 فعالیت‌های محدود، غیر متکامل و نامتوازن را پی می‌گیرند؛ چنین جریان‌هایی به
 سرعت رشد و نمو می‌کند؛ رشد سریع این جریان‌ها سوال‌های را در ذهن کارکنان
 جریان‌های اسلامی متکامل و متوازن ایجاد می‌نماید، و احياناً باعث شك و شبهاتی
 در اندیشه‌ی تعدادی نسبت به دعوت می‌گردد به گونه‌ی که از کار و فعالیت باز
 می‌مانند و سست می‌شوند چون نمی‌توانند علت و سبب رشد سریع جریان‌های
 نامتوازن و غیر متکامل را دریابند.

1 - صحیح البخاری؛ باب دعاء النبی ﷺ الی الاسلام والنبوة...

سبب گسترش سریع جریان های محدود و جزئی، بر می گردد به آسان بودن کار تکبُعدی و سهولت نوآوری در تخصصی واحد. به طور مثال جریانی که تنها به کار سیاسی می پردازد، زودتر می تواند در عرصه ی سیاست مهارت به دست آورد و در همین می دان نسبت به جریان شامل و دربرگیر فوق حاصل نماید.

همچنین جریان های که به یکی از ابعاد کار اسلامی مثلاً - عقیده یا فقه - اهتمام می ورزد، در همین چوکات خاص مساحت کارش از حرکتی که به جوانب متعدد و تخصصات مختلف توجه دارد بیشتر و بزرگتر خواهد بود. مشکل اساسی این است که جریان ها و حرکت های غیر موزون و نامتکامل نمی توانند جوانب دیگر کار اسلامی را که بیرون از چوکات تخصص شان است پوشش دهند؛ در حالی که کار اسلامی متکامل و متوازن، توان پوشش دادن تمام ابعاد را در حد پایین تر، اما در مستوای مطلوب دارد. به طور مثال ساختن ذهنیت یک شخص به فراگیری علم توحید و مسایل مربوط به عقیده به مراتب آسان تر از ساختن ذهنیت یک فرد به فراگیری تمام علوم مطلوب شرعی است؛ چنان چه ساختن ذهنیت یک شخص به یادگیری کار اجتماعی و خیری محض، ساده تر از ساختن ذهنیتی است که توجه و اهتمام همه جانبه به تمام عرصه های کار دعوی از قبیل کارهای اجتماعی، سیاسی، فکری، تعلیمی و غیره داشته باشد.

سهولت و آسانی کارهای جزئی باعث رشد سریع آن می گردد و در نتیجه سبب تعطیل و انحلال سریع آن نیز می شود؛ اما سختی کار همه جانبه و متوازن و نیازهای فراوانی که دارد باعث کندی گسترش آن است و در نتیجه باعث پایداری و موفقیت آن نیز می گردد. رسول اکرم ﷺ در مورد چه زیبا فرموده اند:

«أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»¹

(محبوبترین کارها در نزد الله ﷻ بادوامترین آنها است و لو اندک باشد)

ضرورت به یکپارچگی در کار اسلامی :

- پدیده‌ی انتشار چنددستگی در کار اسلامی.
- بهانه‌های چنددستگی در نزد اهل آن.
- نتایج چنددستگی.
- آثار چنددستگی بر ضد اسلام و مسلمین.
- آثار حرکتی چنددستگی.
- پشتوانه‌های حقیقی چنددستگی.
- وحدت کار اسلامی فریضه‌ی شرعی است.
- وحدت کار اسلامی ضرورتی بشری و حرکتی است.

بخش چهارم

ضرورت به یکپارچگی در کار اسلامی

چنددستگی در فعالیت‌های اسلامی پدیده‌ی است جهانی که هیچ گوشه‌ی از جهان اسلام - چه خورد و چه بزرگ - از آن نجات نیافته است. حتا هیچ مجموعه‌ی سیر و سیاحت‌کننده در اطراف و اکناف عالم اسلامی از این پدیده‌ی شوم برکنار نبوده است. در تمامی کشورهای اسلامی ده‌ها مؤسسه، نهاد، جماعت و حزب اسلامی وجود دارد.

مثلاً در لبنان، - در حالی که تعداد مسلمانان این کشور از يك و نیم میلیون انسان تجاوز نمی‌کند - ده‌ها تنظیم اسلامی وجود دارد از جمله: (جماعت اسلامی - حزب التحریر - جماعت تبلیغ - جماعت عباد الرحمن - جند الله - جمعیت مکارم اخلاق اسلامی - جمعیت مقاصد اسلامی - جمعیت محافظت از قرآن کریم - جمعیت تربیت اسلامی - جمعیت توجیه اسلامی - جمعیت اصلاح اسلامی - جمعیت نیکی و احسان - جمعیت جوانان مسلمان - تجمع اسلامی - حرکت تجمع اسلامی - مجلس اسلامی) علاوه بر اینها جماعت‌های مختلفی از صوفیه نیز وجود دارد. شگفت این که بعضی از فعالان میدان اسلامی این چنددستگی را پدیده‌ی صحیح می‌دانند و به این نظراند که چنددستگی و تعدد گروه‌های اسلامی باعث دربرگیری تعداد زیادتر مردم و توسعه‌ی مساحت کار اسلامی می‌شود. گویا قضیه‌ی کار اسلامی گسترش و زیاد کردن همکاران است، نه نوعیت کار و کارایی آن در ایجاد تحول اسلامی.

بهبان‌های چنددستگی در نزد اهل آن:

کسانی که به چنددستگی در کار اسلامی قناعت دارند و مسؤولان پارچه‌پارچه کردن کار اسلامی و آنانی که با وجود موجودیت تنظیم‌های سابق دست به ایجاد تنظیم‌ها و جماعت‌های جدید می‌زنند، برای توجیه کار خود به یکی از دلایل ذیل استمساک می‌کنند:

- 1- تنظیم‌های اسلامی سابق اهداف شان را به پایان رسانده ، ثابت نموده اند که توانایی تحقق اهداف خود را ندارند.
- 2- تنظیم‌ها و جماعت‌های موجود، کار خود را منحصر به یکی از ابعاد فعالیت‌های اسلامی محصور نموده، جوانب دیگر را به فراموشی سپرده اند و یا به يك جانب بیش از جوانب دیگر توجه دارند.
- 3- در مورد تنظیم‌ها و جماعت‌های سابق، شبهات زیاد و سوال‌های بزرگی وجود دارد و ایجاد تنظیمی جدید می‌تواند علاقمندان به کار اسلامی را از شبهات و علامات استفهام محافظت کند.
- 4- از تنظیم‌ها و جماعت‌های گذشته اشتباهات بزرگی سر زده است. در این صورت نتیجه چه می‌شود؟

حالا اگر بیاییم و عاقبت توجیهاتی که باعث ایجاد تنظیم دوم، سوم و چهارم شده است را بنگریم و ببینیم که:

آیا واقعاً تنظیم اول اهداف خود را به پایان رسانده است و تنظیم بعدی اهدافی را به سر رسانیده که تنظیم اول آن را انجام نداده بوده است؟
آیا این تنظیم های جدید التاسیس بعد از این که وارد میدان عمل شده اند، از شبهات و اشتباهات نجات پیدا کرده اند؟

حقیقت تلخی که در برابر ما قرار می‌گیرد این است که تمام توجیهات ایشان بعد از پیدا شدن تنظیم جدید در میدان فعالیت‌های اسلامی از هم فرو می‌ریزد:

1- چالش‌ها و شبههاتی که تنظیم جدید فکر می‌کرد از آن نجات خواهد یافت، به صورت کامل و همه جانبه دامن آن را می‌گیرد و اسلام که قبلاً ادعای می‌شد هدف و مقصد اصلی و اساسی تأسیس آن خواهد بود، کاملاً به فراموشی سپرده می‌شود؛ زیرا فعالان میدان اسلامی هرکس باشند و زیر هر نامی فعالیت کنند، بالاخره راه شان مشترک است.

2- عیبی را که ایجادکنندگان تنظیم جدید قبلاً در کارکنان تنظیم‌های دیگر مشاهده می‌کردند، حالا خودشان به همان عیب متهم می‌گردند و دلایلی را که جهت توجیه کار خود به آن تمسک می‌جستند، دروازه‌اش را به صورت کامل در برابر جریان‌های که گفته می‌شود (برای تصحیح عرض وجود می‌کنند) باز می‌نمایند؛ چرا که بیشتر این توجیهات از اثر وسوسه‌های شیطان به میان می‌آید و نتیجه‌ی جز زیاد کردن فاصله و تقسیم‌بندی در میان مسلمانان ندارد.

3- در خاتمه اگر بیاییم و از نزدیک تنظیم‌های نو تأسیس و حرکت‌های اصلاح‌طلب را مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که تمام آنها به اندازه‌ی همان تنظیم اولی که اینها از آن نشأت گرفته‌اند دستاورد ندارند.

پس فایده و ثمره‌ی بی‌کی که از خلال چنددستگی نصیب اسلام می‌گردد چیست؟ و دستاوردهای که تنظیم اول از تحقق آن عاجز بوده و تنظیم دوم، سوم و چهارم آن را محقق ساخته‌اند کدام است؟

آثار چنددستگی بر ضد اسلام و مسلمین:

مصیبت چنددستگی تنها در عدم تحقق فایده‌ی زیاد برای کار اسلامی خلاصه نمی‌گردد، بلکه آثار زیانبار فراوانی در میدان فعالیت‌های اسلامی نیز به جا می‌گذارد؛ از جمله:

1- باعث می‌شود تا تعداد زیادی از مسلمانان به بهانه‌ی چنددستگی فعالیت‌های اسلامی، از داخل شدن در صفوف فعالیت‌های حرکتی اجتناب کنند؛ چون در مقابل گروه‌ها و تنظیم‌های زیاد متحیر مانده، انتخاب یکی از آنها برای شان دشوار است.

2- توانمندی‌ها و نیروهای اسلامی را متشتت و ضعیف می‌سازد و به هیچ صورت سبب رشد و شکوفایی کار اسلامی نمی‌گردد؛ بلکه باعث پراکنده شدن و واپسگرایی فعالیت‌های اسلامی گردیده مردم را نسبت به آن مشکوک می‌سازد.

3- تصفیه‌ی جریان‌های اسلامی را برای دشمنان اسلام آسان می‌گرداند و آنان می‌توانند به سادگی هر یک از گروه‌های کوچک اسلامی را هدف حملات خود قرار دهند؛ چون مسلمانان پراکنده در مقابل چالش‌های آنان توان ایستاده‌گی و مقاومت را ندارند.

4- سبب ایجاد حساسیت در میان طرفداران هر تنظیم نسبت به تنظیم دیگر می‌شود که در نتیجه، آنها را بیش از پیش متشتت می‌سازد و تعصب گروهی را در میان افراد زیاد می‌کند؛ بالاخره طرفداران جریان‌های مختلف مجبور می‌شوند تمام نیروهای خود را به جای استفاده در مقابل دشمن مشترک، در برابر یکدیگر به کار گیرند.

5- تمام عوامل فوق سبب می‌شود تا همه‌ی تنظیم‌های اسلامی عقب مانده، هیچ یک از آنها به اهداف و آرمان‌های خود دست پیدا نکنند.

آثار حرکتی چنددستگی:

چنددستگی، آثار نهایت زیانباری را بر فعالیت‌های اسلامی به‌جامی گذارد به گونه‌ی که در بستر آن گرایش‌های اسلامی زهرآگینی عرض وجود می‌کند که از ناحیه‌ی آن فکر و منهج اسلامی متضرر می‌گردد. از جمله:

1- پیدا شدن پدیده‌ی فردگرایی و روابط (پیر و مریدی) به جای عمل مؤسساتی منظم.

2- پیدا شدن پدیده‌ی منطقه‌گرایی در بطن کار اسلام‌ی، عوض توجه به جهانی بودن، وحدت و مرکزیت کار اسلامی.

3- پیدا شدن پدیده‌ی پیوند و ارتباط حزبی به جای پیوند اصولی و عقیدتی.

4- پیدا شدن پدیده‌ی جزیی‌نگری در کار اسلامی به جای نگرش کلی و گسترده و همه‌جانبه.

5- بارزترین این آثار، افتادن هر یک از گروه‌ها در خطا‌های است که گروه‌های پیشین در آن لغزیده‌اند؛ چرا که گروه‌های نو تأسیس نمی‌خواهند از تجارب گروه‌های پیش از خود استفاده کنند؛ به همین دلیل است که جریان‌های اسلامی همیشه تجاربی را تکرار می‌کنند که به نفع اسلام نیست. از این میان هوشیار و زیرک کسی است که از تجارب دیگران عبرت گیرد.

«لَا يُدْعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ»¹
(مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود)

پشتوانه‌های حقیقی چنددستگی:

تنظیم‌هایی که با وجود فعال بودن جریان‌های اسلامی از نو تأسیس می‌گردند، برای توجیه کار خود در حقیقت به اسباب نامشروع، غیر منطقی و ناصوابی تمسک می‌کنند.

حقیقت دیگری که نباید از نظرها دور بماند اسبابی و پشتوانه های است که در پشت چنددستگی قرار دارد و ما ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- پشتوانه‌ی بین‌المللی: که از طرف اردوگاه‌های مختلف حمایت می‌شود و هدف آن زدن کار اسلامی اصیل از داخل سرزمین‌های اسلامی است. مثلاً وقتی انگلیس‌ها خواستند حرکت اسلامی فعال شبه‌قاره‌ی هند به رهبری (احمد بن عرفان) را بکوبند، حرکت اسلامی منحرفی به نام (حرکت قادیانی یا احمدی) را ایجاد کردند.

2- فشار غریزه‌ی رهبری: چیزی که متأسفانه در بی‌شتر اوقات مانع وحدت فعالیت‌های اسلامی شده است. یکی از خواست‌های کار اسلامی این است که کارکنان آن فقط به خاطر رضای خدا عمل کنند و حاضر به قربانی دادن همه‌چیز در راه خدا باشند و به خاطر کسب رضای الله تعالی خود و لذت‌های زنده‌گی را فراموش نمایند.

3- فشار غریزه‌ی مادی و حرص اندوختن منافع دنیوی: یکی از فتنه‌های که در عصر حاضر در مقابل اسلام قرار گرفته است وجود مدعیانی است که به نام اسلام تجارت کرده، اموال و دارایی دیگران را می‌ربایند و سعی می‌کنند از خلال آن به مصالح شخصی خود دست یابند؛ شکی نیست که این اشخاص وحدت کار اسلامی را نمی‌پذیرند، چون وحدت کار اسلامی دوکان‌های شان را بسته نموده، مصالح شان را تعطیل می‌سازد و جلوی ثروت‌اندوزی شان را می‌گیرد.

متأسفانه در جهان اسلام ده‌ها جمعیت اسلامی وجود دارد که در مناطق مختلف جهان به نام اسلام ایجاد شده، در زمستان و تابستان جهت جمع‌آوری صدقات از دول خلیج، به آن کشورها سفر می‌کنند؛ در حالی که جز نام هیچ اثری از آنها در میدان کار اسلامی به چشم نمی‌خورد.

4- ناآگاهی از اسلام و نیازهای کار اسلامی در عصر حاضر: پدیده‌ی که میدان کار اسلامی را صحنه‌ی زورآزمایی و تخته‌ی مشق مدعیان ک از اسلامی گردانیده است. متأسفانه هیچ‌یک از گروه‌های موجود به فکر استفاده از تجارب دیگران نیست. در آخر تذکر این نکته ضروری است که منظور ما از مطالب پیش گفته این نیست که در صورت موجودیت یک تنظیم اسلامی به هیچ وجه دلیل شرعی و حرکی مبنی بر ایجاد تنظیم‌های جدید وجود ندارد.

وحدت کار اسلامی فریضه‌ی شرعی است:

شکی نیست که اصل در شریعت اسلامی وحدت فعالیت های اسلامی است نه

چنددستگی آن. و این وحدت بنابر دلایل متعدد ذیل فریضه‌ی شرعی است:

- اصل این است که مسلمانان و امت اسلامی متحد و یکپارچه باشند. به دلیل این

فرموده‌ای الله تبارک و تعالی:

□ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون □ (الأنبياء: 92)

(این است امت شما که امتی یگانه است و من پروردگار شما پس مرا بپرستید)

□ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون □ (المؤمنون: 52)

و در حقیقت این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید)

و به دلیل این فرموده‌ی رسول الله ﷺ:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى»¹

(مثال مؤمنان در دوستی، ترحم و مهربانی شان نسبت به یکدیگر مانند جسد [یک انسان] است که وقتی یکی از اعضای آن به درد آید تمام جسد در بیدارخوابی و تب او را همراهی می‌کنند)

- قاعده این است که شریعت اسلامی مسلمانان را به وحدت تشویق و از اختلاف نهی کرده است. به دلیل این آیات کتاب الله ﷻ:

□ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ □ (آل عمران 105)

(و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برای شان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است)

□ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ □ (الأنعام 159)

(کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند تو هیچ گونه مسوول ایشان نیستی کارشان فقط با خداست آنگاه به آن چه انجام می‌دادند آگاه‌شان خواهد کرد)

و این قول پیامبر اکرم ﷺ:

«مَنْ فَرَّقَ فَلَيْسَ مِنَّا»²

(کسی که اختلاف ایجاد کند از ما نیست)

- اصل این است که امت اسلامی به يك جماعت منسوب باشند نه جماعت های

متعدد؛ به دلیل احادیثی که در این مورد از رسول الله ﷺ روایت شده است:

«إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبْ وَهُ بِالسَّيْفِ كَانًا مِنْ كَانٍ»³

(به زودی فتنه‌ها و آشوب‌ها بروز خواهد کرد؛ کسی که بخوهد در میان این امت در حالی که آنها با هم متفق‌اند- تفرقه ایجاد کند، هر کسی که باشد او را به شمشیر بزنید)

عباده پسر صابت ؓ می‌گوید: رسول الله ﷺ ما را خواسته، از ما بیعت گرفت؛ ما نیز با او بیعت نمودیم که سخنش را شنیده، در حالت خوشی و ناخوشی و در سختی و آسانی فرمانش را اطاعت کنیم و لو این که در وقت [امتیازگرفتن] دیگران بر ما

1 - متفق علیه.

2 - المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ حدیث 16925. آلبانی حدیث مذکور را موضوع گفته است.

3 - صحیح مسلم؛ باب حکم من فرق امر المسلمین وهو مجتمع.

ترجیح داده شوند و تعهد سپردیم که با اولیا امور خود منازعه نکنیم مگر این که از ایشان کفري آشکار ظاهر شود که بتوان در پیشگاه خدا به آن استدلال نمود»¹ و این گفته‌ی آن حضرت علیه السلام:

«الجماعة رحمة والفرقة عذاب»²
(جماعت، رحمت و تفرقه عذاب است)

و این قول پیامبر صلی الله علیه و آله:
«يد الله على الجماعة»³
(يد الله جل جلاله با جماعت است)

در حاشیه‌ی (جامع الصغير امام سيوطي) ضمن تعليق روي حديث: (يد الله على الجماعة) آمده است: «که منظور از حديث مذکور این است که جماعت در حفظ و نگهداری و حمایت الله جل جلاله قرار دارند و منظور از يد الله قوت او است. حکیمی فرزندان خود را نصیحت کرده فرمود: برای من مقداری چوب بیاورید، سپس آنها را یکجا نموده گفت همه را به یکبار بشکنید؛ وقتی آنان موفق به شکستن چوب‌ها نشدند، آنها را از هم جدا کرده گفت: حالا می‌توانید آنها را بشکنید؛ پسرانش چوب‌ها را یکایک شکستند؛ آنگاه رو به آنان کرده گفت: تا زمانی که با هم یکجا باشید هرگز مغلوب نمی‌گردید؛ ولی هرگاه از هم جدا شدید دشمن تان می‌تواند به ساده‌گی بر شما غلبه نماید»⁴.

وحدت کار اسلامي ضرورتي بشری و حرکي است:

علاوه بر این که وحدت کار اسلامي فريضة ي شرعي است، یکی از ضرورت‌های حرکي و بشري نیز می‌باشد. در ادامه به اسبابی اشاره می‌شود که کار اسلامي را به حیث یکی از ضرورت‌های انسانی حتمی می‌سازد:

1- تغییر اسلامي مطلوب نیازمند این است که تمام نیروهای موجود در عالم اسلامي متحد و یکپارچه از خلال نقشه ی واحد عملی شود؛ چون پراکنده بودن توانمندی‌های جهان اسلام، چیزی جز تعطیل و تأخیر انقلاب اسلامي، مساعد شدن زمینه برای استمرار تاخت و تاز نیروهای جاهلیت، افتادن رهبري مسلمانان به دست دشمنان اسلام و تسلط آنان بر اشخاص و ممالک اسلامي را در پی نخواهد داشت. انقلاب اسلامي و دور کردن قوای جاهلیت از موقعیت فعلی‌اش کاری ساده و آسان نیست؛ بناءً ایجاد جامعه‌ی بی که از نظر فکر، سلوک، و نظام به اصول اسلامي پایبند باشد، لازم می‌گرداند تا مسلمانان نیروهای خود را در داخل چوکاتی واحد به هم آمیزند، نه این که سعی کنند فعالیت‌های پخش و پراکنده ی خود را با هم تنسيق نمایند.

1 - منفق علیه.

2 - مسند شهاب؛ حديث 15. آلبانی حديث مذکور را حسن گفته است.

3 - سنن نسائی؛ باب قتل من فارغ الجماعة و ذکر... حديث مذکور را آلبانی صحیح دانسته است.

4 - مصابيح التنوير على صحيح الجامع الصغير؛ از آلبانی.

2- همچنین توطئه ها و سازشکاری های بین المللی که علیه اسلام و حرکت اسلامی سامان داده می شود لازم می گرداند تا مقابله با آن از طریق يك صف واحد و به هم فشرده صورت گیرد. دولت های غربی را (پیمان اتلانتیک شمالی) دور هم جمع کرده است، دولت های اروپایی با هم از خلال (بازار مشترك اروپا) همکاری دارند، کشورهای کمونستی را (پیمان وارسا) یکجا نموده است و یهودیان ضمن (سازمان صهیونیستی جهانی) با هم یکجا می شوند.

وقتی نیروهای مخالف و توطئه گران بین المللی برای کوبیدن مسلمانان با هم همکاری نموده جبهات خود را یکجا می کنند، آیا برای مسلمانان زینده نیست که توانمندی های بالقوه ی جهان اسلام را در صقی واحد سازمان دهی نمایند تا همانند لقمه ی آماده در دهان دشمنان اسلام قرار نگیرند و تصفیه ی شان به سادگی میسر نباشد؟!

اگر وحدت کار اسلامی من حیث يك اصل فریضه ی شرعی نباشد، باز هم به حیث قوی ترین حفاظت کننده ی پروژه ی اسلامی مطرح بوده و به حیث تضمین کننده ی جریان اسلامی از تعطیل و نابودی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

3- نیروها و احزاب محلی ضد اسلام، امروزه در تمام عالم اسلامی از خلال يك جبهه با اسلام به مقابله می پردازند؛ چنین نیست که هر يك از این جبهات در سرزمین خود به صورت جداگانه علیه اسلام و مسلمانان برنامه ریزی کنند. آیا پسندیده است که نیروهای اسلامی در مقابل این واقعیت تلخ به صورت پراکنده و متشتت فعالیت کنند؟ یا بهتر این است که خود را از تمام اعتبارات و اسبابی که میان آنان و وحدت فعالیت های اسلامی فاصله ایجاد می کند بالاتر و بلندتر بدانند؟!

برگشتگاه ترسناک مشترکی در برابر تمام نیروه ای اسلامی قرار دارد؛ و همه در صورتی که خود و لذت های دنیا را فراموش نکنند روزی با آن مواجه خواهند شد؛ بنابراین باید همه به خاطر الله ﷻ و مصالح علیای اسلام با هم یکجا شوند.

مطلوب از همگان این است که لحظه یی سر در گریبان خود فرو برده، در حالی که صادقانه با خدای خویش راز و نیاز می کنند و از سرکشی، تعصب، گروه گرایی و حب ذات آزاداند، در این مورد فکر کنند. در چنین حالتی است که خداوند متعال مؤمنان را به نصرت و یاری خویش شادمان خواهد نمود.

□ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا □ (الإسراء 51)

(بگو شاید که نزدیک باشد)

ضرورت به تربیه‌ی جهادی در کار اسلامی :

- مدارس گوناگون در قبال مسأله‌ی جهاد.
- اسلام دعوتی جهادی است.
- جماعت اسلامی حرکتی جهادی است.
- تغییر اسلامی بدون جهاد ممکن نیست.
- منظور ما از تربیه‌ی جهادی چیست؟
- اسلام به جهاد تشویق می‌نماید.
- در میان دو جهاد (اکبر و اصغر).
- رسول الله ﷺ نخستین مجاهد اسلام.

بخش پنجم

ضرورت به تربیه‌ی جهادی در کار اسلامی

به تبع پیدا شدن پدیده ی (چنددستگی) در میدان فعالیت های اسلامی، تصورات مختلفی در مورد (تربیه‌ی جهادی) و (خط جهادی) در کار اسلامی بروز نموده است. برخی از جریان های اسلامی، (خط جهادی) را در تمام عرصه ها، -اعم از تربیه‌ی افراد گروه، اسلوب برخورد با جوامعی که در آن زنده گی می‌کنند و نظام های که در آن جوامع حکومت می‌نماید- سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌اند.

جریان های دیگری در جهان اسلام وجود دارد که (خط جهادی) را به کلی ردّ می‌نمایند و به مسایلی پایین تر از جهاد فزیک می‌مانند مجاهده با نفس، تزکیه ی نفس، مجاهده با مردم به گفتن سخن نیک و اندرز نیکو، مجاهده با حکام به وسیله ی پند و اندرز و امر به معروف و نهی از منکر اکتفا می‌نمایند، بدون این که در محاسبات کوتاه مدت و دراز مدت خود برای جهاد فزیک و تغییر اوضاع جامعه و تحقق انقلاب اسلامی به وسیله‌ی جهاد فزیک آماده‌گی بگیرند.

در میان مسلمانان جریان های دیگری وجود دارد که خط جهادی را ردّ نمی‌کنند ولی آماده‌گی برای جهاد را در چوکات یک تنظیم مردود می‌شمارند؛ نظر جریان های مذکور این است که چون امکان دارد مؤسسات دولتی مسؤلیت فراهم آوری اسباب جهاد و وسایل تغییر فزیک را به عهده گیرند، نیازی به تلاش و کوشش جریان های اسلامی در این زمینه نیست. جریان های مذکور به این عقیده اند که پرداختن به فراهم آوری و آماده کردن وسایل جهاد جریان اسلامی را با مشکلاتی روبه رو کرده تلاش های زیادی را می‌طلبد. به همین دلیل است که افراد منسوب به این جریان ها نه خود را مکلف به جهاد می‌دانند و نه هم اندیشه ی آماده کردن اسباب و وسایل جهاد را در آینده دارند.

تفاوت ها و اشکالات زیادی که از متعدد بودن اندیشه ی حرکی کار اسلامی تراوش نموده است سبب شده تا میدان فعالیت های اسلامی در طول سالیان دراز شاهد بروز مجاهدین برارنده نباشد؛ در حالی که فعالان اسلامی در میادین وعظ، ارشاد، فلسفه، تألیف کتاب، برگزاری کنفرانس و امثال آن زیاد بوده اند. در واقع راز سقوط سرزمین های اسلامی یکی بعد دیگری به دست دشمنان اسلام در همین نکته نهفته است؛ زیرا مناطق از دست رفته‌ی ما غالباً از وجود جریان های جهادی خالی بوده است که بتوانند در مقابل توطئه های دشمنان ایستاده‌گی نموده، نقشه های آنان مبنی بر ریشه کن نمودن اسلام حرکی و حاکمیت بر سرنوشت ملت های اسلامی را خنثا نمایند.

اسلام دعوتی جهادی است:

یکی از برجسته‌ترین صفات اسلام، جهادی بودن آن است و جهاد به خاطر مقابله با باطل و استحکام حق تا روز قیامت جریان خواهد داشت.

الله تعالی در این رابطه می‌فرماید:

□ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ لِلَّهِ □ (الأنفال 39)

(و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد)

و رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

«أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ» 1

(مأمور شدم با مردم مقاتله کنم تا زمانی که شهادت دهند هیچ معبود برحق جز الله ﷻ نیست و محمد ﷺ فرستاده شده‌ی الله ﷻ است و نماز را برپا دارند و زکات مال شان را بپردازند؛ وقتی چنین کردند خون و مال شان را از ما محفوظ و مصون نموده‌اند مگر به حق اسلام و حساب شان با خداوند ﷻ می‌باشد)

یکی دیگر از ویژه‌گی‌های اسلام این است که هرگز با جاهلیت آشتی نمی‌کند و در هیچ صورتی زندگی با جاهلیت را نمی‌پذیرد و در مقابل آن کوتاه نمی‌آید:

□ فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ □ (الحجر 94)

(پس آن چه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب)

□ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ □ (سورة الكافرون)

(بگو ای کافران ، آن چه می‌پرستید نمی‌پرستم، و آن چه می‌پرستم شما نمی‌پرستید، و نه آن چه پرستیدید من می‌پرستم، و نه آن چه می‌پرستم شما می‌پرستید، دین شما برای خودتان و دین من برای خودم)

□ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ □ (الشوری 15)

(بنابر این به دعوت پرداز و همان گونه که ماموری ایستاد هگی کن و هوس های آنان را پیروی مکن)

یکی دیگر از ویژه گی‌های اسلام این است که تمام راه حل‌های پیشنهاد شده از جانب دشمنان اسلام را مردود و غیرقابل قبول می‌شمارد؛ چرا که از نظر اسلام راه‌حل‌های طرح شده از جانب دشمنان در واقع راه حل مشکلات نیست بلکه خود مشکلاتی است که نیاز به راه‌حل اسلامی دارد. این دین هیچ روشی را در کنار روش اسلامی و هیچ دینی را جز دین اسلام و هیچ قانونی را غیر از قانون اسلام به رسمیت نمی‌شناسد:

□ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا □

(المائدة 3)

(امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم)

□ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ □ (آل عمران 19)

(در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است)

□ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ □ (آل عمران 85)

(و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است)

یکی دیگر از ویژه گی های اسلام این است که قانونگذاری را فقط حق الله متعال می داند و حاضر نیست به غیر شریعت و قانون خدا به قانونی دیگر تن در دهد. به همین خاطر تمام قوانین ساخته شده توسط انسان ها را مردود می شمارد؛ چه این قوانین وضعی از طرف بیگانگان طراحی شده باشد چه از جانب عرب ها، چه در کشورهای شرقی درست شده باشد چه در کشورهای غربی:

□ وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ □ (المائدة 49-50)

(و میان آنان به موجب آن چه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهای شان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش مبدا تو را در بخشی از آن چه خدا بر تو نازل کرده به فتنه در اندازند پس اگر پشت کردند بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره ای از گناهان شان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند. آیا خواستار حکم جاهلیت اند و برای مردمی که یقین دارند داوری چه کسی از خدا بهتر است) یکی دیگر از ویژه گی های اسلام این است که به هیچ صورت نمی پذیرد پیروان آن در امری از امور به پستی و خواری تن در دهند:

□ وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ □ (المنافقون 8)

(عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است)

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ □ (المائدة 54)

(ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست)

□ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ □ (الفتح 29)

(محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند)

اسلام جهاد را راه رسیدن مؤمنان به جنت و کسب رضای الله ﷻ و برخورداری از نعمت های آخرت می داند. ترك جهاد و بی توجهی به آن نتیجه بی جز خواری و ذلت ندارد. رسول اکرم ﷺ می فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيُوفِ»¹
(بدانید که جنت در زیر سایه‌ی شمشیرها است)

جماعت اسلامی حرکتی جهادی است:

اسلام جماعت مسلمانان را - در هر زمان و مکانی که برپا گردد- حرکتی جهادی می‌داند که هدف اصلی آن آماده کردن مردم به عبادت الله ﷻ و برپایی حاکمیت قانون خدا در روی زمین است.

کتاب خدا جماعت مسلمانان را چنین توصیف می‌کند:

□ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ □ (الحجرات 15)

(در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شك نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند اینانند که راستگردارند)

□ وَانْبَلَوْكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبَلُّوا أَخْبَارَكُمْ □ (محمد 31)

(و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم و

گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیده‌گی کنیم)

و رسول الله ﷺ جماعت مسلمانان را چنین توصیف می‌نمایند:

«لَا يَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ»²

(همیشه گروهی از امت من پشتیبان حق خواهند بود تا زمانی که وعده‌ی خدا فرا

رسد و آنان همچنان غالب‌اند)

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةٌ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا»³

(همیشه گروهی از امت من برپادارنده‌ی دساتیر الله ﷻ خواهند بود و کسانی که

با آنان به مخالفت برخیزند نمی‌توانند به آنان آسیبی وارد کنند)

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ»⁴

(همیشه گروهی از امت من پشتیبان حق خواهند بود تا زمانی که قیامت برپا

گردد)

مسلمانان صدر اسلام دانسته بودند که آنان امت جهاد، و حرکتی جهادی‌اند؛

زنده‌گی آنان به گونه‌ی عیار شده بود که همیشه حاضر بودند با مال و جان خود در

راه خدا جهاد کنند؛ آنان سخن حق را می‌گفتند، به کارهای پسندیده امر می‌کردند و

از کارهای زشت باز می‌داشتند و در راه برپایی عدل و انصاف و اقامه‌ی دین خدا از

ملامت هیچ ملامتگري نمی‌ترسیدند.

صحابه ﷺ کسانی نبودند که از هیبت حاکم، تازیانه‌ی جلاد و ریسمان داری

بترسند؛ بلکه آنان تمام این مشکلات را در راه خدا همانند شربت‌ی گوارا سر

1 - متفق علیه.

2 - متفق علیه.

3 - سنن ابن ماجه؛ باب اتباع سنة رسول الله ﷺ. آلبانی حدیث مذکور را حسن دانسته است؛ سلسله‌ی احادیث صحیحه؛ حدیث

1962.

4 - المستدرک؛ للحاکم؛ حدیث 8508. آلبانی حدیث مذکور را صحیح دانسته است؛ سلسله‌ی احادیث صحیحه؛ حدیث 1956.

می‌کشیدند و زبان حال شان این فرموده ی رسول الله ﷺ را زمزمه می‌کرد که در قلب سختی‌ها و مشکلات می‌فرمودند:

«إِنْ لَمْ يَكُنْ بِكَ غَضَبٌ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي..»¹

(اگر از جانب تو بر من غضبی نباشد هیچ باکی ندارم)

جماعت اسلامی را که محمد ﷺ تربیت کردند (مدرسه‌ی فکری و یا فلسفی) نبود که هدف آن نشر فکر و فلسفه در میان مردم باشد و آنان با اختیار و سلیقه ی خود آن چه را می‌پسندند بردارند و آن چه را نمی‌پسندند واگذارند؛ حتا کار پیامبر ﷺ تقدیم انسان‌های متفکر و فیلسوف به جامعه‌ی انسانی نبود.

چنان که جماعت ساخته شده به دستان مبارک محمد ﷺ (گروه‌ی صوفی) نبودند تا در حالتی برکنار از دنیای مردم زنده گی خود را به نماز، روزه و خواندن سرود سپهری کنند و کاری جز ریاضت کشیدن نداشته باشند و ندانند که دشمنان اسلام پیرامون شان چه دام‌ها که پهن نموده‌اند و به چه حیل‌ها که در راستای توطئه‌چینی علیه اسلام و بدجلوه‌دادن چهره‌ی واقعی دین و ریشه‌کن نمودن آن متوسل نشده‌اند! به همین دلیل وقتی مردی را نزد رسول الله ﷺ آوردند که در کوهی پناه گرفته و به عبادت مصروف شده بود، عصبانی شده فرمودند:

«فَلَا تَفْعَلْهُ وَلَا يَفْعَلْهُ أَحَدُكُمْ، فَلَصَبْرُ سَاعَةٍ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ سَنَةً خَالِيًا»²

(این کار را نکن، هیچ یک از شما این کار را نکند؛ هرآینه صبر یکی از شما لحظاتی در سنگری از سنگ‌های اسلام بهتر از آن است که چهل سال از عمرش را به تنهایی در عبادت خدا سپری کند)
در روایت ترمذی آمده است:

«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ سَبْعِينَ عَامًا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ الْجَنَّةَ اعْرَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَوَاقَ نَاقَةٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»³

(این کار را نکن، زیرا ایستاده گی یکی از شما در راه خدا بهتر از این است که هفتاد سال در خانه‌ی خود نماز بخواند، آیا دوست ندارید که الله تعالی گناهان شما را بیامرزد و شما را وارد بهشت کند؟ در راه خدا جهاد کنید. کسی که مدتی اندک - فاصله میان دو مرتبه دوشیدن شیر شتر- در راه خدا جهاد کند، داخل شدنش در بهشت حتمی است)

تغییر اسلامی بدون جهاد ممکن نیست:

علاوه بر این (تغییر اسلامی) که هدف اصلی فعالیت‌های اسلامی است، هرگز بدون جهاد و ساختن نسلی مجاهد و برپایی تنظیمی جهادی تحقق نخواهد یافت.

1 - آلبانی حدیث مذکور را ضمن تخریج احادیث کتاب (فقه السیره) محمد غزالی، ضعیف گفته است.

2 - شعب الایمان؛ للبيهقي؛ حدیث 3924.

3 - سنن ترمذی؛ باب ما جاء فی فضل الغدو والروح، حاکم حدیث مذکور را صحیح و آلبانی آن را حسن گفته است.

مسئولیتی که هدف آن ایجاد تغییر و تحول در ج **امعه** است بسی دشوار و طاقت فرسا است؛ حتا با گذشت ایام لحظه به لحظه دشوارتر می گردد؛ زیرا جریان های فعالی که زمام امور کشورهای اسلامی را به دست دارند، روز به روز رنگ اعتقادی مخالفت شان با اسلام و وابستگی شان به دشمنان اسلام تیره تر می شود.

روزگار آزادی و آن چه امروز به نام (دموکراسی) یاد می شود سپری شده، به جای آن عصر (دیکتاتوری) فرا رسیده است که رسول الله ﷺ در مورد آن فرموده اند: «أَلَا إِنَّ رَحَى الْإِسْلَامِ دَائِرَةٌ، فُدُورُوا مَعَ الْكِتَابِ حَيْثُ دَارَ، أَلَا إِنَّ الْكِتَابَ وَالسُّلْطَانَ سَيَقْتَرِقَانِ، فَلَا تَفَارِقُوا الْكِتَابَ، أَلَا إِنَّهُ سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرًا يُقْضُونَ لِأَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُقْضُونَ لَكُمْ، إِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ، وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ»، قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: «كَمَا صَنَعَ أَصْحَابُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ، نَشَرُوا بِالْمَنَاشِيرِ، وَحَمَلُوا عَلَى الْخَشَبِ، مَوْتٌ فِي طَاعَةِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ»¹

(بدانید که آسیاب اسلام در حال گردش است، شما باید در محور کتاب خدا بگردید؛ بدانید که کتاب و حکومت از هم جدا خواهند شد؛ شما از کتاب جدا نشوید؛ بدانید حکامی بر شما مسلط می گردند که قضاوت شان در باره ی شما غیر از قضاوتی است که در مورد خود می کنند؛ اگر از آنان نافرمانی کنید شما را می کشند؛ اگر آنان را اطاعت کنید شما را گمراه می سازند. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا [در آن وقت] ما چه کاری انجام دهیم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: کاری را که یاران عیسی پسر مریم انجام دادند؛ آنان با اره قطعه قطعه شده به دار زده می شدند. مرگ در طاعت خدا بهتر از زنده گیی است که در نافرمانی الله ﷻ سپری گردد)

در حدیثی دیگر فرمودند:

«تَكُونُ النُّبُوَّةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا عَاضًا فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ ثُمَّ سَكَتَ»²

(در میان شما نبوت تا زمانی که خدا بخواهد ادامه خواهد یافت، سپس هرگاه خدا بخواهد آن را از میان شما برخواهد داشت، بعد از آن خلافتی که بر اساس روش نبوت است ادامه می یابد تا زمانی که خدا بخواهد؛ دوباره وقت خدا بخواهد آن را برخواهد داشت، سپس پادشاهانی ستمکار بر شما مسلط می گردند و تا زمانی که خدا بخواهد بر شما حکومت خواهند کرد، بعداً هرگاه خدا بخواهد از بین می روند، بعد از آن پادشاهانی دیکتاتور و خود رأی بر شما تسلط می یابند و تا وقتی خدا بخواهد بر شما حکومت می کنند و زمانی که خدا اراده کند از میان برداشته می شوند، سپس

1 - المعجم الكبير؛ للطبرانی. حدیث 16599.

2 - مسند احمد؛ حدیث 17680. آلبانی حدیث مذکور را در سلسله ای احادیث صحیحی مختصره به رقم 5 صحیح گفته است.

خلافتی که بر اساس روش نبوت است روی کار می آید. آنگاه رسول الله ﷺ سکوت نمودند)

نیروهای پیدا و پنهانی که زمام امور کشورهای اسلامی را به دست دارند، نیروهای شروری اند که از جانب دشمنان اسلام جهت بازی کردن این نقش از زمان های طولانی شستشوی مغزی شده اند؛ بنابراین غلبه نمودن بر این نیروها و از پا درآوردن شان بدون جهاد و ایجاد حرکتی جهادی و تربیتی جهادی امکان پذیر نیست، این نیروها تمام اسباب سیطره، شکنجه و از بین بردن را در اختیار دارند؛ دشمنان اسلام - که در مقدمه ی شان نیروهای سه گانه ی بین المللی (صهیونیست ها، صلیبی ها و کمونیست ها) قرار دارند- همیشه برای شان از داخل و خارج چراغ سبز نشان می دهند.

از میان بردن این نیروها و برپایی اسلام به جای آن کاری ساده و آسان نیست؛ چرا که آنان تا آخرین رمق حیات حاضر نیستند از م وقعیت های دست داشته ی خود عقب نشینی کنند؛ بناءً رسیدن به چنین آرزویی نیاز به حرکتی دارد که خود را برای جهادی طویل المدت و تلخ آماده نموده و حاضر باشد با تمام انواع و اقسام سختی ها مقابله کند.

این کار قبل از هر چیز نیاز به (تربیه ی جهادی) دارد؛ تربیه یی که در دامن آن گروه های از مجاهدین پرورش یابند که علاقه و محبت شان به مرگ بیش از علاقه ی انسان های دیگر به زنده گی باشد و شب و روز خود را با اسلام و قضایای اسلامی بسر رسانند.

تربیه ی جهادی فقره ی خاص از روش تربیتی نمی باشد؛ و چنین نیست که در شرایطی ویژه و زمانی خاص به آن پرداخته شود؛ بلکه تربیه ی جهادی روح منهج و روش تربیه ی اسلامی و نشانه ی مشترک تمام بندهای آن است. تبدیل جریان های (فکری و تربیتی) علنی به جریان های جهادی خطرات زیادی را در پی دارد؛ اما اگر ایجاد این جریان ها از روز اول بر اساس جهاد پی ریزی شود تأثیرات بیشتر و خطرات شدیدتری را بر ساختارهای جاهلیت وارد می کند و توانمندی زیادتری بر ریشه کن نمودن کیان جاهلیت و برپایی بدیل اسلامی به جای آن دارد.

منظور ما از تربیه ی جهادی چیست؟

هدف از تربیه ی جهادی به هیچ صورت این نیست که تمام جوانب دیگر تربیه نادیده گرفته شده، تنها به مسایل مربوط به جنگ و قتال توجه گردد. منظور این نیست که از تربیت روحی و فکری اغفال صورت گیرد و یا به تربیت سیاسی و حرکی بی توجهی شود؛ بلکه هدف این است که روحیه ی جهادی در افراد و جماعت نهادینه گردد و همین روحیه نقش رابط را در میان سایر جوانب تربیه ی اسلامی به خود اختصاص دهد و به عنوان حلقه ی پیوند میان ابعاد مختلف تربیه ی اسلامی مطرح باشد؛ منظور این است که در مدرسه ی اسلامی انسانی ساخته شود که فقط به

خاطر اسلام زنده گی کند... انسانی که عظمت، اهمیت و دقت نقش خود را بداند و همیشه به فکر آماده کردن خود جهت ادای این نقش به صورت کامل آن باشد... انسانی که قلبش به خدا و آخرت مرتبط بوده به خاطر دنیا زنده گی نمی کند و چنین نیست که فقط لحظاتی از وقت بیکاری خود را به آخرت و دعوتش اختصاص دهد... انسانی که دوست دارد در راه خدا به شهادت نایل آید... و بالأخره انسانی که حقیقتاً با این شعار زنده گی می کند: (مرگ در راه خدا بلندترین آرمان ماست)

تربیه‌ی جهادی آن است که انسان ها را با وجود تخصص های مختلف شان به گونه‌ی بسازد که به حیث مجاهد فی سبیل الله زنده گی کنند و هر یک تخصص خود را در خدمت جهاد در راه خدا به کار بندند. در میدان تربیه‌ی جهادی انسان عالم مجاهد، داکتر مجاهد، نویسنده ی مجاهد، انجینیر مجاهد و یا معلم مجاهد است و تنها جهاد نشانه‌ی ویژه و وجه مشترک همه بوده، از طریق تخصص های مختلف خود در خدمت دین و دعوت قرار می گیرند.

تربیه‌ی جهادی از ما می خواهد تا به دو مسأله‌ی اساسی عطف توجه نماییم:
اول: توجه به نفس: تا میان او و پروردگارش پیوندی استوار برقرار شده، شوق و علاقه اش به ملاقات خدا و مرگ در راه او زیاد گردد و در نتیجه نفس از تمام چیزهایی که انسان را به زمین و غرایز موجود در آن وابسته می کند - و لو آن چیزها حلال و پاکیزه باشد - آزاد شود؛ در چنین حالتی است که نفس انسانی نفسی مجاهد می گردد.

دوم: توجه به جسم: تا صحتمند و قوی گردیده، همه‌ی امکانات دفاع و مبارزه و مهارت‌های دفاع و مقابله را کسب نماید؛ به خصوص در این عصر که اکثر این مهارت‌ها و علوم تخصصی گردیده است.

رسول الله ﷺ می فرماید:

«من تعلم لسان قوم أمن مکرهم»¹

(کسی که زبان قومی را بداند از مکر و فریب آنان در امان می شود)

اسلام به جهاد تشویق می نماید:

با يك نگاه گذرا به تعدادی از شواهد (قرآنی و نبوی) آشکار می شود که اسلام تا چه حد به جهاد توجه دارد؛ جهاد در واقع راز پیروزی های مانده‌گار نسل قرآنی اول و فتوحاتی را که به دست مبارک آنان تحقق یافته است آشکار می سازد؛ بلی راز آن همه دستاوردهای بزرگ این است که نسل قرآنی نخست بر اساس معانی جهاد و سیراب شدن لحظه به لحظه از سرچشمه‌های زلال جهاد پرورش یافته‌اند.

اکنون به برخی از آیات تشویق کننده به فریضه‌ی جهاد اشاره می کنیم:

□ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ □ (البقرة 216)

1- آلبانی در سلسله‌ی احادیث صحیحہ می گوید: به این لفظ حدیث، اصلی را برای آن پیدا نکردم، و هیچ يك از کسانی که در مورد احادیث مشهور کتاب تألیف نموده‌اند، این حدیث را ذکر نکرده‌اند، گویا این روایت در زمان‌های اخیر اشتهار پیدا کرده است.

(بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید)

□ فليقاتل في سبيل الله الذين يشرّون الحياة الدنيا بالآخرة □ (النساء 74)

(پس باید کسانی که زنده‌گی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند)

□ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ □ (الأنفال 65)

(ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز)

□ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ □ (التوبة 29)

(با کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آن چه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید)

□ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ □ (التوبة 41)

(سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مال و جان‌تان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید

این برای شما بهتر است)

و اینک برخی از احادیث رسول الله ﷺ در مورد تشویق به جهاد:

«مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ أَثَرٍ مِنْ جِهَادٍ لَقِيَ اللَّهَ وَفِيهِ ثَلْمَةٌ» 1

(کسی که با خدا رو به رو شود و در او اثری از جهاد نباشد در حالی ب خدا

مواجه می‌گردد که در شخصیتش عیب و نقصی وجود دارد)

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ» 2

(کسی که بمیرد و جهاد نکرده باشد و فکر جهاد را در سر نپرورانده باشد، بر

یکی از شاخه‌های نفاق مرده است)

«وَقَدْ لَاحَظَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ الْعَازِي وَالْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ» 3

(نمایندگان خدا سه گروه‌اند: مجاهد، حاجی و عمره کننده)

در میان دو جهاد (اکبر و اصغر):

یکی از مسائلی که برای تعداد زیادی از مسلمانان حتا بسیاری از کارکنان میدان

اسلامی پوشیده مانده این است که فکر می‌کنند جهاد قتال، جهاد اصغر است . منشأ

این سوء فهم، روایتی است که به این مضمون از رسول الله ﷺ نقل شده است:

«رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ، قَالُوا : وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ : جِهَادُ

الْقَلْبِ، أَوْ جِهَادِ النَّفْسِ»

1 - سنن ترمذی؛ باب ما جاء في المرابط؛ تحقيق آلبانی ضعيف است . صحيح و ضعيف سنن ترمذی حديث 2473.

2 - صحيح مسلم؛ باب من مات ولم يغز...

3 - سنن نسائي؛ باب فضل الحج؛ تحقيق آلبانی صحيح است؛ صحيح الترغيب والترهيب؛ شماره 1109. حديث

(از جهاد خورد به سوی جهاد بزرگ برگشتیم؛ گفتند : جهاد بزرگ چیست؟
فرمود: جهاد قلب یا جهاد نفس)

امام حسن البنا پیرامون این روایت نوشته است:

«بعضی سعی می‌کنند با استناد به این روایت مردم را از اهتمام به قتال و آماده‌گی برای آن و نیت جهاد و رفتن در راه خدا باز دارند، در حالی که این اثر حدیث پیامبر خدا نیست، ح افظ ابن حجر در (تسدید القوس) می‌گوید: این حدیث بر سر زبان‌ها افتاده و مشهور شده است، در حالی که این روایت سخن ابراهیم بن عبله است . عراقی در تخریج احادیث احواء می‌گوید: این حدیث را بی‌هقی از جابر به سندی ضعیف و خطیب در تاریخ خود آن را از جابر نقل نموده است.

و اگر این روایت صحیح گردد، قطعاً به این معنا نخواهد بود که مسلمانان از جهاد و آماده‌گی برای نجات بخشیدن سرزمین‌های اسلامی و دفع سرکشی‌های اهل کفر سرباز زنند، بلکه معنای حدیث این است که انسان باید با نفس خود به حدی مجاهده کند که در تمام اعمال اخلاص کامل داشته باشد.

موارد دیگری نیز هست که به جهاد ملحق می‌گردد، از جمله: امر به معروف و نهی از منکر. در حدیث آمده است:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةَ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»¹

(از بزرگ‌ترین انواع جهاد، گفتن سخن عادلانه در نزد حاکم ستمکار است)

اما هیچ کار دیگری صاحب خود را به شهادت کبرا و ثواب مجاهدین نمی‌رساند مگر این که در راه خدا بکشد و کشته شود»²

رسول الله ﷺ نخستین مجاهد اسلام:

رسول اکرم ﷺ برترین مثال مجاهد فی سبیل الله و نیکوترین الگو برای همه ی مسلمانان جهان است، مسلمانان می‌توانند در شخصیت پیامبر ﷺ درخشنده‌ترین صورت رهبری را ببینند که عملاً وارد میدان جهاد می‌شود، با مشکلات صحنه ی نبرد دست و پنجه نرم می‌کند و در وجود خود تقاضاها و معانی جهاد را محقق می‌سازد.

شجاعت:

«انس پسر مالک ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ بهترین، سخی‌ترین و شجاع‌ترین مردم بود، شریبی مردم مدینه احساس ترس نمودند، عده یی دنبال صدای که بلند شده بود رفتند، [وقتی به طرفی که صدا از آنجا آمده بود نزدیک شدند] با رسول الله ﷺ روبه‌رو شدند که از آن سو باز می‌گشت، زیرا قبل از آنان به طرف صدا رفته بود . آن حضرت ﷺ در حالی که شمشیرش را به گردن آویخته بود بر اسب برهنه ی ابی طلحه سوار بود و می‌گفت: نترسید نترسید»³

1 - سنن ترمذی؛ باب ما جاء افضل الجهاد كلمة عدل... تحقیق آلبانی صحیح است؛ صحیح و ضعیف جامع الصغیر.

2 - رساله‌ی جهاد امام شهید حسن البنا.

3 - متفق علیه.

نیرومندی:

ابو هریره رضی الله عنه میگوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ اِحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَأَسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ»¹

(مؤمن قوی بهتر و محبوب تر است در نزد الله صلی الله علیه و آله از مؤمن ضعیف و در هر یک از آن دو خیری هست، حریص باش تا آن چه را به تو نفع می رساند به دست آوری، از خدا طلب استعانت کن و ناتوان مشو...)

رسول الله صلی الله علیه و آله در توانایی اش نیز الگو بود، روزی بر (رکان ابن عبد یزید) که قوی ترین جوان قریش بود غلبه کرد و او را به زمین زده برایش فرصت جنبیدن نداد.²

تشویق به ساختن اسلحه:

عقبه رضی الله عنه میگوید از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُدْخِلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ الْجَنَّةَ صَانِعَهُ يَحْتَسِبُ فِي صَنْعَتِهِ الْخَيْرَ وَالرَّامِيَ بِهِ وَمُنْبَلَهُ»³

(الله تعالی به وسیله ی یک تیر سه نفر را داخل بهشت می کند: سازنده ی آن که هدفش از ساختن آن تیر خیر بوده باشد، شخص تیرانداز و منبل آن را)⁴
تشویق به تیراندازی:

رسول الله صلی الله علیه و آله تیراندازی را یکی از بارزترین خصایص جهاد و اسباب قوت می دانستند.

عقبه پسر عامر رضی الله عنه میگوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی که روی منبر سخنرانی

می کرد، شنیدم که می فرمود:

«{وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ {أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ}»⁵

(در مقابله با دشمنان آن چه در توان دارید آماده کنید . بدانید که منظور از قوت، تیراندازی است؛ بدانید که منظور از توانایی، تیراندازی است؛ بدانید که منظور از نیرو، تیراندازی است)

سلمه پسر اکوع رضی الله عنه می گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله بر قومی گذر نمود که پیکان ها را بر

روی تیر نصب می کردند، فرمود:

«ارْمُوا بَنِي إِسْمَاعِيلَ فَإِنَّ أَبَاكُمْ كَانَ رَامِيًا»⁶

(ای اولاد اسماعیل تیراندازی کنید زیرا پدر شما تیرانداز بود)

سعد پسر ابی وقاص رضی الله عنه میگوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

1 - صحیح مسلم؛ باب فی الامر بالقوة و ترک العجز.

2 - سیره ی ابن هشام، مرحله ی مدنی.

3 - سنن ابوداود؛ باب فی الرمی؛ تحقیق آلبانی ضعیف است؛ صحیح و ضعیف سنن ابی داود 2513.

4 - مرهل کسی است که به تیرانداز تیر می دهد تا به هدف بزند. به اصطلاح امروزی کسی که با پُر کردن خشاب های خالی، تیرانداز را کمک می کند.

5 - صحیح مسلم؛ باب فضل الرمی والحث علیه...

6 - صحیح بخاری؛ باب التحریض علی الرمی.

«عَلَيْكُمْ بِالرَّمْيِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ أَوْ مِنْ خَيْرٍ لِهَوْكُمْ»¹

(بر شما لازم است تا تیراندازی بیاموزید، چرا که تیراندازی کار خوبی است و یا از بهترین بازی‌های شما است)

اخطار به کسی که تیراندازی را ترک می‌کند و یا از یاد می‌برد:

پیامبر ﷺ تنها به تشویق مسلمانان بر یادگیری تیراندازی اکتفا نمی‌کردند، بلکه تأکید داشتند که همیشه آن را به یاد داشته باشید و تمرین کنید و به شدت از واگذاشتن و یا فراموش کردن آن مسلمانان را برحذر می‌نمودند.

از عقبه پسر عامر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مَنْ عَلِمَ الرَّمْيَ ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا أَوْ قَدْ عَصَى»²

(کسی که تیراندازی یاد گرفته، سپس آن را وا می‌گذارد از ما نیست؛ یا محققاً نافرمانی کرده است)

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مَنْ تَعَلَّمَ الرَّمْيَ ثُمَّ نَسِيَهُ فَهِيَ نِعْمَةٌ جَدَّهَا»³

(کسی که تیراندازی را آموخته، سپس فراموش می‌کند، این نعمتی است که کفرانش نموده است)

در روایتی دیگر به این صورت آمده است:

«وَمَنْ تَرَكَ الرَّمْيَ بَعْدَمَا عَلِمَهُ رَعْبَةً عَنْهُ، فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ كَفَّرَهَا أَوْ تَرَكَهَا»⁴

(و کسی که تیراندازی را بعد از آن که آموخته است - به علت این که از آن بد می‌برد - ترک کند، نعمتی را کفران نموده یا ترک کرده است)

اهمیت تیراندازی در زمان گذشته و عصر حاضر:

رسول الله ﷺ (تیراندازی) را به صورت ویژه و بیش از هر بُعد دیگر آماده گی جهاد فزیکي مورد توجه قرار می‌دادند، زیرا در گذشته و حال و در تمام ادوار تاریخ از تیراندازی به حیث اساسی‌ترین عنصر جهاد و قتال کار گرفته می‌شد.

تیراندازی در واقع مساحت زیاد و بخش مهمی از احتیاجات جهاد قتالی را پوشش می‌دهد، اما نیازهای دیگر صحنه‌های نبرد نسبت به آن حیثیت ثانوی و تبعی را دارد.

وسایل تیراندازی در زمان‌های گذشته:

در گذشته از وسایل آتی برای تیراندازی استفاده می‌شد:

1 - تیر: که از طریق کمان انداخت می‌شد.

2 - نیزه: با نیروی بازو پرتاب می‌گردید.

1 - مسند بزار؛ مسند سعد بن ابی وقاص؛ شماره ی 1146. تحقیق آلبانی صحیح است؛ صحیح ترغیب و ترهیب؛ حدیث 1281.

2 - صحیح مسلم؛ باب فضل الرمی والحث علیه...

3 - المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ شماره ی 154. تحقیق آلبانی صحیح لغیره می باشد؛ صحیح الترغیب والترهیب؛ حدیث 1294.

4 - المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ شماره ی 14356. تحقیق آلبانی صحیح است؛ حدیث شماره ی 11087. صحیح وضعیف الجامع الصغیر.

3 - فلاخن: پرتاب‌کننده پارچه‌ی سنگ و یا فلزی را در میان آن می‌گذاشت و با چرخاندن و رها کردن یک طرف آن سنگ و یا فلز را به فاصله‌های دور پرتاب می‌کرد.

4 - منجنیق: چرخ‌هایی بود که مخصوص برای انداختن مواد سوزاننده و یا آب چوش یا سنگ به طرف دشمن و یا اماکن تجمع شان به کار گرفته می‌شد. وسایل تیراندازی جدید:

اگر خواسته باشیم نسبت به وسایل تیراندازی مدرن عصر حاضر آشنایی حاصل کنیم، متوجه می‌شویم که میان وسایل جدید و وسایل قدیم تیراندازی وجوه مشترک زیادی به چشم می‌خورد.

ذیلاً به برخی از وسایل تیراندازی عصر حاضر اشاره می‌کنیم:

1 - شش تیر: شباهت به فلاخن دارد؛ زیرا لازم است تا دست انسان از طریق تمرین زیاد به تیراندازی از طریق آن مهارت حاصل کند.

2 - تیرانداز سبک فردی. مانند (کلاشینکوف) 1

3 - تیرانداز اتوماتیک. مانند: (تفنگ إم 16) 2 و (ناتو یا فال) 3

4 - تیراندازی خفیف. مثل (دکتوریوف) 4

5 - تیرانداز متوسط. مانند (گرینوف) 5 یا (500 مرمی)

6 - تیرانداز توپ‌های هاوان.

7 - تیرانداز توپ‌های میدانی.

1- کلاشینکوف سلاحی شرقی و منسوب به مخترع روسی آن می‌باشد. عیار آن 7.62 بوده، پنج نوع مرمی را انداخت می‌کند: عادی، خطدار، گزنده، سوزاننده، سوزاننده - سوراخ‌کننده.

هدفگیری دقیق آن 400 متر و برد نهایی آن 1500 متر می‌باشد.

خشاب آن گنجایش سی فیر مرمی را دارد.

این سلاح به صورت تک‌فیر و رکبار تیراندازی می‌کند.

2- این تفنگ ساخت آمریکا بوده، عیار آن 6.35 است؛ این سلاح به دو نوع می‌باشد: عادی و آتشبارانداز.

این سلاح به صورت تک‌فیر و رکبار تیراندازی می‌کند و خشاب آن گنجایش سی فیر مرمی را دارد.

چند نوع مرمی را انداخت می‌کند؛ هدفگیری دقیق آن 1200 متر و برد مفید آن 2000 متر می‌باشد.

3- ساخت غرب بوده، عیار آن 7.62 است، راکت‌های ضد تانک را به مسافت 150 متر پرتاب می‌کند، خشاب آن گنجایش 20 فیر مرمی را دارد. هدفگیری کشنده‌ی آن 600 متر، برد مفید آن 1500 متر و برد نهایی آن 3600 متر می‌باشد. دشمن اسرائیلی ما از این سلاح به عنوان مهم‌ترین اسلحه استفاده می‌کند.

4- ساخت روسیه و منسوب به اسم سازنده ی روسی آن (دکتوریوف) می‌باشد. بر روی دو پایه

استوار گذاشته می‌شود. عیار آن 7.62 بوده، تنها به صورت رکبار فیر می‌کند، در مخزن آن قطاری با 100 فیر مرمی جا می‌گیرد که به مدت 15 ثانیه همه را رکبار می‌کند. وزن مجموع آن با ذخیره 9 کیلوگرام می‌باشد؛ برد کشنده‌ی آن 600 متر، برد مفید آن 1500 متر و برد نهایی آن 3600 متر است.

5- ساخت روسیه بوده، عیار آن 7.62 است؛ این سلاح آتشباری سنگینی دارد؛ بر ضد افراد و

تجهیزات جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مرمی‌های آن دو نوع است: عادی و سوراخ‌کننده ی تانک؛ هدفگیری دقیق آن 800 متر و برد نهایی آن 2300 متر می‌باشد؛ ذخیره‌ی آن گنجایش 250 مرمی را دارد. از این سلاح برای زدن طیاره و چتربازانی که در فاصله‌ی 500 متری قرار دارند استفاده می‌شود؛ بر روی پایه نصب می‌گردد و وزن آن بدون پایه حدود 15 کیلوگرام است.

- 8 - تیرانداز موشک‌های مختلف.
 - 9 - تیرانداز راکت‌های ضد تانگ (آر- پی- جی) 1
 - 10 - انداخت نارنجک‌های دستی.
 - 11 - تیرانداز بمب‌های هوایی.
- بلی تیراندازی بیشترین ابزار و تجهیزات جنگی را در گذشته و حال به خود اختصاص داده است . از این جا است که حقیقت تأکید و تشو یق رسول الله ﷺ بر آموزش تیراندازی برای ما روشن می‌شود. 2

ضرورت به تربیه‌ی امنیتی در کار اسلامی :

- امنیت چیست؟
- امنیت از دید جریان‌های مخالف.
- امنیت یکی از ضرورت‌های حتمی کار اسلامی.
- ابعاد امنیت.
- اشتباهاتی که تنظیم را به خطر مواجه می‌سازد.
- آسیب‌پذیری کار اسلامی و انواع آن.
- تربیه‌ی امنیتی و مواجه شدن با شرایط دشوار.
- بارزترین عناصر تربیه‌ی امنیتی.

-
- 1 - ساخت روسیه است و به دو نوع : (ب2) و (ب7) می‌باشد؛ این سلاح در ساده گی، سبکی و کارایی خود منحصر به فرد است؛ متشکل از لوله‌ی فیرخیمپاره و دستگاه نگهدارنده است؛ این سلاح از کتف و بر ضد تانگ انداخت می‌کند. (آر- پی- جی7) پیشاپیش آتشبارهای خمپاره‌یی سبک جهان قرار دارد؛ وزن آن بدون مرمی 5 کیلوگرام و وزن مرمی آن 2.25 کیلوگرام می‌باشد.
 - 2 - برای معلومات بیشتر به (الموسوعة العسكرية) چاپ: المؤسسة العربية للدراسات والنشر بیروت، مراجعه شود.

بخش ششم

ضرورت به تربیه‌ی امنیتی در کار اسلامی

امنیت در واقع به معنای سلامت، اطمینان و استقرار می باشد، که ضد آن خطر، ترس و اضطراب است. هدف از تربیه‌ی امنیتی این است که جماعت از يك سو به فراهم‌آوری ابزاری بپردازد که امنیت آن را تأمین می‌کند و از سوی چیزهایی را خود دفع نماید که از ناحیه‌ی آن احساس خطر می‌کند.

در ذیل جهت روشن شدن بیشتر معنای (امن) به برخی از آیات قرآن کریم که متضمن کلمه‌ی امن است اشاره می‌کنیم:

الله تبارک و تعالی می‌فرماید:

□ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لِمَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُ لِمُمْهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت)

□ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ □ (الأنعام 82)

(کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند)

□ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَّا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا □ (النساء 83)

(و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می‌کردید)

□ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ □ (إبراهيم 35)

(و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت پروردگارا! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار)

□ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ □ (آل عمران 97)

(در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارك و برای جهانیان [مایه] هدایت است * در آن نشانه‌های روشن

است [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است)

□ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ □ (النحل: 112)

(و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آن چه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید)

امنیت چیست؟

مقصود ما از امنیت در این جا راه کارهایی است که سلامت کار اسلامی را از خطراتی که ممکن است از ناحیه ی افراد، جریان ها و احزاب رسمی و غیررسمی متوجه آن شود، تضمین نماید.

همچنین به‌کارگیری تمام اجراءات -روانی و فزیکي- شامل بحث امنیت می‌شود که سلامت کار اسلامی، تنظیم، افراد، ممتلكات و تکیه‌گاه‌های آن را ضمانت می‌کند.

علاوه بر آن اقداماتی که جهت شناسایی و کشف اهداف و تصامیم جریان های مخالف و حرکت های رقیب و دشمنان کار اسلامی صورت می گیرد، از فعالیت های کار امنیتی به شمار می‌رود. در نتیجه می‌توان گفته که هر برنامه و طرحی که هدف آن سلامت کار و کارکنان فعالیت های اسلامی باشد جز قضایای امنیتی در دعوت به حساب می‌آید.

امنیت از دید جریان‌های مخالف:

ما در حالی سخن از امنیت و واجب بودن تربیه ی امنیتی در کار اسلامی به میان می‌آوریم که دشمنان ما در این عرصه هم از نظر زمان، سال ها از ما پیشی گرفته‌اند و هم از نظر امکانات، دستاوردهای زیادتری در اختیار دارند؛ حتا آنها برای بازنگری ابزار و وسایل امنیتی که علیه اسلام و جهان اسلام به کار می‌برند، هزینه‌های هنگفتی را اختصاص می‌دهند.

اینک جهت اطلاع بیشتر به معلوماتی در مورد سازمان استخبارات مرکزی آمریکا (C. I. A) اشاره می‌کنیم، تا بدانیم که دشمنان ما تا چه حد به این بُعد اهمیت می‌دهند.

سازمان استخبارات مرکزی آمریکا (C. I. A) بعد از ضربه ی غافل‌گیر کننده ی چپان علیه ناوگان جنگی آمریکا در منطقه ی باسیفیک در دهه ی چهل قرن نوزدهم که ناوگان آمریکا را کاملاً منهدم ساخت، تأسیس شد؛ این حادثه انگیزه ی اساسی تأسیس (C. I. A) گردید و هدف از تأسیس آن حفاظت نیروهای آمریکا از خطرات ناگهانی بود. 1

1- کتاب الجاسوسية الأمريكية؛ تألیف: أندرو تولی؛ ترجمه: ولیم خوری، چاپ: دار دمشق للطباعة.

ساختمان این دستگاه امنیتی در واشنگتن و در زمینی به مساحت سه جریب زمین اعمار شده است که دارای هفت طبقه می باشد و بیشتر از هزار اتاق دارد؛ بعضی از اتاق های آن گنجایش بیش از پنچصد نفر را دارد . در این ساختمان پارکینگ های ساخته شده که سه هزار موتر را در خود جای می دهد؛ در ساخت این تعمیر بیش از چهل و شش ملیون دلار هزینه شده است . تعداد کارمندان امنیت در واشنگتن، ده هزار نفر تخمین زده می شود. 1

کارمندان سازمان استخبارات مرکزی آمریکا اشخاصی با تخصصات مختلف می باشند. از جمله: افراد باریک بین، نظامی، آگاه، کیمیدان، قانوندان، روانشناس، علمای اتم، اهل سیاست، جغرافیهدان و زبان شناس. اکثر کارمندان استخبارات آمریکا به چهار زبان به صورت بسیار ساده و روان صحبت می کنند و برخی از آنان بیست و سه زبان را به خوبی می دانند. دستگاه استخبارات آمریکا مجهز است به کتابخانه، آرشیف، میکرو فیلم، معلومات الکترونی، نقشه ها، ابزار ترجمه ی فوری که کارمندان را در قسمت تنظیم و دسته بندی معلوماتی که از گوشه و کنار جهان توسط جاسوسان شان دریافت می شود کمک نماید. 2

به همین صورت ایالات متحده ی آمریکا و دیگر نیروهای مخالف با اسلام که در نقاط مختلف جهان فعالیت دارند اعم از صلیبی ها، صهیونیست ها و کمونیست ها، همه و همه سرگرم تجسس و جمع آوری معلومات و برنامه ریزی و توطئه علیه اسلام، حرکت اسلامی و ملت های جهان اسلام و قضایای سرنوشت ساز شان می باشند. این قوت ها در پشت انقلاب هایی قرار دارند که در کشورهای اسلامی به وقوع می پیوندد؛ حکومت ها را سرنگون می نمایند، به شستشوی مغزها می پردازند، نظام ها و تنظیم ها را از خود می سازند. آنها با استفاده از چنین روش ه ایی مصالح خود را محقق می سازند و لو این کار شان به قیمت پارچه پارچه شدن ملت ها، ریختن خون و معیوب گردیدن آنان تمام شود.

امنیت یکی از ضرورت های حتمی کار اسلامی است:
وقتی ما بر حتمی بودن تربیت امنیتی در کار اسلامی تأکید می ورزیم و آماده گی امنیتی را یک ضرورت می دانیم، در واقع به جبران کاری می پردازیم که سال ها از آن تغافل ورزیده ایم و وجیبه یی را به یاد می آوریم که مدت زیاد در انجام آن کوتاهی نموده ایم. کار اسلامی در حالی که از نظر اندیشه و تربیت رشد نموده است و از حیث آگاهی سیاسی و حرکی کارکنانش روند رو به رشدی داشته است، متأسفانه در میدان جهاد و امنیت از کوتاهی های فراوان و واپسگرایی هایی زیادی رنج می برد. به همین دلیل است که جریان اسلامی از طرف مخالفان و دشمنان خود به ساده گی مورد تاخت و تاز قرار گرفته، از هم فرو می پاشد و تصفیه می گردد:

(1) همان اثر، ص 24.

(2) همان اثر، ص 36.

الله تبارك و تعالی در مورد می فرماید:

□ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةَ يُرْضُونَكُمْ بِأَقْوَاهِمُ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ * اشْتَرَوْا بآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةَ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ □ (التوبة 8-10)

(چگونه [برای آنان عهدی است] با این که اگر بر شما دست یابند در باره ی شما نه خویشاوندی را مراعات می کنند و نه تعهدی را، شما را با زبان شان راضی می کنند و حال آن که دل هایشان امتناع می ورزد و بیشترشان منحرفند * آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او باز داشتند به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می دادند * در باره هیچ مؤمنی مراعات خویشاوندی و پیمانی را نمی کنند و ایشان همان تجاوزکارانند)

آماده گی امنیتی به دلایل زیادی یکی از ضرورت های مبرم کار اسلامی به شمار می رود از جمله:

1- جریان اسلامی را در روشنی حوادث پیرامون آن قرار می دهد، تا به نحو لازم در مورد آن برنامه ریزی کند و از رویدادهای ماحول خود غافل نماند و یا در حالت خواب عمیق با حادثه های ناگوار مواجه نشود.

2- جریان اسلامی را کمک می کند تا احتیاطات لازم را در برابر امور آبی و پیش آمدهای ناگوار اتخاذ کند و حوادث ناگهانی آن را دچار دستپاچگی و اضمحلال ننماید.

3- صفوف کار اسلامی را از نفوذ افراد مغرض و جاسوسان دشمن حفاظت می کند.

4- از نفوذ (افکار و سیاست های) مخالف جلوگیری می کند و اجازه نمی دهد سیاستی مخالف با سیاست کار اسلامی و برنامه یی غیر از برنامه یی مورد اعتماد آن داخل صفوف حرکت شود، چه آن سیاست و برنامه از جانب دشمنان حرکت به میان آمده باشد، یا در نتیجه ی تراکم قوت در داخل صف و یا از جانب دوستان و طرفداران حرکت.

5- بالاخره تربیت امنیتی، جریان اسلامی را به صورت عموم کمک می کند تا از نظر امنی خود، افراد، اسناد و ممتلكات خود را حفاظت کند.

ابعاد امنیت:

امنیت بر حسب گسترده گی دامنه ی کار و یژه گی های تنظیم، و یا به میزان ابعاد برنامه های آن، می تواند دارای جوانب کم و یا زیاد باشد؛ چیزهایی که يك دولت بزرگ به آن ضرورت دارد، يك دولت كوچك ضرورت ندارد؛ ابزاری را که تنظیم ها به آن نیاز دارند، کمتر از ابزاری است که دولت ها به آن نیاز دارند...

در این جا خوب است به برخی از جوانب امنیتی که هر فعالیت، تنظیم و یا حرکت چه خورد و چه بزرگ- به آن نیاز دارد اشاره کنیم:

1 - امنیت افراد:

مراقبت از سلامت افراد و حفاظت شان از چیزهایی که آنان را تهدید می کند و یا آنان را با امری ناپسند و شکننده روبه رو می نماید. این مطلب را با تفصیل بیشتر ضمن سخن در مورد (تربیت امنیتی) که در آخر همین بخش خواهد آمد پی می گیریم. حرکت در مقابل افراد خود مسؤول است تا در حد توان تمام اسباب قابل دسترسی را که سلامت آنان را تضمین می کند و خون ها و نفس های شان را حفاظت می نماید فراهم آورد و از افتادن شان به هلاکت جلوگیری کند و با گمانه زنی در مورد شان تصمیم نگیرد.

این سخن با (تربیه ی جهادی) که قبلاً در مورد آن صحبت نمودیم منافاتی ندارد، بلکه تربیه ی جهادی و تربیه ی امنیتی لازم و ملزوم یکدیگراند؛ حتا می توان گفت که در نظر داشت امنیت حد فاصل میان دو اصطلاح (خود را به هلاکت انداختن، و جهاد) است.

در روز جنگ بدر سعد بن معاذ رضی الله عنه جهت امنیت (رهبری) پیشنهاد کرد که برای رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله سایبانی درست شود و گفت: «ای رسول خدا! آیا برای سایبانی نسازیم که در آن قرار گیری و نزدت شترانی بگذاریم، سپس با دشمنان خود مقابله کنیم؛ اگر خداوند ما را عزت بخشد و بر دشمنان غالب نمود، چیزی است که آن را دوست داریم و اگر طوری دیگر شد بر شترت می نشینی و به مسلمانانی که در جنگ حضور ندارند می پیوندي...»¹

به خاطر سلامت (افراد) در صحنه ی نبرد اقامه ی نماز به دو جماعت مشروع گردیده است، تا نگهبانان از حراست اماکن قابل نفوذ دشمن غافل نمانند؛ الله تبارک و تعالی در این مورد می فرماید:

□ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الْأَدِينُ كَفَرُوا إِنْ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا * وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً □ (النساء: 102)

(و چون در زمین سفر کردید اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده اند به شما آزار برسانند گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکاراند * و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز بر پا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ افزارهای خود را بگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ افزارهای خود را بگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند)

2 - امنیت اسناد و اسرار:

¹ - سیره ی ابن هشام - غزوه ی بدر کبری.

هر تنظیم و نهاد دارای اسناد، برنامه ریزی ها و اسراری است که نباید دشمنانش از آن آگاه شوند. دولت های بزرگ احياناً ملیون ها دلار را صرف كشف يك نقشه ي نظامي، تصميم عسكري، تركيب شيميايي و يا سري از اسرار انرژي و امثال آن مي کنند تا بتوانند وسيله ي مقابله با آن را بسازند.

همين چيز سبب شده است كه دولت ها، جريان ها و تنظيم هاي سعي مي كنند تمام ابزار بازدارنده و حمايت كننده ي اسرار خود را فراهم آورند.

وقتي رسول الله ﷺ بعد از نقض پيمان صلح از جانب كفار قریش تصميم فتح مکه را اتخاذ نمود، اين تصميم خود را حتا از مسلمانان مخفي داشت و فرمود:

«اللَّهُمَّ خُذْ الْعُيُونَ وَالْأَخْبَارَ عَنْ قُرَيْشٍ حَتَّى نَبْعَثَهَا فِي بِلَادِهَا»¹

(خدایا جاسوسان و اخبار را از قریش باز دار تا به صورت ناگهانی در خانه های خود با لشکر ما روبه رو شوند)

حتا ابوبکر صدیق رضی الله عنه نزد دخترش عایشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، فکر کرد شاید او در مورد چیزی بداند، عایشه رضی الله عنها گفت: «قسم به خدا چیزی نمی دانم»

ابن اسحاق می گوید: «وقتي رسول الله ﷺ قصد حرکت به سوی مکه را نمود،

حاطب بن ابی بلتعہ برای قریش ن امه یی نوشت تا آنان را از اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله با خبر سازد؛ او زنی را اجیر نمود تا نامه اش را به قریش برساند؛ این خبر از آسمان به

رسول خدا رسید، آن حضرت علی بن ابی طالب و زبیر بن عوام را به تعقیب آن زن فرستادند. رسول الله ﷺ توسط خبر آسمانی از این ماجرا با خبر شده حاطب را صدا کرد و برایش گفت: چه چیز تو را به این کار واداشت؟ حاطب گفت: ای رسول خدا

قسم به ذات اقدس الهی که من به خدا و رسول او ایمان دارم و هیچ تغییر و تبدیلی در من ایجاد نشده است؛ ولی من یگانه کسی ام که در میان قریش رگ و ریشه یی

ندارم و زن و فرزندانم در میان ایشان اند؛ این کار را به خاطر آنان انجام داده ام»

حقیقت این است که حاطب با این کارش خود را مستحق مرگ نموده بود و عمر رضی الله عنه تصمیم گرفت تا او را به قتل رساند، او به رسول الله ﷺ گفت: (اجازه دهید گردنش را بزنم، زیرا وی منافق شده است) اما پیامبر صلی الله علیه و آله نظر دیگری داشت، چون

دید که در سوابق این شخص فداکاری های همچون اسلام و جهاد وجود دارد که از این موقفش شفاعت می کند. بنابراین فرمود:

«وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ اطَّلَعَ عَلَى مَنْ شَهِدَ بَدْرًا فَقَالَ اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ

لَكُمْ»²

(چه می دانی [ای عمر] شاید الله تعالی در مورد اصحاب بدر می دانسته که فرموده است: هر چه می خواهید انجام دهید من شما را آمرزیدم)

در مورد حاطب و عملش این فرموده یی الله تبارک و تعالی نازل شد:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلُّ قُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ

كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

1- سیره ی نبوی از ابن کثیر.

2- صحیح البخاری؛ باب غزوة الفتح و ما بعث حاطب بن ابی بلتعہ.

خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ □ (الممتحنة 1)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمیگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آن که قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید. [شما] پنهانی با آنان رابطه‌ی دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آن چه پنهان داشتید و آن چه آشکار نمودید دانانترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است)

3 - امنیت نظامی:

مهم‌ترین بُعد امنیت که باید مورد توجه جدی قرار گیرد امنیت نظامی است، چرا که فقدان امنیت در این بُعد شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های بی‌حد و مرز و خطرناکی را به دنبال دارد.

- در واقعه‌ی (أحد) رسول الله ﷺ پنجاه نفر تیرانداز را موظف ساخت تا از پشت جبهه مجاهدین را حمایت کنند - ولی آنان با وجود اصرار رسول الله ﷺ و این که فرموده بود از جای خود تکان نخورند و لو می بینند پرنده‌گان اجساد مجاهدان را می‌خورند- وقتی آنان مکان خود را ترک کردند و پشت جبهه خالی شد، کفار توانستند خود را به رسول الله ﷺ نزدیک کرده آن حضرت را به شدت زخمی نمایند و دندان مبارکش را بشکنند و تعداد زیادی از صحابه را به شهادت رسانند.

- بعد از غزوه‌ی ذات الرقاع رسول الله ﷺ لشکر اسلامی را در جای فرود آورد تا استراحت کنند، سپس جهت اجراءات امنیتی لازم، یک نفر از مهاجرین (عمار بن یاسر ﷺ) و یک نفر از انصار (عباد بن بشر ﷺ) را جهت حراست مکلف ساختند. وقتی آن دو جهت ادای وظیفه‌ی سپرده شده از جانب رسول الله ﷺ بیرون شدند، فرد انصاری برای برادر مهاجر خود گفت: کدام قسمت شب را دوست داری به جای تو نگهبانی کنم، اول شب یا آخر آن؟ مهاجر گفت اول شب را. مهاجر خوابید، و انصاری به نماز ایستاد؛ مردی از دشمنان آمده، عباد بن بشر را به نماز ایستاده دید؛ تیری به طرف او رها کرد؛ عباد تیر را از بدنش کشیده نماز را ادامه داد؛

جاسوس دشمن تیر دوم را انداخت نمود؛ آن را نیز از بدن خود خارج کرد؛ تیر سوم را پرتاب نمود؛ عباد بن بشر رکوع و سجده نمود. در آن هنگام رفیق مهاجرش بیدار شد وقتی دید از بدن انصاری خون روان است گفت: سبحان الله! چرا در وقت اصابت اولین تیر مرا بیدار نکردی؟! انصاری گفت: سوره‌ی قرآن را می‌خواندم و دوست نداشتم آن را پیش از این که تمام شود قطع نمایم، وقتی دیدم پی در پی تیراندازی می‌کند به رکوع رفته نمازم را تمام نمودم و تو را بیدار کردم؛ قسم به خدا اگر خوف ضایع شدن سنگری نبود که رسول الله ﷺ مرا به حفاظت آن امر نموده بود حاضر بودم جانم برآید اما آن سوره قطع نشود. 1

1- سیره‌ی ابن هشام، (غزوه‌ی ذات الرقاع)

اشتباهاتی که تنظیم را به خطر مواجه می‌سازد:

از خلال جستجو و ارزیابی واقعیت موجود حرکت اسلامی معاصر و تاریخ عمل اسلامی واضح می‌شود که احیاناً يك سلسله اشتباهاتی در مناطق مختلف رخ داده ، حرکت اسلامی را به خطر مواجه نموده است؛ از جمله:

1 - تصرفات فردی بی‌ضابطه:

گاهی تصرف بی‌جای یکی از افراد تنظیم و یا گروه مصیبت‌های بزرگی را متوجه حرکت می‌نماید. واقعیت موجود حرکت اسلامی معاصر ده‌ها مورد از این پدیده را به یاد دارد که در بیشتر موارد مصیبت‌ها دامن کل تنظیم را گرفته، کار اسلامی را ده‌ها سال به عقب رانده، زخم‌های خونینی را در عرصه‌های مختلف بر پیکر فعالیت‌های اسلامی وارد نموده است. تأسف‌بارتر این که تمام مصیبت‌ها و خون‌ها به گونه‌ی هدر رفته است که برای اسلام و حرکت اسلامی کوچک‌ترین مصلحتی را در پی نداشته است.

- احیاناً در داخل تنظیم کسانی پیدا می‌شوند که تصرفات شان بیشتر از عواطف و احساسات شان منشأ می‌گیرد تا از حرکت و منهج آن؛ ایشان انسان‌هایی‌اند که در مقابل هرکاری از تندروی کار می‌گیرند، حکمت و عقل را به بزدلی و ترسویی تفسیر می‌کنند و برنامه‌ریزی و استفاده از اسباب را ضعف ایمان تقلی می‌نمایند؛ چون خطر این افراد در حرکت اسلامی بسیار بزرگ است، باید راه کاری وضع شود تا حرکت از تصرفات بی‌جای آنان حفاظت گردد.

- عده‌ی تصرفات شان بیشتر به مصالح شخصی شان ارتباط می‌گیرد. این افراد تا زمانی که دعوت مصالح شان را تأمین کند با دعوت همراهی می‌کنند و هرگاه مصالح دعوتی با مصالح شخصی شان تصادم نماید با دعوت سر دشمنی گرفته از هیچ توطئه‌ی علیه آن کوتاهی نمی‌کنند؛ در بسیاری از موارد چنین افرادی سعی می‌نمایند حقیقت امر را در زیر چتر بهانه‌های شرعی مخفی نگه‌دارند.

- تعدادی قبل از این که به پختگی لازم برسند و شخصیت‌های شان از جوانب مختلف متکامل گردد و پیش از این که به محک تجربه زده شوند، به مسئولیت گمارده می‌شوند. رشد چنین افرادی غیرطبیعی بوده، قبل از این که دعوت در نظرشان بزرگ شده باشد، آنها در داخل صفوف دعوت بزرگ گردانیده می‌شوند. سرنوشت چنین افرادی به یکی از دو مآل آتی منتهی می‌گردد:

1 - یا سعی می‌کنند دعوت را مطابق خواهشات و مصالح خود تسخیر کنند.

2 - یا دعوت را کنار گذاشته، آن را به سرمایه‌ی بی‌اندک می‌فروشند و در بدل آن

مطاعی ناچیز و بی‌ارزش از دنیا را به دست می‌آورند.

- عده‌ی نیز همیشه افکار شان را با آواز بلند مطرح می‌کنند و هیچ سِرِّی را به رسمیت نمی‌شناسند و هیچ کاری را از هیچ کس مخفی نمی‌دارند و بین آن چه مطرح نمودنش جواز دارد و آن چه طرحش مجاز نیست و آن چه گفتنش در يك جا ممکن است و در جای دیگر ممکن نیست، فرقی نمی‌گذارند.

آثار خطرناك و مصيبت آفرين افراڊي با اين خصوصيات در دعوت اسلامي از وصف بيرون است. زيرا خطري كه از ناحيه ي اين اشخاص متوجه دعوت اسلامي مي‌شود مرتبط به (زبان) است و رسول الله ﷺ در مورد آنان فرموده اند كه در روز قيامت سرنگون به دوزخ انداخته مي‌شوند.

رسول الله ﷺ ما را امر نموده‌اند تا زبان هاي خود را كنترول كنيم، زيرا عدم حفاظت زبان سبب هلاكت ما در دنيا و آخرت مي‌شود.

2 - انشقاق داخلي:

انشقاق هاي داخلي اگر به موقع مهار نگردد و از آن به نحو احسن بهره برداري نشود، مي‌تواند به يكي از اسباب نابودكننده ي جريان‌ها تبديل شود.

انشقاق باعث پراكنده شدن صف و پارچه پارچه شدن تصور مي‌گردد.

انشقاق باعث ضعيف شدن و اضمحلال حركت مي‌شود.

انشقاق بر غرور دشمنان افزوده آنان را به فكر از هم دريدن حركت و كويدن و

تصفيه آن مي‌نمايد.

از همه خطرناك تر اين كه انشقاق يكي از دروازه هاي نفوذ شيطان بر نف س

انسان‌ها است، تا از طريق آن ايمان انسان را تباه کرده، اخلاقش را فاسد کند و

تمامي ارزش‌هاي آن را از بين ببرد.

در زمان رسول الله ﷺ رويداد بسيطي واقع شد و مسلمانان مأمور گرديدند تا با

سه تن از كساني كه از هم ركابي پيامبر اكرم ﷺ در غزوه ي تبوك امتناع ورزيده

بودند، مقاطعه نمايند ... اين حادثه (پادشاه غسان) را تحريك نمود تا به فكر پارچه

نمودن صف مسلمانان گردد، زيرا او مي خواست از فرصت به دست آمده بيشتري

استفاده را ببرد... بنا بر اين كسي را با يك نامه به سوي كعب بن مالك (يكي از سه نفر

تخلف كننده از فرمان رسول الله ﷺ) فرستاد. نتيجه چه شد؟

كعب ﷺ مي‌گويد: «وقتي در بازار روان بودم ناگهان متوجه شدم يكي از نبطي‌هاي

شام از نام و جاي من مي پرسد و مي‌گويد چه كسي مرا به پيدا كردن كعب بن مالك

رهنمايي مي‌كند؟ مردم به طرف من اشاره كردند؛ آن شخص به سوي من آمده

نامه ي پادشاه غسان را به من تسليم كرد، او نامه‌اش را بر پارچه ي ابريشمي به اين

مضمون نوشته بود: اما بعد، براي ما خبر رسيده است كه رفيقت با تو جفا نموده،

تو كسي نيستي كه نسبت به تو اهانتي صورت گيرد و يا به هلاكت رسي، به ما

بپيوند تا با تو همدردي نشان دهيم ... كعب مي‌گويد: وقتي نامه را خواندم با خود

گفتم: اين نيز يكي از امتحان‌هاي است كه سر راه من قرار گرفته است، كارم به جاي

رسيده كه شخصي كافر به من طمع کرده است . بناءً نامه را داخل تنور انداخته

سوختاندم. 1.

چون پيدا شدن انشقاق مشكلات و خطرات زيادي را متوجه دعوت مي‌گرداند و از

همه خطرناك‌تر اين كه باعث خشم و غضب الله ﷻ مي‌گردد. در قرآن كريم و سنت

مطهر پیامبر اکرم ﷺ و عیدها و تهدیدهای شدیدی متوجه تفرقه اندازان شده است؛ تا جایی که رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّمَا مِنْ كَانٍ» 1.

(به زودی شاهد بلاها و سختی ها خواهید بود، کسی که بخواهد امت اسلامی را بعد از این که یکجا و یکپارچه اند متفرق سازد - هر کس که باشد- او را با شمشیر بزنید)

باید بدانیم که دشمنان اسلام و دستگاه های امنیتی ایشان همیشه در کمین جریان های اسلامی و حوادثی که در آن رخ می دهد نشسته اند و هر فرصتی را برای از هم پاشیدن و تخریب غنیمت می شمارند.

بی مناسبت نیست تا در این جا به مثالی که از کتاب (جاسوسی آمریکا) اقتباس شده است اشاره نماییم و ببینیم که چگونه این کشور در صدد استفاده از شرایط و رویدادهای به دست آمده میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بوده است.

خلاصه ی رویداد به این صورت است که (سازمان استخبارات آمریکا) در واشنگتن از طریق جاسوسان خود در مسکو گزارشی دریافت می کند که یکی از کارمندان (کریملین) به نام (اندریه) به سبب دو بار تأخیر در ترفیع اش از حکومت و رهبران کمونیست آن آزرده شده است. استخبارات آمریکا لازم می بیند تا از فرصت به دست آمده به صورت درست بهره برداری نموده با (اندریه) ارتباط برقرار کند تا از او به عنوان جاسوس آمریکا در قلب کریملین استفاده نماید... سازمان استخبارات آمریکا نقشه ی دقیقی را طرح می کند که در نتیجه ی آن (اندریه) به حیث جاسوس آمریکا در قلب دستگاه رهبری مرکزی حزب کمونیست انجام وظیفه می نماید. 2.

3 - آشکار گردیدن اسرار تنظیم و یا افتادن آن به دست دشمن:

برخی از افراد با طبایع خاصی که دارند به اجراءات امنیتی اهمیتی قایل نیستند و خود را مکلف به استفاده از اسباب احتیاط و حذر نمی دانند؛ احياناً اراده ی الله ﷻ بر این قرار می گیرد که چنین افرادی به دست دشمن گرفتار شوند؛ این افراد خیلی زود خود را می بازند و به هم می ریزند، گویا در محاسبات ایشان پیش بینی هیچ نوع ابتلا و آزمایشی جای ندارد؛ این اشخاص به زودی همه چیز را افشا می کنند.

از الله متعالی مسألت می نماییم تا به ما پایداری و استقامت عطا کند.

بناءً کارکنان میدان اسلامی باید به این باور برسند که امتحان و آزمایش در راه دعوت پدیده ی حتمی و اجتناب ناپذیر است:

□ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ □ (العنكبوت 3)

2- صحیح مسلم؛ بَابُ حُكْمِ مَنْ فَرَّقَ أَمْرَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ مُجْتَمِعٌ.

3- کتاب «الجاسوسية الأمريكية»، تألیف أندرو تولی، فصل دهم، ص 190.

(آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند * و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد)

همچنان بر دعوتگران لازم است تا تمام اسباب و ابزار احتیاط و محافظت را به اندازه‌ی وسع و توان خود فراهم آورند و بعد از آن به خداوند متعال توکل کنند. هرگاه الله ﷻ اراده نمود تا مورد امتحان و آزمایش قرار گیرند، همانند مؤمنان پیشین، از خود پایداری و ثبات نشان دهند و آیات خدا را که در مورد شرایط سخت آمده است مدّ نظر داشته باشند؛ چرا که آیات کتاب الله برای ما داستان مؤمنان ثابت قدمی را بیان می دارد که در برابر باطل با پیمردی ایستادند و آزار و اذیت مخالفان هیچ ضرری به آنان نرسانید تا آن که فرمان الله ﷻ در رسید.

باید دعوتگران به یاد داشته باشند که راه اسلام راه جهاد و مقاومت و پر از خار مغیلان است؛ این را نیز بدانند که ایشان اولین کسانی نیستند که مورد امتحان قرار می گیرند و آخرین کسان نیز نخواهند بود؛ بلکه این کاروانی است که حرکت خود را با پیدا شدن آدم عليه السلام در روی زمین آغاز نموده و تا پایان زنده گی انسان در روی زمین ادامه خواهد یافت. الله تعالی می فرماید:

□ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا □ (الأحزاب 23)

(از میان مؤمنان مردانی اند که به آن چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده‌ی خود را [تبدیل نکردند])

دعوتگران به یاد داشته باشند که نعمت واقعی و حقیقی نعمت های است که الله ﷻ در آخرت به بنده گان مؤمن خود وعده داده است. و بدانند که دنیا زندان اهل ایمان و بهشت کافران است. این را نیز به خاطر داشته باشند که مؤمن در هنگام روبه رو شدن با پروردگار خود به اندازه یی خوشحال می شود که در هیچ حالت دیگر به آن اندازه شادمان نمی گردد.

الله تعالی در حدیثی قدسی می فرماید:

«وَعِزَّتِي لَأَجْمَعُ عَلَىٰ عَبْدِي خَوْفِينَ وَأَمْنِينَ إِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمَّنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَإِذَا أَمَّنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»¹

(به عزتم قسم است که دو خوف و دو امن را در وجود بنده ام جمع نمی کنم؛ اگر در دنیا از من خوف داشته باشد در روز قیامت او را در ام ن قرار خواهم داد و اگر در دنیا احساس امنیت کند در روز قیامت او را در حالتی از خوف و ترس قرار خواهم داد)

1- صحیح ابن حبان؛ باب حسن الظن بالله تعالی. شیخ آلبانی حدیث مذکور را در سلسله ی احادیث صحیحه ی مختصره، صحیح گفته است.

یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که متوجه دعوت اسلامی می‌گردد، در حالتی است که افراد آن به دست دشمنان اسلام اسیر می‌شوند؛ خطر در این حالت به میزان معلومات افراد است؛ هر چه معلومات زیادتر باشد، خطر هم بزرگ‌تر و شدیدتر است؛ به همین دلیل مصلحت تقاضای کند که به هر فرد به اندازه‌ی ضرورتش معلومات داده شود؛ زیرا معلومات اضافه بر ضرورت ثمری جز بلا و مصیبت برای فرد و دعوتش در پی ندارد.

آسیب‌پذیری کار اسلامی و انواع آن:

کار اسلامی به حیث یک تنظیم و حرکت همیشه در معرض پارچه‌پارچه شدن قرار دارد؛ زیرا این کار از طرف دشمنان زیادی که دارد و همیشه در کمین آن نشسته اند هدف سنگ‌اندازی و توطئه قرار می‌گیرد؛ بنابراین تلاش‌گران میدان دعوت باید پیش از پیش بیدار بوده، در عرصه‌های مختلف احتیاطات لازم را در نظر داشته باشند. پارچه‌پارچه کردن کار اسلامی از طرف دشمنان اسلام از راه‌های مختلف و به روش‌های گونه‌گون صورت می‌گیرد؛ از جمله:

1- نفوذ اشخاص نامطلوب در داخل صفوف دعوت:

به این صورت که یک یا چند شخص مکلف شوند تا در داخل صفوف دعوت نفوذ کرده، آهسته آهسته به صفوف مقدم تصمیم‌گیری راه پیدا کنند. این پدیده واجب می‌گرداند تا تنظیم - به خصوص در شرایط سخت و دشوار - به شدت قاعده‌ی (تضعیف و توثیق = ارزیابی دقیق افراد) را در نظر داشته باشد؛ چنین نباشد که دروازه‌ی دعوت بر روی هر کس و ناکس باز گذاشته شود؛ باید همه‌ی افراد قبل از پذیرفته شدن عضویت شان مدت زیادی آزموده شوند و قبل از این که به آنان اعتماد شود و از آنان همکاری خواسته شود و به کاری مکلف گردند، حالات مختلف شان به وضاحت مورد بررسی قرار گیرد.

2- نفوذ اندیشه‌های منحرف در داخل تنظیم اسلامی:

به این صورت که فرد و یا مجموعه‌ی بی‌افراد، مکلف شوند تا افکار و اندیشه‌های مشخص و ناآشنا را با افراد تنظیم مطرح کنند و تنظیم به مرور زمان زیر فشار کسانی قرار گیرد که به افکار جدید و ناشناخته تمایل پیدا کرده‌اند و از این طریق پراکنده‌گی و سردرگمی در صفوف دعوت و افراد تنظیم پیدا شود. سرایت افکار منحرف در میان دعوت‌گران از بدترین انواع نفوذ به حساب می‌آید؛ زیرا ممکن است جریان را به کلی از مسیر اصلی آن دور کند. در لبنان تنظیم اسلامی معروفی را به یاد دارم که اندیشه‌ی منحرف ناصری در آن راه پیدا کرده، با گذشت زمان آن را پارچه‌پارچه نموده به جریانی (ناصری) تبدیل نمود.

به همین خاطر باید مسأله‌ی مصونیت در تربیه‌ی فکری و حرکی مراعات شده فکر، اهداف و خصوصیات دعوت واضح و روشن گردد تا افراد تنظیم به توانند به

سهولت و ساده‌گی خوب و بد، صحیح و غلط و حق و باطل را از هم تفکیک نمایند و بتوانند میان آن چه از اسلام است و آن چه به اسلام ربطی ندارد فرق بگذارند.

3 - نفوذ و تسلط از طریق همکاری مالی:

احیاناً نفوذ به گونه‌ی پوشیده صورت گرفته، به ساده‌گی ظاهر نمی‌شود؛ این نوع نفوذ که در بسیاری از موارد تنظیم را زیر سیطره‌ی خود می‌آورد، از طریق آن عده از اعضا و یا دوستان دعوت پیدا می‌شود که تنظیم را کمک مالی می‌کنند. این پدیده لازم می‌گرداند که دعوت همیشه روند کار خود را مورد ارزیابی قرار داده، برنامه‌ها، تصرفات و رفتار خود را مراقبت نماید؛ تا مطمئن شود که کارها بر اساس شریعت الله و مصلحت اسلام به پیش می‌رود نه بر اساس تمایل به دنیا و غیره و لو بسیار اندک هم باشد.

تربیت امنی و مقابله با شرایط دشوار:

در مورد مقابله‌ی دعوتگران اسلام با شرایط سخت و دشوار، قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر اکرم ﷺ ما را در روشنایی کامل قرار داده است.

اینک به صورت خلاصه برخی از رهنمایی‌های قرآن و سنت را در مورد نقل می‌کنیم:

اول: ثبات و پایداری:

اولین صفتی که باید در وجود دعوتگر مسلمان — به خصوص در شرایط سخت و دشوار — نهادینه گردد استقامت و پایداری است و لو هزینه‌ی بسیار سنگینی را بر وی تحمیل کند؛ چرا که مجرد تفکر در مورد عقب‌نشینی، خیانت به خدا، پیامبر و مسلمانان و کوتاهی در حق خدا به شمار می‌رود؛ چه رسد به این که انسان عملاً از کار دین عقب‌نشینی نماید. شیطان می‌تواند از طریق وادار نمودن انسان به عقب‌نشینی روزنه‌های فراوانی را بر روی نفس وی باز کند؛ شیطان همیشه در کمین انسان نشسته است تا از طریق یادآوری همسر، فرزندان و دنیا او را از ادامه‌ی راه حق باز دارد:

□ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِي إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ □ (آل

عمران 175)

(در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌توساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید)

دعوتگران باید بدانند که نعمت واقعی نعمت‌های آخرت است و این دنیا با تمام چیزهای خوب و زیبایی که دارد در نزد الله ﷻ به اندازه‌ی یک بال پشه ارزش ندارد؛ و باید خوب بفهمند که — بخواهند یا نخواهند — بالآخره روزی مرگ به سراغشان خواهد آمد؛ بناءً باید حریص باشند که مرگ‌شان شهادت باشد؛ زیرا شهادت راه ورد به جنت است و جنت مقام بلندی است که خداوند متعال برای شهدا وعده داده است.

برای اهل ایمان همین عزت و افتخار کافی است که در مسیر شهادت قرار گرفته، خود را بخشی از قافله ی می‌دانند که ریشه های آن تا اعماق تاریخ بشریت امتداد دارد؛ و هم ایشان در واقع مصداق این فرموده ی الله متعال اند:

□ **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا بَدِيلًا** □ (الأحزاب 23)

(از میان مؤمنان مردانی اند که به آن چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده ی خود را [تبدیل نکردند])

شایسته نیست که اهل این قافله از چیزی بترسند و یا از مقابله با نیروی فرار کنند؛ چرا که آنان به خاطر ایمانی که در قلوب شان قرار دارد از تمام چیزها بالاتر و بلندتر اند. و هم ایشان اند که به این دعوت پروردگارشان لبیک گفته اند:

□ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُلُوهُمُ الْأُدْبَارَ** □ (الأنفال 15)

(ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‌آورند به آنان پشت مکنید)

□ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** □ (الأنفال 45)

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید)

برای این که مجاهدان راه خدا بتوانند در راه دعوت ثبات و پایداری نمایند، باید به وسیله ی عبادت خالصانه، ذکر الله ﷻ در خلوت و تنهایی و دعاهاي عاجزانه به سوی خدا بازگردند و از طریق مجاهده با نفس و مراقبت و اخلاص به او تقرب جویند: «زیرا تقوا بهترین وسیله بر علیه دشمنان و قوی ترین تدبیر در میدان جنگ است»¹ همان گونه که لازم است مسلمانان بیش از حفاظت و حراست خود از شر دشمنان، سعی کنند خود را از معاصی و گناهان حفاظت نمایند. در وصیت عمر بن خطاب رضی الله عنه به سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه آمده است: «گناه دعوتگران برای شان وحشتناک تر از دشمنان شان است...»

انسان های مرتبط با ملاً اعلی، کسانی اند که همیشه با خدا زنده گی کرده از او کمک می‌خواهند و توانمندی، عزیمت، شوکت، عزت و تنفر شان تابع فرمان خدا است. نفس هایی با این استواری مرگ در راه خدا را با سینه ی باز استقبال می‌کنند و الله تعالی در مورد ایشان در آیات زیادی از قرآن کریم اشاره نموده است. از جمله:

□ **نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَكُمُ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَكُمُ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ** □ (فصلت 31)

(در زنده گی دنیا و در آخرت دوستان تان ماییم و هر چه دل های تان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هر چه خواستار باشید در آن جا خواهید داشت)

1- الغارة علي العالم الاسلامي. مكتبة الشاملة؛ اصدار الثالث.

قرآن کریم در معرض توجیه و رهن مایی مجاهدان و اسباب و خصوصیت های که باید در شخصیت ها و جماعت خود تکمیل کنند تا برای شان توان استقامت و پایداری در سنگر پیدا شود و بر دشمنان غلبه حاصل نمایند، بعد از این که فرموده است:

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ □
(الأنفال 45)

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید)

رهنمایی هایش به این صورت ادامه داده است:

□ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ □ (الأنفال 46-47)

(و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است * و مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می داشتند و خدا به آن چه می کنند احاطه دارد)

آیات فوق اسباب حقیقی را مطرح می سازد که بدون آن ممکن نیست جماعت مؤمن پیروزی و موفقیت را به دست آورند.

اسباب مطرح شده در آیات فوق عبارت است از:

1 - فرمانبرداری از الله و پیامبر:

جماعت مؤمن باید طاعت و عبادت خدا را نصب العین همیشگی خود قرار داده، در هر امری سعی کند به آن چه حلال و پاکیزه است دست یابد و از آن چه حرام و خبیث است اجتناب کند و در تمام کارها و همه ی احوال به قانون الله عز و جل پایبند بوده، در هیچ کاری خواهشات نفسانی و قوانین معبودان باطل را ترجیح ندهد. منظور از این فرموده ی خداوند متعال جماعتی است که دارای اوصاف پیش گفته باشد:

□ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا □ (الأحزاب 36)

(و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است)

2 - وحدت صف:

جماعت مؤمن به میزانی که به طاعت خدا و پیامبر می انبند، به همان اندازه باید به وحدت صف و تماسک کیان جماعت و رشد افراد آن نیز فکر کند؛ چرا که سستی و انحراف افراد سبب مستقیم سست شدن صف و متلاشی شدن بنیان آن می شود.

جماعت مؤمن تا زمانی که صفوف آن از هم متلاشی نشده و آرمانش متفرق نگردیده است، در مقابل توطئه های دشمنان پایدار می ماند و در مقابل تواناترین سرسخت ترین دشمنان خود ایستاده گی می کند؛ ولی هرگاه درگیری میان افراد جماعت آغاز شد قیامت بزرگی برپا می گردد که پروردگار متعال از آن برحذر داشته، فرموده است:

□ وَكَأَنَّ تَنَازُعًا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ □ (الأنفال 46)

(و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود)

3 - صبر:

وقتی شرط اول در ثبات و پایداری جماعت مجاهد ایمان به خدا است، صبر نصف ایمان به شمار می رود؛ صبر در شخصیت مجاهد معراج وی به حساب آمده، حیثیت مقدمه ی نصرت و کامیابی او بر دشمنانش را دارد.

راهی که مؤمنان در این دنیا پیش رو دارند، راهی است وحشتناک، خطرناک و پر از مشقت های طاقت فرسا؛ بناءً پیمودن چنین راهی بدون صبر امکان پذیر نیست. بلاهای فزیکه که مؤمن در مسیر دعوت خود به آن روبه رو می شود بدون صبر تخفیف نمی یابد.

نقصان مال و جان که دعوتگر مؤمن در راه دعوتش تحمل می کند، به وسیله یی جز صبر و پایداری جبران نمی شود.

فشارهای روحی، خانواده گی و اجتماعی که بر بنده ی مؤمن در این راه وارد می شود بدون صبر و امید پاداش اخروی به چیزی دیگر تخفیف نمی یابد؛ چه زیبا است این فرموده رسول اکرم ﷺ:

«عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ دَاكٍ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»¹

(کار مؤمن انسان را به شکفت می اندازد، زیرا تمام آن چه به وی ارتباط می گیرد به خیرش می باشد؛ این ویژه گی برای بنده ی غیرمؤمن حاصل نمی شود؛ اگر به وی [شخص با ایمان] خوشی برسد شکر الله را به جا می آورد و این کار به خیر او است و اگر به او سختی و مشقتی برسد صبر می کند باز هم به خیر او است) دوم: آماده گی:

قرآن کریم همان گونه که در آیات زیادی مؤمنان مجاهد را به پایداری، ایستاده گی، صبر، توکل و وحدت صف تشویق می نماید، در سه آیه ی جامع، صریح و واضح آنان را تشویق به اخذ آماده گی کامل و فراهم آوری ابزار و وسایل مورد نیاز می نماید: خداوند متعال می فرماید:

□ وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنْ اللَّهُ لَأُحِبُّ الْخَائِنِينَ * وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْزِزُونَ * وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ □ (الأنفال 58-60)

1- صحیح مسلم؛ باب المؤمن امره كله خير.

و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمان‌شان را] به سوی‌شان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند] پیمان گسسته است] زیرا خدا خائن را دوست نمی‌دارد * و زنه‌ار کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیشی جسته‌اند زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] در مانده کنند * و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت)

کسانی که به آماده‌گی فزیکي اهميتي نمي دهند و گمان مي کنند نصرت از آسمان فرود مي آيد و نيازي به در نظر گرفتن قانون اسباب و مسببات نيست، يکي از دو گروه ذيل مي‌باشند: يا انسان‌هاي ناداني‌اند که در انجام کارها عجله مي‌کنند بدون اين که حدود و ثغور آن را دانسته باشند؛ يا منافقاني گمراه‌اند که عليه اسلام و مسلمانان به توطئه مي‌پردازند؛ به خصوص در اين عصر که چالش‌هاي مقابل با اسلام منطقي جز زور و قدرت را به رسميت نمي‌شناسند.

سوم: تربيه ي امنيتي:

بسياري از اسلامگرايان اشتباهاً فکر مي کنند که اسلام در منهج تربيتي و قوانين تنظيمي خود به (بعد امنيتي) توجهي نکرده است. ايشان (توکل و رباني بودن) را تفسيرهاي عجيب و غريب مي کنند؛ به اين صورت که احتمالات را در نظر نگرفته به نتايج کارها توجه نمي‌کنند و توکل و اتکا به خدا را به مفهوم بي‌توجهي به اسباب و ابزار مي‌گیرند؛ گویا رباني بودن و توکل در نزد ايشان به معنای (بي‌برنامگی و توکل) است؛ حقيقت امر اين است که اين افراد از تجارب توطئه هاي که در امتداد تاريخ قديم و جديد عليه اسلام صورت گرفته است غافل مانده‌اند.

کسي که قوانين و رهنمايي‌هاي اسلام را از خلال کتاب و سنت و رفتار اسلامي را از خلال سيرت نبوي بررسی نمايد تصويري واضح و روشن از بعد امنيتي اسلام در مقابلش ترسيم خواهد شد.

مقصود از امنيت در اينجا چيست؟

منظور ما از امنيت در اين جا سياسي است که يك جريان و يا يك حرکت آن را به خاطر محافظت از امنيت مؤسسات، افراد و امکانات خود اتخاذ مي نمايد؛ زير نظر گرفتن حرکت‌ها و جريان‌هاي مخالف و رقيب، پي‌گيري تحركات و کشف تصاميم شان نيز شامل بحث امنيت مي گردد، چون در نتيجه ي همين تدارکات است که حرکت مي‌تواند نقشه‌ها و توطئه‌هاي مخالفانش را کشف و خنثا کند.

موقف مستقل اسلام در اين رابطه:

اسلام نخست پيروان خود را تشويق مي کند تا از اسباب حفاظت و امنيت استفاده نموده، بي‌جهت خود را به هلاکت نيندازند.

- الله تعالي در مورد تربيه ي مؤمنان به احتياط مي‌فرمايد:

□ هُمْ الْعَدُوُّ فَأَحْذَرُهُمْ □ (المنافقون 4)

(خودشان دشمنند از آنان بپرهيز)

□ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ □ (المائدة 49)

(و از آنان بر حذر باش مبادا تو را در بخشی از آن چه خدا بر تو نازل کرده به فتنه در اندازند)

□ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا □ (النساء 71)

(ای کسانی که ایمان آورده اید [در برابر دشمن] آماده باشید [=اسلحه خود را بگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید)
- رسول الله ﷺ در مورد متوجه ساختن مؤمنان به کشف مکر و فریب دشمنان اسلام می فرماید:

«من تعلم لسان قوم أمن مكرهم» 1

(کسی که زبان قومی را بداند از مکر و فریب آنان در امان می شود)

- قرآن کریم در مورد بیم دادن مؤمنان از این که آهسته آهسته به دام دشمن واقع نشوند و قلب های شان در این زمینه سالم بماند، از روش دشمنان اسلام پرده برداشته می فرماید:

□ وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمِنَكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ □ (التوبة 56)

(و به خدا سوگند یاد می کنند که آنان قطعاً از شما نیستند)
لیکن آنان گروهی هستند که می ترسند)

- رسول الله ﷺ در رابطه با تربیه ی مؤمنان به این که اسرار خود را حفظ نموده، اجازه ندهند اسناد شان به دست دشمنان قرار گیرد می فرماید:

«اسْتَعِينُوا عَلَىٰ إِنْجَاحِ الْحَوَاجِ بِالْكَثْمَانِ» 2

(جهت برآورده شدن نیازهای خود از پوشیدن اسرار استفاده کنید)

پیامبر ﷺ در روش عملی خود در مورد اعمال بزرگ و سرنوشت ساز جانب احتیاط و حذر را از دست نمی دادند. وقتی آن حضرت ﷺ تصمیم گرفتند مکه را فتح کنند، صحابه را امر نمودند تا برای جهادی بزرگ آماده شوند و به صورت مطلق کسی را از مقصد جهاد مطلع نساختند و دعا کردند که:

«اللَّهُمَّ خُذْ الْعُيُونَ وَالْأَخْبَارَ عَنْ قَرِيْشٍ حَتَّىٰ تُبْعَثَهَا فِي بِلَادِهَا» 3

(خدایا جاسوسان و اخبار را از قریش باز دارد تا به صورت ناگهانی در خانه های خود با لشکر ما روبه رو شوند)

بارزترین عناصر تبیه ی امنیتی:

از خلال جستجوی سریع در مفاهیم اسلامی و تمرینات عملی دین اسلام،

بارزترین علایم امنیتی که اسلام آن را در ایجا د شخصیت مسلمان ثابت نموده است به دست می آید. از جمله:

1- آلبانی در سلسله ی احادیث صحیحہ می گوید: به این لفظ حدیث، اصلی را برای آن پیدا نکردم و هیچ يك از کسانی که در مورد احادیث مشهور کتاب تألیف نموده اند، این حدیث را ذکر نکرده اند؛ گویا این روایت در زمان های اخیر اشتهار پیدا کرده است.

1- المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ آلبانی در سلسله ی احادیث صحیحہ آن را صحیح گفته است.

3- سیره ی نبوی از ابن کثیر.

1- سریت و پنهانکاری:

اسلام می‌داند که مکر دشمنان آن ساده و بسیط نیست:

□ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ □ (ابراهیم 46)

(هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد)

بنابراین اسلام به خاطر حفظ سلامت مؤمنان و ضمانت استمرار رسالتش، پیروان خود را بر اساس حفظ اسرار تربیت می‌کند تا به ساده‌گی و سهولت در دام دشمنان قرار نگیرند.

- مسلمانان در آغاز دعوت پیامبر ﷺ در خانه‌ی (ارقم) اجتماع می‌کردند بدون این که مشرکان مکه از جمع شدن شان واقف شوند. این سیاستی بود که رسول الله ﷺ در آن مرحله آن را به معرض اجرا می‌گذاشتند.

- وقتی رسول الله ﷺ خواستند همراه ابوبکر صدیق ﷺ به مدینه هجرت کنند، جریان سفر خود را از همه، جز آنان که عهده دار وظیفه و مسؤلیتی مشخص بودند، پوشیدند.

2- پوشیدن و وارونه جلوه‌دادن:

در مورد مشروعیت پوشیدن حقایق در اسلام دلیلی روشن تر از روش پیامبر ﷺ در جریان هجرت شان به مدینه نمی‌توان به دست آورد؛ هجرت رسول الله ﷺ به حدی در این مورد وضاحت دارد که انسان را از جستجوی دلایل دیگر بی‌نیاز می‌کند. 1. طوری که در کتب سیرت وارد شده است از سفر کوتاه پیامبر ﷺ میان مکه و مدینه، درس‌های متعدد امنیتی به دست می‌آید؛ از جمله:

اول: در حالات استثنایی و شرایط خاصی که ضرورت ایجاب می‌نماید باید رهبری از دیدها پنهان گردد.

دوم: انتخاب (غار ثور) خود نوعی وارونه جلوه‌دادن بر قریش بود؛ چرا که غار مذکور در مسیر مدینه که احتمال زیاد می‌رفت رسول الله ﷺ و همسفرش به آن جا سفر کنند، قرار نداشت.

سوم: ترتیبات امنیتی را که رسول الله ﷺ در هنگام اقامت شان در غار ثور اتخاذ نموده بودند کاملاً دقیق و متکامل بود:

الف: عبدالله پسر ابوبکر صدیق ﷺ مکلف شده بود تا اخبار مکه را روزانه به غار ثور برساند.

ب: اسماء دختر ابوبکر صدیق ﷺ مأمور بود تا خوردنی و نوشیدنی مورد ضرورت شان را به آن جا ببرد.

ج: عامر پسر فهیره وظیفه داشت تا شام گاهان گوسفندان خود را به نزدیکی غار ثور ببرد تا از يك طرف رسول الله ﷺ و ابوبکر ﷺ از شیر آنها استفاده کنند و از جانی رَد پای کسانی را که به غار رفت و آمد دارند از بین ببرد تا بیشتر باعث گمراهی قریش شود.

1- قبلاً عملکرد رسول الله ﷺ را در جریان هجرت به عنوان دلیلی بر واجب بودن تنظیم ذکر نموده بودیم. در این جا از آن به حیث دلیلی بر واجب بودن امنیت یادآوری می‌کنیم.

د: استخدام عبدالله پسر اریقظ لیثی به حیث رهنما، تا آنان را در مسیر سفر به سوی مدینه همراهی کند.

3- کمین‌گیری:

انتخاب عبدالله پسر ابوبکر صدیق رضی الله عنه از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و مکلف نمودن وی به این که در کمین خبرهای قریش نشسته، سخنان مجالس شان را به غار ثور انتقال دهد، یک حالت استثنائی و مربوط به مرحله ی خاص نبود، بلکه کمین‌گیری یکی از سیاست‌های همیشگی رسول الله صلی الله علیه و آله بود که در تمام حالات و در همه ی شرایط از آن استفاده می‌شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به حیث رهبر جماعت اسلام می‌خواست تا از تمام جریان‌های که پیرامونش اتفاق می‌افتاد واقف شود و از آثار مثبت و منفی حوادث بر دعوت و مسلمانان آگاه گردد، تا جانب احتیاط را به تمام و کمال در نظر گرفته و توطئه‌های دشمنان را از اساس خنثا کند؛ این در حالی است که رسول الله صلی الله علیه و آله از جانب الله متعال یاری می‌شد و جبرئیل امین بسیاری از نقشه‌های مشرکان را برای او خبر می‌داد؛ هنگامی که مشرکان نقشه ی قتلش را کشیدند قرآن کریم به وضاحت کامل آن را بیان داشته می‌فرماید:

□ **وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ □ (الأنفال: 30)**

(و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره ی تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکننده‌گان است)

وقتی حالت رسول الله صلی الله علیه و آله -کسی که توسط وحی آسمانی حمایت می‌شد- چنین است که از تمام اسباب و قایه استفاده نماید، حالت کسانی که در میان شان پیامبری حضور ندارد و از جانب خدا بر آنان وحی نازل نمی‌شود، باید چگونه باشد؟

سیاست کمین‌گیری رسول الله صلی الله علیه و آله به اندازه‌ی دقیق بود که آن حضرت کسانی را از اهل فن و مهارت برای این کار متفرغ نموده بودند، چون این کار برای حفاظت کبان جماعت و امنیت و سلامت آن از شر کسانی که شب و روز علیه آن برنامه ریزی می‌کردند از اهمیتی ویژه برخوردار است.

یکی از اجراءات کمین‌گیری در اسلام حفظ و حراست از رخنه‌های اسلام و مواقف استراتژیک آن است تا به صورت ناگهانی مورد تهاجم و حمله قرار نگیرد.

در هنگام ادای نماز در جبهات جنگ و مواقف حساس، شریعت اسلامی فیصله کرده است تا مجموعه‌ی جهت مراقبت و حراست جدا شده، نماز شان را بعد از تمام شدن جماعت ادا کنند؛ در سوره‌ی نساء آمده است:

□ **وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا * وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ**

بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخَذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا □ (النساء 101-102)

(و چون در زمین سفر کردید اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده اند به شما آزار برسانند گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند * و هر گاه در میان ایشان بودی و برای شان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ افزارهای خود را بگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ افزارهای خود را بگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند و اگر از باران در زحمتید یا بیمارید گناهی بر شما نیست که جنگ افزارهای خود را بر زمین نهید ولی مواظب خود باشید بی گمان خدا برای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است)

4- تربیه ی جهادی:

اسلام علاوه بر این که جماعت اسلامی را امر می کند تا جهت حفاظت از امنیت و سلامت خود از اسباب عمومی استفاده و بهره برداری کنند، به تربیه ی جهادی افراد جماعت نیز توجه خاصی مبذول می دارد تا در مقابل امواج بنیان کن، نیرومند شده و در مقابله با منکرات سرسختی نشان دهند؛ به طور مثال:

الف: عادت دادن نفس بر تحمل شرایط سخت قبل از آن که به صورت ناگهانی با آن مواجه شوند؛ مثل عادت دادن بر طعام، جای خواب و لباس نامناسب و خشن .
رسول الله ﷺ می فرماید:

«اخشوشنوا فإن النعم لا تدوم» 1

(خود را به پوشیدن لباس درشت عادت دهید، زیرا نعمت دوام پیدا نمی کند)

«انظروا إلی من أسفل منکم ولما تنظروا إلی من هو فوقکم فهو أجدر أن لا تزدروا

نعمة الله» 2

(به کسانی که از شما در موقعیتی پایین تراند نگاه کنید و به کسانی که از شما بلندتراند نبینید؛ زیرا این کار مناسب تر به آن است که نعمت های خدا را در حق خود ناچیز نشمارید)

1- کشف الخفاء ومزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنة الناس؛ از عجلونی.

2- صحیح مسلم. کتاب الزهد وارقائق.

- عائشه ؓ می گوید: «زنی از زنان انصار نزد آمد و دید که فرش رسول الله ﷺ چادری دولا می باشد؛ رفت و فرشی که کناره های آن از پشم بود فرستاد، وقتی رسول الله ﷺ آمدند فرمودند: ای عایشه این چیست؟ گفتم: یا رسول خدا فلان زن انصاری آمده بود، فرش شما را دید، رفت و این فرش را روان کرد؛ پیامبر ﷺ فرمودند: ای عایشه فرش او را پس بده؛ قسم به خدا اگر می خواستم خداوند متعال کوه هایی از طلا و نقره را با من روان می کرد. رواه البیهقی.

ب: عادت کردن به از میان برداشتن حالت یکنواخت روزانه اعم از آمد و رفت، لباس، سواری و غیره تا به آسانی در کمین دشمنان و فریب نیرنگ بازان واقع نشویم.

ج: عادت کردن به این که شناخت و معلومات ما در مورد چیزهایی که به حرکت و تنظیم تعلق دارد به اندازه‌ی حاجت و نیاز باشد.

د: عادت نمودن به این که در کارها و وعده‌ها دقت نماییم؛ چون اختلال در کارها باعث ضایع شدن تلاش‌ها و مواجه نمودن دعوت به خطرات عدیده می‌گردد. احتیاطات امنیتی:

در این جا به برخی از اجراءات امنیتی که در نشریه (الامن) ارگان نشراتی سازمان آزادی بخش فلسطین نشر شده بود اشاره می‌کنیم تا ببینیم چگونه تربیت فداییان امنیتی در مواجهه‌ی با دشمن‌شان در داخل و خارج فلسطین به معرض اجرا گذارده می‌شد.

نشریه‌ی مذکور زیر عنوان (امنیت افراد) در فقره‌ی ششم می‌نویسد:
لازم است تا در وقت اجرایی وظیفه‌کسانی را که به تعقیب شما می‌باشند کشف کنید؛ تمریناتی که در این مورد باید مورد توجه قرار گیرد محدود به موارد متذکره نمی‌شود بلکه بر حسب زمان، مکان و توانایی‌ها می‌تواند تفاوت‌هایی داشته باشد.
در این جا به آوردن چند مثال از تدابیر امنیتی اکتفا می‌کنیم:
- رفتن در جاده‌ی پرازدحام و در نظر گرفتن کسانی که پشت سر شما راه می‌روند.
- بازگشت به نقطه‌ی آغاز حرکت و شناسایی کسانی که در عقب شما حرکت می‌کنند.

- راه رفتن در جاده‌ی کم ازدحام و زیر نظر گرفتن کسانی که پشت سر شما می‌باشند به گونه‌ی کسی متوجه نشود.

- انداختن چیزی از جیب در وقت حرکت به طور ناگهانی جهت کشف کسانی که در پشت سر شما قرار دارند.

- گاهی شتاب و گاهی کندی در رفتار - در حالی که بر ای هر یک دلیلی موجود باشد - و گاهی نیز ایستادن و ملاحظه‌ی کسانی که از حرکت و سکون شما متأثر می‌شوند.

- مراقبت کسانی که پشت سر شما ایستاده‌اند و یا به دنبال تان راه می‌روند.

- دوری از عناصر مخالف در وقت انجام وظیفه (مثلاً: باید در مقابل قهوه‌خانه‌ی مزدحم حرکت نکنید)

- دوری از گیر افتادن در مشکلات : سعی کنید در محل زندگي، دفتر و حین اجرایی وظیفه، خود را به مشکل نیندازید تا نگاه‌ها به شما دوخته نشود؛ چرا که انسان‌ها و لو - از روی فضولی - دوست دارند چیزهای جالب توجه را تعقیب کنند. متوجه باشید که گیر افتادن در مشکل حین اجرایی وظیفه‌احیاناً آن را کشف و تعطیل می‌نماید.

- اجتناب از ممنوعات امنیتی مانند: (عکس در جای که عکسبرداری ممنوع است) یا (عبور از جای که عبور و مرور در آن مجاز نیست) در نزدیکی سربازخانه ها و اماکن شبیه به آن زیاد توقف نکنید.

- خود را به روشی مشخص اسیر نکنید: مثلاً در وقت رفت و برگشت به خانه همیشه از یک مسیر استفاده نکنید؛ احتیاجات خود را دائماً از یک جا برآورده نسازید؛ همیشه از یک وسیله جهت حمل و نقل خود کار نگیرید و دائماً یک نوع لباس نپوشید...

- مدارک شخصی خود را همیشه با خود داشته باشید.

- اوراقی را که به کارتان ارتباط می‌گیرد جز در وقت ضرورت با خود حمل نکنید و هر شب خود را از کاغذهای که در جیب دارید مطمئن سازید.
- نام دوستان خود را ننویسید؛ بلکه سعی کنید یادداشت های خود را در یک دفتر مخصوص به صورت شفر درج نمایید. 1

1- می‌توانید به ده‌ها کتاب و نشریه که اخیراً در مورد موضوعات امنیتی نوشته شده است رجوع کنید؛ از جمله: (دائرة المعارف عسکری) جلد اول، موضوع، امن.

ضرورت به جهاني بودن كار اسلامى
-اسلام دين جهاني است.
-شواهدى از جهاني بودن فعاليتهاى اسلامى.
-توطئه‌هايى ضد اسلام جهاني است.
-تغيير اسلامى مستلزم جهاني بودن است.

بخش هفتم

ضرورت به جهانی بودن کار اسلامی

در این بخش شاید نیاز چندانی به تأکید بر اثبات جهانی بودن کار اسلامی نداشته باشیم.

اما نیاز به این هست که جریان ها و تنظیم های محلی و منطقه یی را بر جهانی بودن فعالیت های اسلامی قانع سازیم؛ چون امکان ندارد در عصر کنونی که درگیری ها حالت جهانی و بین المللی را به خود گرفته است کار اسلامی محلی را توجیه کرد؛ فعالیت های اسلامی محدود قطعاً در مقابل چالش های جهانی مختلف محکوم به شکست و فروپاشی است.

اسلام دین جهانی است:

مهمترین دلیل بر ضرورت جهانی بودن فعالیت های اسلامی، جهانی بودن دین مبین اسلام، فراگیر بودن دعوت پیامبر بزرگوار اسلام و واپسین بودن برنامه و پیام اسلام است.

بسیاری از حرکت ها و فلسفه های که در آغاز امر صفت جهانی نداشتند، امروزه در زیر فشار نیازهای عصر به صورت گسترده حرکت، رهبری و برنامه ریزی خود را در تمام جهان منتشر نموده، جهت انتشار بیش از پیش دنبال فرصت های جدید می گردند و به یاری دهنده گان نو چشم دوخته اند. آنان از شرایط کنونی که وسایل و ابزار مختلف، ارتباط و انتقال را سهل تر از گذشته نموده و به فراوانی در دسترس همگان قرار می گیرد حد اکثر استفاده را می برند.

طور مثال حرکت قادیانی - که در اصل يك حرکت منطقه یی هندی است - حالا پیروان آن در سراسر جهان به صورت چشمگیری منتشر شده اند. جنبش قوم گرایی سوریه که (انطون سعاده) آن را بنیانگذاری نمود، امروزه محدود به سرزمین شام نیست، بلکه شاخه های آن به صورت جهانی امتداد یافته است.

حرکت بهایی که از ایران آغاز گردیده بود، اکنون به يك مذهب جهانی تبدیل شده که پیروان آن همگی قاره های جهان را در نور دیده اند. وقتی حرکت های محدود محلی چوکات های تنگی را که در آن تولد یافته اند شکسته در صدد پیدا کردن پایگاه های جدید برآمده اند، آیا بر حاملان رسالت جهانی اسلام لازم نیست تا قبل از دیگران خود را به مستوای جهانی برسانند؟

شواهد مختلفی از جهانی بودن اسلام:

به خاطر تأکید بر جهانی بودن دعوت اسلامی به طور نمونه به برخی از شواهد اشاره می نمایم:

- شواهدی از قرآن کریم:

از شواهد قرآنی، آیات زیر را انتخاب نموده‌ایم:
 □ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَ لَيْكُمْ شَهِيدًا □ (البقرة 143)

(و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد)

□ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ □ (الأعراف 158)

(بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند پس به خدا و فرستاده‌ی او که پیامبر درس‌نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید امید که هدایت‌شوید)

□ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا □ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ □ (سبأ 28)

(و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند)
 - شواهدی از سنت پیامبر ﷺ:

بسیاری از موقف‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و گرایش‌های پیامبر خدا ﷺ، جهانی بودن رسالت و دعوت آن حضرت را تأکید می‌کند...

رسول الله ﷺ دعوت اسلامی را تنها به قوم و قبیله‌ی خود منحصر نساختند و به دعوت اهل مکه و مدینه اکتفا ننمودند، بلکه دعوتشان را متوجه تمام مردم جهان نموده، همه‌ی قوت‌ها، پایگاه‌های نظامی و پادشاهان جهان را مخاطب قرار دادند. این موقف پیامبر ﷺ دلیلی صریح و شاهدهی قاطع بر جهانی بودن دین اسلام است.
 رسول الله ﷺ (نجاشی پادشاه حبشه) را به پذیرفتن اسلام دعوت نموده، نامه‌ی را به شرح آتی برایش فرستادند: «به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، از جانب محمد رسول خدا به نجاشی پادشاه حبشه. ما و تو در صلح به سر می‌بریم؛ ابتدا پروردگاری را حمد و ستایش می‌کنم که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت بخش و مؤمن نگهبان را. گواهی می‌دهم که عیسی پسر مریم و روح خدا و کلمه‌ی است که الله تعالی آن را به سوی مریم پاک طینت پاکیزه القا نمود و وی حامله شد و خداوند متعال عیسی را از روحی که در مریم - علیها السلام - دمید خلق نمود، همان گونه که آدم عليه السلام را به ید خود خلق کرد و با دمیدن روح در کالبد آن وی را زنده گردانید. من تو را به سوی خدایی فرا می‌خوانم که تنها است و هیچ شریکی ندارد و از تو دعوت می‌کنم تا در راه طاعت خداوند با ما همکاری نمایی، از من پیروی کنی و به آن چه به من نازل شده است ایمان بیاوری، چون من پیامبر خدایم. اکنون پسر کاکایم جعفر و مجموعه‌ی بی از مسلمانان را به سوی تو فرستادم، وقتی نزد تو آمدند از آنان پذیرایی کن و به آنان ظلم روا مدار؛ من تو و لشکریانت را به

سوي خدا دعوت مي كنم؛ پيام خدا را به شما رساندم و شما را نصيحت نمودم،

نصيحتم را پذيريد... والسلام علي من اتبع الهدى»

رسول الله ﷺ نامه ي ديگري به (هرقل بزرگ روم) فرستادند که در آن آمده بود :
«بسم الله الرحمن الرحيم، به سوي هرقل بزرگ روم، سلام بر کسي که تابع هد ايت
شد، اما بعد: من تو را به پذيرش اسلام دعوت مي کنم، مسلمان شو تا سلامت بماني،
مسلمان شو تا خداوند متعال به تو دو پاداش عطا کند، و اگر روي برتافتي، گناه
زراعت پيشگان (ملت) به دوش تو خواهد بود. و

□ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ □ (آل
عمران 64)»

(ای اهل کتاب بياييد بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز
خدا را نپرستیم و چیزی را شريك او نگردانیم و بعضی از ما بعضی ديگر را به جای
خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگوئيد شاهد باشید که
ما مسلمانیم [نه شما])

نامه ي ديگري به (اسقف روم در قسطنطنيه) فرستادند كه مضمونش چنین است :
«سلام بر کسي که ایمان آورد. اما بعد: عیسی پسر مریم، روح خدا و کلمه ي او است
که به سوي مریم پاک سرشت القا نموده است، من به خدا ایمان آورده ام و به آن چه
به سوي ابراهيم، اسماعيل، اسحاق، يعقوب و اسباط نازل شده است و آن چه به
موسي، عیسی و ديگر پیامبران از طرف پروردگار شان داده شده است . ما در میان
پیامبران خدا فرق نمی گذاریم و به خدا تسليم می باشيم. والسلام علي من اتبع الهدى»
نامه يي به این مضمون به (مقوقس بزرگ قبطي هاي مصر) فرستادند: «به نام
خداوند بخشنده ي مهربان . از طرف محمد، بنده و فرستاده شده ي خدا به سوي
مقوقس بزرگ قبطي ها؛ سلام بر کسي که تابع هدایت است . اما بعد: من تو را به
پذيرش اسلام دعوت مي کنم، مسلمان شو تا سلامت بماني و خداوند به تو دو پاداش
عنایت کند؛ اگر روي برگرداني، گناه قبطي ها به دوش تو خواهد بود.

□ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ □ (آل
عمران 64)»

(ای اهل کتاب بياييد بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز
خدا را نپرستیم و چیزی را شريك او نگردانیم و بعضی از ما بعضی ديگر را به جای
خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگوئيد شاهد باشید که
ما مسلمانیم [نه شما])

نامه يي به (کسرا بزرگ فارس) به این شرح فرستادند: «بسم الله الرحمن الرحيم.
از جانب محمد رسول خدا به سوي کسرا بزرگ فارس . سلام بر کسي که تابع هدایت
شد، به خدا و پیامبرش ایمان آورد و گواهي داده هيچ معبودي جز الله نيست و او
يگانه ي بي شريك است و محمد بنده و فرستاده ي الله است؛ من تو را به سوي پيام

خدا فرا می‌خوانم، من پیامبر خدایم که مرا برای هدایت همه‌ی بشریت فرستاده است، تا هر که را [دلی] زنده است بیم ده م و گفتار [خدا] در باره‌ی کافران محقق گردد؛ مسلمان شو تا سلامت بمانی؛ اگر ابا ورزیدی گناه مجوسیان بر تو خداهد بود»
به این ترتیب رسول الله ﷺ نماینده‌گان خود را با نامه‌هایش به همه‌ی مناطق جهان فرستاد و مردم را به اسلام دعوت نمود. 1

توطئه‌های ضد اسلام جهانی است:

دلیل دیگری که وحدت و یکپارچگی فعالیت های اسلامی را لازم و ضروری می‌گرداند، موجودیت دسیسه های جهانی و بین المللی علیه اسلام است. بناءً در چنین شرایطی مجاز نیست که دعوت به سوی اسلام به صورت محلی و منطقه‌ی محدود بماند.

توطئه علیه (خلافت عثمانی) و سقوط آن دسیسه‌ی جهانی و بین المللی بود که بعد از ایستاده‌گی مردانه‌ی خلیفه عبدالحمید از طرف (صهیونیست‌ها و صلیبی‌ها) برنامه‌ریزی شده بود. (اسرائیل کوهین) می‌گوید: «به تاریخ 18 مارچ 1901م شخصی یهودی به نام (اورمینوس ومبرگ) مبلغ زیادی را برای سلطان عبدالحمید پیشکش نمود تا در بدل آن فلسطین را برای یهود خریداری کند، ولی پاسخ سلطان عبدالحمید چیزی جز بیرون کردن فوری او از قصر نبود.

«در 23 جون سال 1902م تیودور هرتزل از سلطان عبدالحمید خواست تا فلسطین را به یهود واگذار کند، وی در پاسخش گفت: یهودیان در هر جای مملکت عثمانی اقامت گزیده می‌توانند حتا اگر جای برای اقامت شان پیدا نکردند می‌توانند در عراق، سوریه و حتا شهرهای اناضول سکونت گزینند. اما فلسطین هرگز نه. وقتی هرتزل سرسختی عبدالحمید را مشاهده کرد برای او رشوتی را پیش کرد که مبلغ آن پنج میلیون لیره‌ی طلا بود و این کارش سبب شد که فوراً از قصر اخراج شود»²
توطئه علیه فلسطین و اشغال آن از طرف گروه‌های یهودی بر اساس یک برنامه‌ی گسترده‌ی بین المللی صورت گرفته است که همه‌ی دولت‌های بزرگ جهان در آن سهیم بوده‌اند.

پروژه‌ی تقسیم فلسطین که در ملل متحد مطرح گردید با کسب اکثریت 33 رأی به تاریخ 22 نوامبر سال 1947م به تصویب رسید. دیده می‌شود که در این توطئه تمام دولت‌های بزرگی که در دشمنی با اسلام شهرت دارند، همدست بوده و آن را تأیید کرده‌اند، از جمله: روسیه، ایالات متحده‌ی آمریکا، فرانسه، کانادا، بلژیک، استرالیا، بریزیل، هالند، ناروی، ونزوئلا و دیگر کشورهای غربی تابع انگلیس و آمریکا. وقتی در سال 1948م (بن گوریون) تشکیل رژیم صهیونیستی را در فلسطین اعلان نمود، دولت‌های مذکور به سرعت دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت

1- مطالب مربوط به نامه‌های رسول الله ﷺ را می‌توانید به آسانی در کتب تاریخ اسلامی از جمله: تاریخ طبری، سیره‌ی ابن هشام و... به دست آورید.

2- کتاب، الحركة الصهيونية از اسرائیل کوهین؛ صفحه‌ی 77.

شناختند که این خود بیانگر همدستی دولت های استعمارگر شرق و غرب علیه اسلام و قضایای مربوط به جهان اسلام است.

جنگ تبشیری که علیه جهان اسلام به راه افتاده است، برنامه ریزی و پشتیبانی مالی آن به سطح جهانی صورت می گیرد و صدها موسسه، مکتب، شفاخانه، کتابخانه، انتشارات، روزنامه، مجله، شرکت، سینما و ... در خدمت آن قرار دارند که در سراسر جهان اسلام مشغول فعالیت اند و از طرف نهادهای جهانی به قصد ایجاد فساد در میان مسلمانان و دعوت شان به نصرانیت گرداننده گی و رهبری می شوند. توطئه های خاورشناسان علیه اسلام و دستاوردهای آن نیز از طرف مراکز جهانی صورت می گیرد که در رأس آن افراد متخصص قرار دارند که برای این مهم بی کار ساخته شده اند و تمام امکانات لازم جهت تزویر علیه اسلام و تحریف آن به دسرس شان قرار داده می شود.

احزاب و گروه های چپی و راستی که در کشورهای ما فعالیت دارند نیز شاخ و برگ های جهانی دارند که بر اساس پلان و برنامه ی مشترک در مناطق مختلف دست به فعالیت های مشابه و همگون می زنند.

حتا نظام های که در کشورهای اسلامی روی کار می آیند با دولت ها، اردوگاه ها و جریان های سیاسی و عقیدتی خارجی همکاری و هماهنگی دارند، به گونه یی که کمتر نظام محلی را می توان سراغ کرد که از طرف جهت های بیرونی کسب کمک و نیرو نکند، چرا که در شرایط کنونی فاصله ها از میان برداشته شده و اوضاع جهانی مرزها را درنور دیده است و هر جریان و هر نظام سمت خود را معلوم نموده و به یکی از اردوگاه های جهانی پیوسته است.

از مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که کار اسلامی در سراسر جهان با دشمنی مشترک و چالشی جهانی روبه رو می باشد و لازم است تا مقابله با این دسیسه ی جهانی و چالش بین المللی بالمثل صورت گیرد و به گونه یی واحد و همه جانبه انجام شود.

تغییر اسلامی مستلزم جهانی بودن است:

نکته ی دیگری که در رابطه با تأکید روی جهانی بودن فعالیت های اسلامی قابل تأمل است سنگینی تکالیفی است که تغییر اسلامی خواهان آن می باشد.

اگر اهداف اسلام، اهدافی اصلاحی و ترمیمی بود و می شد آن را از خلال نظام های موجود پیاده کرد، شاید برای محلی و منطقه یی بودن فعالیت های اسلامی توجیه معقولی وجود می داشت.

و اگر طبیعت روش اسلامی زنده گی در سایه ی نظام های وضعی و همراهی با آن را اجازه می داد، باز هم محلی و منطقه یی بودن فعالیت های اسلامی قابل توجه بود.

و اگر روش اسلامی تنها به بُعد تربیتی انسان توجه می داشت و ابعاد قانونگذاری، تنظیم و حکومت را در بر نداشت، محلی و منطقه یی بودن فعالیت های اسلامی توجیه می شد. اما اسلام قانونگذاری را فقط حق خدا می داند و دستور می دهد

تا نظامي اسلامي برپا گردد که قضاوت و روا بط تنها بر اساس حکم پروردگار عالميان باشد.

تغيير اسلامي مطلوب، تغييری عمیق است که ریشه‌ها و پایه‌های فکری، عقیدتی، قانونگذاری و رفتاری ساختارها و جوامع مادی و دیالکتیکی و بشری را از بن بر می‌کند.

طبعاً تغييری با این عرض و طول، نه تنها کاری است دشوار بلکه عملیاتی است بس خطیر و دقیق؛ چرا که مقابله با آن و توطئه علیه آن به گونه‌ی جهانی صورت می‌گیرد.

انقلاب اسلامي ایران نزدیک‌ترین شاهد این گفته‌ی ما است؛ وقتی شعار نه شرقی و نه غربی- را بلند نمود از طرف تمام نیروهای کافر مورد هجوم همه جانبه قرار گرفت.

تغيير اسلامي و اقامه‌ی حکومت الهی - هر جایی که باشد- از طرف صهیونیسم جهانی و مزدوران آن، یا از سوی صلیبی‌های بین‌المللی و اجیران وی و یا هم از جانب کمونیسم جهانی و نوکرانش مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرد و برای در هم کوبیدن آن تمام امکانات مادی و جانی به کار گرفته می‌شود، تا جهان شاهد بدیل اسلامي نباشد.

آیا بعد از این همه دلایل جایز است که جریان اسلامي همانند (دکان‌ها) و (مزرعه‌ها)ی پراکنده در جاهای مختلف به فعالیت بپردازد، و تلاش‌های اسلامگرایان همانند فریادی در بیابان و دمیدنی در خاکستر بی‌رونق و بی‌اثر باشد.

کار اسلامی در میان اصول‌گرایی و مرحله‌بندی
واجب بودن اصول‌گرایی
-تأثیر پذیری شماری از دعوت‌گران از روش‌های حزبی.
-منظور از اصول‌گرایی چیست؟
-منظور از مرحله‌بندی چیست؟
-مرحله‌بندی ناقض اصول‌گرایی نیست.
-اصول‌گرایی و مرحله‌بندی کار اسلامی در لبنان.
-مفهوم مشارکت.

بخش هشتم

کار اسلامی در میان اصول‌گرایی و مرحله‌بندی

برخی از فعالان اسلامی که تحت تأثیر کشمکش‌های حزبی و روش‌های فریبدهی که در کارهای سیاسی استفاده می‌شود قرار دارند، جریان اسلامی را به خاطر گوشه‌گیری و اجتناب از داخل شدن در این عرصه سرزنش می‌کنند و این پالیسی را واپس‌گرایی عقلی و ناآگاهی نسبت به پیچیدگی‌های کار سیاسی قلمداد می‌نمایند. این گروه کناره‌گیری جریان اسلامی از سیاست را بزرگ‌ترین سبب عقب‌نشینی و واپس‌گرایی فعالیت‌های اسلامی و دور ماندن آن از مقاصد و مرام‌هایش می‌دانند. ایشان گمان می‌کنند که اندکی سهل‌انگاری در پایبندی اعتقادی و چشم‌پوشی از بعضی احکام، باعث به راه افتادن چرخ دعوت و سبب سرعت یافتن آن به سوی نیرومندی، پایه‌گذاری و پیروزی نهایی خواهد شد.

اللهم! بهتر می‌داند، به نظر من نقطه‌ی مقابل این تصور صحیح است؛ چرا که واقعیت‌های عینی جریان اسلامی نشان می‌دهد که بیشترین رنج حرکت اسلامی از ناحیه‌ی ضعف التزام و پایبندی افراد آن است نه از محدودیت گسترش میدان فعالیت‌های آن. مشکل واقعی دعوت‌گران در ناآگاهی‌شان از اصول شریعت و احکام دین نهفته است نه در بی‌اطلاعی از روش‌ها و فنون سیاست. بلی باز کردن عرصه‌های جدید بر روی فعالیت‌های اسلامی و گسترش دعوت در میدان‌های مختلف و انتخاب روش‌های مسالمت‌آمیز و استفاده از فرصت‌ها و شرایط به دست آمده، همه و همه اموری است که باید به آن توجه شود، ولی تمام آنها باید در چوکات قواعد و مقرراتی باشد که اسلام آن را به رسمیت می‌شناسد.

کسانی که گمان می‌کنند اصول‌گرایی و مرحله‌بندی در فعالیت‌های اسلامی دو روش متعارض‌اند، در واقع از طبیعت این دین آگاهی ندارند و از حقیقت راه‌های پیروزی آن غافلند.

به هر اندازه که جریان اسلامی و کارکنان آن در پایبندی به حدود خدا و بازگشت به قانون اسلام حریص باشند، به همان میزان توفیق هدایت یافته به پیروزی و رستگاری نزدیک‌تر می‌شوند و به هر اندازه در این زمینه کوتاهی کنند و یا مقررات دین را زیر پا نمایند، به همان میزان لغزش‌ها و واپس‌گرایی‌هایشان زیاده‌تر خواهد شد.

وقتی در زمان عمر بن خطاب رضی الله عنه فتح (مصر) به تأخیر افتاد، نامه‌ی بی‌به‌عمر بن عاص رضی الله عنه فرستاد و در آن نوشت: «اما بعد: تعجب می‌کنم که چرا در فتح مصر تأخیر نمودید، حدود دو سال است که با شما می‌جنگند، دلیل این تأخیر چیزی نیست جز این که محبت دنیا در میان شما به اندازه‌ی شایع شده است که دشمنان شما به آن محبت دارند و خداوند متعال قومی را جز بر اساس صدق نیت‌شان پیروزی نمی‌دهد...»¹

¹ - اخبار عمر: از علی و ناجی طنطاوی.

در وصیت عمر بن خطاب رضی الله عنه به سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه آمده است: «ای سعد این سخن مردم که تو را ماما و صحابه ی رسول الله صلی الله علیه و آله خطاب می کنند، تو را مغرور نکند، زیرا خداوند متعال بدی را به وسیله ی بدی از بین نمی برد، بلکه بدی را با خوبی محو می کند. خدا با هیچ کس میانه و پیوندی جز طاعت و عبادت ندارد، انسان ها اعم از شریف و ضعیف در پیشگاه خدا یکسان اند. خدا پروردگار همه و همه بنده گان وی اند، برتری بنده گان در نزد خدا بر اساس دوری از گناه و برخورداری شان بر اساس طاعت است؛ ببین که رسول الله صلی الله علیه و آله از روزی که به پیامبری مبعوث گردید تا روزی که ما را ترک نمود چه چیزهای را به ما میراث گذاشت آن را عملی کن، چون خیر فقط در چیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است. این بود نصیحت من به تو، اگر آن را فرو گذاشتی و از آن روی برتافتی، اعمال ات ضایع شده و از جمله ی زیان کاران خواهی بود»¹

خلط مفاهیم:

طوری که قبلاً بیان داشتیم یکی از بازتاب های نامطلوب چنددستگی در کار اسلامی، ایجاد مفاهیم ضد و نقیض پیرامون فعالیت های اسلامی است از جمله:
 آیا کار اسلامی، فعالیتی اصلاحی است یا تغییری؟
 آیا کار اسلامی، مردمی است، سیاسی است یا عقیدتی؟
 آیا کار اسلامی، مسالمت آمیز است یا توأم باخشونت؟
 و اشکالات و تناقضات دیگری که شماری از آن به موضوع این حلقه، یعنی - کار اسلامی در میان اصول گرایی و مرحله بندی- ارتباط می گیرد.

منظور از اصول گرایی چیست؟

هدف ما از اصول گرایی و مرحله بندی چیست؟

مقصد ما از اصول گرایی در فعالیت های اسلامی، پایبندی کامل و همه جانبه به مظاهر اسلام است؛ پایبندی که هیچ رخصت، انحراف، سازش کاری و عقب نشینی را به رسمیت نمی شناسد. ما در این برداشت خود به این فرموده ی الله تبارک و تعالی تاسی می نماییم:

□ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا □ (الأحزاب 36)

(و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است)

منظور ما از اصول گرایی این است که هدف به هیچ وجه توجیه گر وسیله شده نمی تواند، چنان که مکتب (ماکیاولی) و دیگر جریان های مادی عقیده دارند. مارکس می گوید: «ستیز به خاطر پیروزی کمونیزم استفاده از هر وسیله ی غیر مشروع را مجاز می گرداند». لینن می گوید: «مبارز کمونیست باید از تمام انواع فریب، نیرنگ

¹ - تاریخ طبری.

و گمراه‌سازی در راه رسیدن به هدف خود استفاده کند، تلاش به خاطر کمونیزم تمام وسایلی را که می‌تواند پایه‌های این مکتب را مستحکم سازد مجاز و مبارک می‌داند، باید بدانیم که کمونیزم هدفی بسیار عالی است و رسیدن به هدف عالی در بسا موارد به‌کارگیری وسایل غیر عالی را مشروع می‌سازد. با استناد به همین دلیل کمونیست‌ها استفاده از وسایل منافی اخلاق را به شرط مؤثر بودن آن در تسریع رساندن کمونیست‌ها به اهداف شان، مجاز می‌دانند.

ماکیاولی در کتاب خود به نام (فرمانده) می‌گوید: «فرمانده باید تصمیم بگیرد که حتماً پیروز شود و دولت خود را محافظت کند، در چنین صورتی است که تمام وسایل قابل دسترس عالی و ارزشمند می‌شود و هرکس می‌تواند از هر وسیله استفاده کند. قضاوت انسان عادی بر اساس چیزهای است که می‌بیند و به دست می‌آورد»
وی در کتاب دیگرش به عنوان (مهارت در جنگ) می‌گوید: «پیروزی، آثار بسیاری از تنبلی‌های انسان را از بین می‌برد؛ در حالی که شکست پلانگذاری‌های منظم را بی‌اعتبار می‌سازد»

هدف ما از اصول گرایي عدم پذیرش راه‌های سازشکارانه، کوتاه آمدن از موقف اسلامی و پافشاری بر موقف گیری حق است. وقتی کفار قریش برای پیامبر بزرگوارمان پیشنهاد دادند تا از برخی موقف‌گیری‌های‌شان چشم‌پوشی نمایند، رسول الله ﷺ در جواب کاکای‌شان ابوطالب گفتند: «قسم به خدا اگر آفتاب را در دست راست و مهتاب را در دست چپام بگذارند و بخواهند تا من از رسالتم دست کشم این کار را نخواهم کرد مگر این که یا آن را به انجام رسانم و یا در پی آن جان دهم» مصعب بن عمیر ؓ برای مادرش می‌گوید: «اگر صد جان داشته باشی و یکایک آنها از بدنت خارج شود، دین محمد ﷺ را ترک نخواهم کرد»

منظور ما از اصول گرایي این است که باید همیشه آستین ما مسلمانان به خاطر تحقق هدف اصلی اسلام (کشاندن مردم به عبادت خالصانه‌ی الله ﷻ) بالا زده باشد:

□ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي □ (الذاریات 56)

(و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند)

□ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شَهِيدًا □ (البقرة 143)

(و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا ب مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد)

منظور ما از اصول‌گرایي این است که انگیزه‌ی پیوند ما با اسلام، به دست آوردن رضای خدا باشد نه رسیدن به مال و متاع دنیا و یا ازدواج با زنی که او را دوست داریم و یا غنیمتی که ممکن است نصیب ما شود.

بنا بر همین منطق است که می‌گوییم: ما مختار نیستیم که سخنی جز حق به زبان آوریم، یا کاری بر خلاف آن چه حق است انجام دهیم، یا به راهی جز راه حق روان شویم، یا حق را با باطل درآمیزیم... ممکن است يك دعوتگر احیاناً سخنی را به زبان آورد که در آن کسب رضای خدا را در نظر نداشته است (الله تعالی به خاطر آن سخن

او را هفتاد سال در دوزخ سرنگون کند) (مأمور شده ام تا حق را بگویم و لو تلخ باشد) (مأمور شدم تا حق را بگویم و از ملامت هیچ ملامتگري نترسم)
 □ وَقُلْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ □ (الكهف 29)
 (و بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند)

شماری از مردم خلط میان قوم گرایي و اسلام و یا عربیت و اسلام را مجاز می‌دانند؛ حتا عده یی خلط میان کمونیزم و اسلام و یا دموکراسی و اسلام را جایز می‌شمارند؛ چنین مقولاتی اصلاً با اصول گرایي اسلامی هم خوانی ندارد و از نقطه نظر شریعتی که ما به آن باور داریم کاملاً مردود است.
 عده یی دیگر به خود اجازه می‌دهند تا با سرمداران از در منافقت پیش آمد کرده، با اهل طغیان هم رکابی نمایند... چنین اعمالی منافی اصول گرایي و مخالف شریعتی است که ما به آن معتقد می‌باشیم.

منظور از مرحله بندی چیست؟

منظور ما از مرحله بندی این است که گام های خود را به ترتیب و حساب شده برداریم و از نظر کمی و کیفی از مرحله یی به مرحله یی دیگر منتقل شویم؛ البته با در نظر داشت این که حرکت ما در دایره یی اصول گرایي باشد نه بیرون از آن.
 منظور از مرحله بندی این است که باید از همه یی اسباب مادی و معنوی که ما را در رسیدن به هدف اصلی ما کمک می‌کند استفاده نماییم.
 منظور ما از مرحله بندی برپا کردن ایستگاه هایی است که باید در مسیر فعالیت های اسلامی ایجاد شود و از رسیدن به هر ایس تگاه به این نتیجه برسیم که مرحله یی را پشت سر نهاده، مرحله یی دیگری را آغاز نموده ایم.
 مرحله بندی در فعالیت های رسول الله ﷺ به صورت بسیار واضح و روشن به چشم می‌خورد، در حالی که هدف اصلی (آماده کردن مردم به عبادت الله ﷻ) برای یک لحظه از اذهان کارکنان میدان اسلامی پنهان نبوده است.
 بیشتر تاریخ نگاران و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که رسول الله ﷺ در زنده گی پیامبری خود از چهار مرحله یی آتی عبور نموده اند:
 مرحله یی اول:

این مرحله با بعثت پیامبر ﷺ آغاز شده و تا سال سوم هجرت که طلایه داران اولی دعوت آماده شدند با سریت و پنهان کاری تمام ادامه یافته است؛ ممکن است این مرحله را به نام مرحله یی تکوین (آماده سازی) نام گذاری کنیم.
 مرحله یی دوم:

این مرحله با مأمور شدن رسول الله ﷺ به این که دعوت خود را علنی نموده، خانواده و اقوام خود را به سوی الله ﷻ دعوت کنند آغاز می‌شود.

□ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ * وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ *
 □ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ *

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقْلَبُ فِي السَّاجِدِينَ * إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ □ (الشعراء 213-220)

(پس با خدا ، خدای دیگر مخوان که از عذاب شدهگان خواهی شد * و خویشان نزدیکیات را هشدار ده * و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کردهاند بال خود را فرو گستر * و اگر تو را نافرمانی کردند بگو من از آن چه می‌کنید بیزارم * و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن * آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند * و حرکت تو را در میان سجده‌کنندهگان [می‌نگرد] * او همان شنوای داناست)

احساس ما این است که آیات به شدت بر پایبندی بر اصول اساسی و موضوعات مسلم ایمانی تأکید می‌ورزد؛ و ممکن است این مرحله را به نام مرحله یی (تبلیغ) نامگذاری کنیم.

مرحله ی سوم:

این مرحله از سال دهم بعثت شروع می‌شود، زمانی که رسول الله ﷺ آغاز به دعوت عمومی می‌کنند و به بازارهای عکاظ ، ذی‌المجاز و مناسر زده کاروان های روی آورنده از مناطق مختلف جزیره العرب را به دین اسلام دعوت می نمایند، تا بالآخره دعوت جدید دل های مردم مدینه را تسخیر می کند و به این ترتیب دعوت در آستانه‌ی مرحله ی جدیدی قرار می‌گیرد. ممکن است این مرحله را به نام مرحله ی (انتشار و توسعه) نام نهاد.

مرحله چهارم:

این مرحله با هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به سوی مدینه آغاز می‌شود و این فرموده‌ی الله تبارک و تعالی نازل می‌گردد:

□ اَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغْيًا حَقًّا إِنَّا أَن يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَكَلَّمَا دَفَعْنَا اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهْدً مَّتَّ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ □ (الحج 39-41)

(به کسانی که جنگ بر آن‌ان تحمیل شده ، رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست * همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است * همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم ن ماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست)

این مرحله از مراحل دیگر با گام های عملی و جهادی متمایز می گردد که باعث برپایی اولین دولت اسلامی شده است؛ و ممکن است این مرحله را مرحله ی تنفیذ (عملی کردن) نام گذارد.

وجوه مشترک مراحل چهارگانه:

کسی که مراحل چهارگانه ی نخستین دعوت اسلامی و شرایطی را که نسل قرآنی اول پشت سر گذاشته اند به دقت بررسی نماید، میان مراحل مختلف یک وجه مشترک را مشاهده خواهد کرد (تأکید بر تشویق و اصرار بر این که مسلمانان مکلف اند مسؤولیت های خود را به وجه احسن ادا نمایند).

در مرحله ی آماده سازی: (ورقه بن نوفل) پسر کاکای خدیجه که شرایط آن وقت را این گونه به تصویر می کشد: «قسم به ذاتی که جانم در ید او است تو پیامبر این امت می باشی، نزدت همان کسی آمده است که نزد موسی آمده بود، مسلماً قومت تو را تکذیب نموده، اذیت خواهند کرد و از این شهر بیرونت نموده با تو خواهند جنگید» در مرحله ی تبلیغ: قریش فشار خود را بر مسلمانان به صورت گسترده تشدید نمودند؛ هر یک از قبایل بر تعذیب کسانی از ایشان که ایمان آورده بودند افزودند و با زدن و تحمیل گرسنگی و تشنگی و انواع شکنجه ها آنان را آزار می دادند. در مرحله ی انتشار: جنگی را که مشرکین مکه علیه اسلام و اهل آن آغاز نموده بودند توسعه دادند به حدی که رسول الله ﷺ مجبور شد تعدادی از ستم دیده گان را اجازه دهد تا به حبشه هجرت کنند.

مهاجرانی که به حبشه رفتند با وجود این که مردمی مستضعف و پناهنده بودند، در مسأله ی دین هیچ نوع کوتاهی نکردند و از هیچ رخصتی کار نگرفتند و هنگامی که به دربار نجاشی پادشاه حبشه داخل شدند، مردم را پیرامون او به سجده افتاده دیدند، یکی از نگهبانان به آنها گفت برای پادشاه سجده کنید، جعفر بن ابی طالب ﷺ به او نگرسته گفت: «ما مردمی هستیم که غیر الله ﷻ برای کسی دیگر سجده نمی کنیم»

در مرحله ی عمل: درگیری میان مسلمانان و قوت های جاهلی به اوج خود می رسد؛ مسلمانان در داخل با دسیسه های مشرکان و یهود مواجه می شوند و در خارج با چالش های که از طرف صلیبی ها و مجوس برنامه ریزی می شود؛ تا این که بالآخره حق پیروز گردید و باطل نابود شد، بلی باطل همواره نابودشدنی است.

مرحله بندی ناقص اصول گرای نیست:

بنا به دلایل ذکر شده می خواهم تأکید کنم که منظور از مرحله بندی، به هیچ صورت نادیده گرفتن اصلی از اصول اسلام نیست و به هیچ عنوان معنای نادیده گرفتن حدود الله، سازشکاری با جاهلیت و یا پوشیدن اهداف اصلی کار اسلامی را نمی رساند. بلی منظور از مرحله بندی می تواند به معنای پوشیدن برنامه، وسایل، روش ها و مضامین کار باشد؛ ولی هرگز به معنای پنهان کردن مقصد اصلی کار نیست.

جریان اسلامی اگر در تمام مراحل، اهداف بزرگ و نقطه نظرات اصلی خود را واضح نسازد، حتماً دچار دگرگونی و انحرافی می‌شود که به صورت غیرشعوری آن را از اهداف ترسیم شده دور و دورتر می‌سازد.

اصول‌گرایی و مرحله‌بندی در لبنان:

اکنون باید دید قاعده‌ی مذکور را در لبنان چگونه تطبیق نماییم؟ و چگونه در این کشور میان اصول‌گرایی و مرحله‌بندی در فعالیت‌های اسلامی موازنه برقرار کنیم؟
اول: واقعیت موجود لبنان این است که از مدنیت ها، گرایش‌ها، احزاب و قومیت‌های مختلف تشکیل شده است؛ در سرزمینی با این ویژه گی ممکن نیست یک حکومت ایدیولوژیک روی کار آید، فرق نمی‌کند که این حکومت اسلامی باشد، نصرانی باشد یا چپی...

دوم: شرایط موجود لبنان از حیث ساختار بشری و اقتصادی، اصلاً امکانات برپایی دولت را ندارد؛ چه رسد به این که دولتی ایدیولوژیک در آن برپا شود.
سوم: این واقعیت لازم می‌گرداند تا تمام فعالیت‌های اسلامی در محدوده‌ی لبنان به صورت مرحله‌بندی شده اجرا شود؛ این سخن به معنای آن است که سرزمین لبنان در شرایط و اوضاع کنونی نمی‌تواند دولت اسلامی داشته باشد که به حیث نمایندگی کار اسلامی اهداف بزرگ آن را تحقق بخشد.

چهارم: این سخن به معنای آن نیست که جریان اسلامی لبنان از پایبندی به اصول‌گرایی معاف است، بلکه به این معنا است که با در نظر داشت شرایط موجود، کار اسلامی در این کشور نباید پای خود را از دایره‌ی مرحله‌بندی فراتر گذارد.
پنجم: جریان اسلامی لبنان باید کار مرحله‌ی بی‌در خدمت اهداف (استراتژیک) قرار دهد.

حفظ وحدت سرزمین و مردم لبنان یک هدف مرحله‌ی بی‌است که می‌تواند در خدمت مصالح علیای اسلام و اهداف اصلی آن قرار گیرد؛ چرا که تقسیم شدن یک کشور به چند قسمت، در قلب امت اسلامی دولت‌های خورد و کوچک نژادپرست و قوم‌گرایی را ایجاد می‌کند که فعالیت‌های اسلامی را از حرکت به سمت جلو باز می‌دارد.
ایجاد توازن قومی در حکومت، وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف، مسلمانان را از جایگاه ضعف و سستی به جایگاه قوت و نیرومندی می‌رساند و این چیز در واقع همان هدف مرحله‌ی بی‌است؛ البته هدف مرحله‌بندی شده‌ی بی‌که با اهداف اصلی هم‌نوا گردیده است.

ایجاد توازن در ارتش و تشکیل هیأتی مختلط در رأس آن، می‌تواند مانع سوءاستفاده و تحریک نژادپرستانه‌ی ارتش گردیده، زمینه را برای تقویت ارتش فراهم سازد تا مسئولیت خود را در برابر وطن انجام دهد و در مقابل دشمن صهیونیست و استعمارگر ایستاده‌گی کند؛ بناءً ایجاد توازن در ارتش می‌تواند یک قدم فعال در تحقق اصول اسلامی به حساب آید.

نگهداری و حفاظت لبنان از عوامل انحراف اخلاقی و تخریب فکری تقاضا می‌کند که نسل‌های مسلمان از چنگال مدنیت منحط غربی و اعتقادات مادی و بی‌دین آن که به سرعت در میان مسلمانان لانه می‌کند نجات یابند. تمامی اینها تحقق اهداف علیای اسلام را تأیید و مساعدت می‌نماید.

اما مشکلات اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، سیاسی و غیره شواهد زنده‌ی است که باید از آن در راستای نشان دادن چهره‌ی واقعی و شکست‌خورده‌ی نظام‌های ساخته‌ی دست بشر سود برد؛ و در ضمن باید ثابت نمود که راه حل ریشه‌ی همه‌ی مشکلات در رجوع به روش آسمانی نهفته است که بر محمد مصطفی ﷺ نازل شده است تا آن را به تمام مردم روی زمین ابلاغ نماید.

قاعده‌ی که اصول‌گرایی را مشروعیت می‌بخشد همان قاعده مرحله‌بندی را نیز مشروع می‌سازد و اخلاقی که اصول‌گرایی را الزامی می‌گرداند همان اخلاق، مرحله‌بندی را نیز لازم می‌شمارد و هر گفته‌ی بی‌که از آن بوی بی‌پروایی در مراحل ابتدایی و یا متوسط کار به مشام رسد متکی به هیچ دلیل و برهانی نبوده مردود و غیر قابل توجه است، چرا که جریان اسلامی را از نق طه‌نظرات صحیح آن منحرف می‌نماید و نتیجه‌ی جز شکست در دنیا و ندامت در آخرت در پی ندارد.

مفهوم مشارکت:

احیاناً با کسانی روبه‌رو می‌شویم که به (دعوت به مشارکت متوازن) که از طرف هیأت‌های اسلامی لبنان پیشنهاد می‌گردد اعتراض می‌کنند و می‌گویند: این پیشنهاد به معنای شریک ساختن غیر مسلمانان در حکم بوده و به دلیل این فرموده‌ی های الله متعال شرعاً باطل است:

□ لَّا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ □ (آل عمران 28)

(مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند)

□ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ □ (الأنعام 57)

(فرمان جز به دست خدا نیست)

□ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ □ (الشوری 10)

(و در باره هر چیزی اختلاف پیدا کردید داوریش به خدا [ارجاع می‌گردد])

□ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ □ (المائدة 44)

(و کسانی که به موجب آن چه خدا نازل کرده داورى نکرده‌اند آنان خود کافراند) در حقیقت این اعتراض‌کننده‌گان - اگر نیت خوب داشته باشند - مشارکت مسلمانان را با مشارکت اسلام خلط می‌کنند؛ در حالی که هر يك از دو مشارکت حالات و مقتضیات خاص و در نتیجه احکام و اجتهادات ویژه‌ی خود را دارد. برای جداکردن مشارکت مسلمانان از مشارکت اسلام، باید نکات آتی در نظر گرفته شود:

1- تقاضای اسلام این است که بدون مشارکت روش و قانون غیر، فقط از خلال

منهج و قانون خود حکم نماید:

□ وَأَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ □ (المائدة 49)

و میان آنان به موجب آن چه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهای شان پیروی مکن)

این تقاضا برای مسلمانان امری است اعتقادی که به هیچ صورت در مقابل آن بی تفاوت مانده نمی توانند و اجازه ندارند در آن تغییر و تعدیلی وارد کنند، حتی مجبوراند تمام پایه ها و ریشه های مخالف با اسلام که مجتمع، دولت و نظام شان بر آن استوار است را تغییر دهند تا مطابق روش اسلامی شود.

2- برای اسلام و کارکنان جریان اسلامی مناسب نیست تا برای مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظام های وضعی (بشری) راه حل پیدا کنند؛ چون این کار باعث دوام و استمرار نظام های وضعی می گردد، در حالی که اسلام در پی عریان کردن عیوب نظام های غیر اسلامی است تا حقیقت آن بر همه گان آشکار شده، زشتی ها و خالی گاه های آن را ببینند و اسلام گرایان از آن به عنوان دلیلی بر باطل و ساختگی بودن نظام های بشری استفاده کنند، آن را نقض نمایند و به جای آن طرح اسلامی را پیشنهاد کنند.

3- همان گونه که اسلام از يك طرف تمام چیزهای فوق الذکر را مطالبه می کند و به کم تر از آن راضی نمی شود، از طرف دیگر بر مسلمانان لازم نگردانیده است تا در زیر سایه ی نظام های کفری مظلومانه زنده گی کنند؛ بلکه از آنان خواسته است تا در صورت امکان همه و یا قسمتی از بار ظلم را از دوش خود بردارند. البته این در حالی است که يك دولت اسلامی که از آنان به حیث مهاجر استقبال نموده و آنان را حمایت کند، موجود نباشد. همچنین اسلام بر مسلمانان فرض نگردانیده است که با وجود داشتن امکانات کسب قدرت و قوت باز هم ضعیف باقی بمانند، بلکه واجب گردانیده است تا زنده گی اسلامی را از نو آغاز کرده برای خود دولتی اسلامی برپا کنند؛ مسلمانان مکلف اند تا در حد وسع و توان خود آماده گی بگیرند و کوشش کنند تا بر مراکز قوت نیروهای جاهلی مسلط شوند؛ زیرا این چیز می تواند آنان را در راستای به دست آوردن آن چه می خواهند کمک و مساعدت نماید. همه این موارد در مفهوم این فرموده ی الله تبارک و تعالی داخل است:

□ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید)

4- این که مسلمانان تلاش نمایند تا در سایه ی نظام های وضعی اوضاع و احوال خود را بهتر کنند، گام های شان را استوارتر نمایند و موقعیت خود را تثبیت کنند، به هیچ وجه به معنای اعتراف به نظام های بشری و شانه خالی کردن از زیر بار مسؤلیت نیست.

5- از آن گذشته اسلام مسلمانان را اجازه می دهد تا همه ی اسباب قوت و توانمندی را - و لو از خلال نظام های جاهلی- فراهم آورند؛ زیرا کسب قوت مسلمانان را در موقعیت های برتر قرار می دهد؛ بهترین دلیل در این خصوص موقف پیامبر ﷺ در رویداد (حلف الفضول) است که آن حضرت پیش از اسلام در آن شرکت نموده بودند و بعد از اسلام در مورد آن می فرمودند: «در خانه ی عبدالله بن جدعان

شاهد پیمانی بودم که دوست ندارم در عوض آن برایم شتران سرخ مو داده شود؛ اگر بعد از اسلام هم به چنین پیمانی فراخوا نده شوم اجابت خواهم کرد» از جمله بندهای پیمان نامه‌ی (حلف الفضول) توزیع موارد آتی بود (آب دادن، پذیرایی از حجاج، همکاری، بیرق داری، برگزاری محافل و ...) که به مفهوم امروزی تمام مصالح مورد نیاز مردم را در بر می‌گیرد.

در روشنی مطالب فوق واضح می‌گردد که مشارکت به معنای شریک ساختن اسلام با نظام‌های وضعی در حکومت نیست، همان گونه که مشارکت به معنای طرحی بدیل به جای (حکومت اسلامی) نمی‌باشد، و این قضیه گنجایش اجتهاد را ندارد، چون قاعده این است که در موجودیت نص اجتهاد پذیرفتنی نیست. منظور از مشارکت این است که دست ظل م از سر مسلمانان کوتاه گردد، حقوق شان بازگردانیده شود، دسیسه‌هایی که قصد ریشه‌کن کردن اسلام و مسلمین را دارد متوقف گردد و موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی شان تثبیت شود؛ تا بالآخره مسلمانان در مقابل چالش‌ها و تلاش‌هایی که قصد ذوب کردن و کنارزدن آنان را دارد، با توان بیشتری ایستاده‌گی نمایند.

انحصار سلطه و قدرت در دست غیرمسلمانان، تنها به معنای نابودی مسلمانان نیست بلکه به معنی ریشه‌کن شدن اسلام نیز هست؛ چنان که این حقیقت در شماری از دولت‌ها به وقوع پیوسته است. مسلمانان به هر اندازه دستاورد و امکانات داشته باشند و در مراکز قوت نفوذ نمایند، به همان میزان به اسلام چانس انتشار، ریشه‌گذاری و استقرار داده خواهد شد.

در شرایطی که چالش‌های بزرگ ما را احاطه نموده، عاقلانه نیست بگذاریم دیگران همیشه سهام بزرگ را از آن خود سازند و ما آرام و قرار در جای خود نشسته باشیم؛ این کار خیانتی بزرگ در حق اسلام به حساب می‌آید، چرا که سکوت در برابر جاهلیت به معنای همکاری با آن و زمینه‌سازی برای تصفیه اسلام و ایجاد موانع در برابر تحقق شریعت اسلامی در مجتمع و دولت می‌باشد.

امروزه اسلام در همه جا گرفتار جنگی نابرابر با جاهلیت شده است؛ در حالی که جنگ نیرنگ است؛ اگر چیزی به صورت کامل به دست نمی‌آید، باید سعی شود هم‌هی آن از دست نرود؛ اگر مسلمانان بخشی از موقعیت‌ها را به نفع تغییر اسلامی به دست آورند بهتر از آن است که همه‌ی موقعیت‌ها را از دست بدهند و به آرمان خود نیز دست نیابند... والله اعلم.

متفرقات :

- بي توجهي به تعقل تنظيمي.
- نقد و اصول شرعي آن.
- نحوه ي اداره ي يك اجتماع تنظيمي.
- محاسبه ي روزانه و اصول آن.

بی‌توجهی به تعقل تنظیمی

یکی از مشکلات خطرناک فعالیت های اسلامی معاصر بی‌توجهی آن به تعقل تنظیمی از مستوای است که ه شرع آن را لازم گردانیده و عصر به آن نیاز دارد؛ بسیاری از کسانی که به این مرض خطرناک مصاب شده اند، سعی می‌کنند برای این سقوط تنظیمی خود توجیحات شرعی دست و پا کنند. منظور ما از ضعف تعقل تنظیمی عدم توجه همه جانبه به اصول و قواعد تنظیمی و در نتیجه مقابله با آن می‌باشد.

منظور از بی‌توجهی به تعقل تنظیمی رویارویی با (منطق اولویت‌ها) است که از جانب عده‌ی هم در مورد چیزهای موجود صورت می‌گیرد و هم در مورد چیزهای که قرار است به وجود آید. در نتیجه‌ی کمبود تعقل تنظیمی کارهای صورت می‌گیرد که با بسیطترین (الفبای مبارزات جنبش اسلامی) تصادم می‌کند. مقصود از بی‌توجهی به تعقل تنظیمی عدم قدرت دسته‌بندی انباشته‌های حرکتی و مقولات فکری در داخل چوکات و حدود لازم آن است؛ چه این به‌هم‌ریختگی در تصور و اندیشه باشد، یا در برنامه ریزی و اجرای آن؛ در هر صورت نتیجه جز تداخل برنامه‌ها و عدم وضاحت آن چیز دیگری نخواهد بود.

منظور از کمبود تعقل تنظیمی عدم توانایی بر مشخص نمودن کیفیت و کمیت و ایجاد توافق میان آن دو است؛ چه این پدیده در عرصه‌ی گفتار صورت گیرد یا در میدان عمل، به هر صورت در نتیجه‌ی آن خللی بزرگ و ضرری جبران‌ناپذیر بروز می‌کند.

از همه مهم‌تر! مقصود از بی‌توجهی به تعقل حرکتی عدم اندازه‌گیری وقت است، که در نتیجه از زمان استفاده‌ی بهینه صورت نمی‌گیرد و جریان به‌گونه‌ی کار خود را ادامه می‌دهد که وقت می‌گذرد بدون این که مصلحتی را برای اسلام در بر داشته باشد؛ حتا قضایا برعکس مصلحت اسلام تمام می‌شود، چرا که دشمنان اسلام لحظه‌ی از وقت خود را بدون رشد توانایی‌ها و استفاده از فرصت‌ها و مناسبت‌ها و ضربه زدن به اسلام و اهل آن هدر نمی‌دهند.

تمام موارد فوق می‌رساند که ضعف تعقل تنظیمی به معنای گیرماندن عمل اسلامی در جای اول خود می‌باشد که در نتیجه‌ی آن حرکت اسلامی از طی مسیر باز می‌ماند؛ زیرا امکان ندارد کار اسلامی به مستوای مطلوب رسیده، اهداف مورد نظر خود را محقق سازد مگر زمانی که در میادین تربیتی، حرکتی، سیاسی و جهادی بر اساس قواعد تنظیمی محکم استوار گردد و ذهنیت‌های منظم و توانایی آن را رهبری کنند، کسانی که می‌توانند هر چیز را در جای مناسب آن قرار داده، توفیق و هدایت خداوند را در همه‌ی امور نصیب شوند.

خواننده‌ی سیرت مصطفی ﷺ در هر لحظه از لحظات زنده‌گی آن حضرت علایم و نشانه‌های تنظیم را به صورت مثالی و دقیق مشاهده می‌کند؛ مثلاً در سفر هجرت

پیامبر ﷺ با ابوبکر صدیق ﷺ درس‌های تنظیمی نهفته است که باید مسلمانان آن را به صورت دقیق مورد مدارس قرار دهند، در باره‌ی آن بیندیشند، و به آن تأسی نمایند:

1- توفیق علی بن ابی طالب ﷺ تا در بستر پیامبر ﷺ بخوابد و مشرکان در کمین نشسته را گمراه کند؛ این در حالی است که رسول الله ﷺ مکه را ترک گفته به غار ثور رسیده بودند.

2- انتخاب غار ثور که در جهت مخالف راه مدینه واقع شده است، تا از این طریق مشرکان مکه را که حدس می‌زدند ایشان به سوی مدینه هجرت می‌کنند دچار غلطفهمی کند.

3- مکلف ساختن عبدالله پسر ابوبکر صدیق ﷺ، تا اخبار داخل مکه را به ایشان برساند.

4- مؤلف ساختن اسماء دختر ابوبکر صدیق ﷺ، به تأمین غذا.

5- مکلف نمودن عامر بن فهیره تا روزانه گوسفندان را بچراند و هنگام شب آنها را به نزدیکی غار آورد، تا هم از شیر گوسفندان استفاده کنند و هم با عبور آنها رد پای بازدیدکنندگان از غار محو شود.

6- اجیر کردن شخصی از مشرکان تا ایشان را در راه مدینه رهنمائی کند.

وقتی رسول الله ﷺ، کسی که مورد حمایت وحی الهی می‌باشد و از جانب پروردگار علیم و خبیر تأیید می‌شود، در مسیر هجرتش ترتیبات و اجراءات زیادی را در يك حادثه‌ی به خصوص به کار می‌بندد، امروز -که وحی قطع شده است و قضایا پیچیده‌تر گردیده و در اثر فریبکاری دشمنان فضا غبارآلود شده است- فعالان اسلامی چه دلیلی دارند که بر نقش قدم‌های آن حضرت ﷺ طی طریق نکنند، تا چشم‌های شان به دیدن حقایق باز گردد و گوش‌های شان توان شنیدن واقعیت‌ها را پیدا کند؛ حتا چه دلیل دارند که دقت در تنظیم و حسن تنظیمی را از دشمنان شان نمی‌آموزند!.

اسلام از ما می‌خواهد تا در امور دنیا و آخرت از همه پیش‌قدم باشیم. دنیا مرکب آخرت است؛ اگر ما آن را به خوبی در خدمت اسلام و برای مصلحت اسلام به کار نگیریم، دشمنان ما آن را بر ضد ما و جهت ریشه‌کن ساختن ما و اسلام ما به کار می‌بندند چنان که وضعیت امروز ما چنین شده است.

استفاده از اسباب توانمندی فزیکي - در حالی که تنظیم مهم ترین سبب است- فریضه‌ی شرعی است و به هیچ صورت معطل ساختن و بی‌توجهی به آن مجاز نمی‌باشد؛ به دلیل این فرموده‌ی الله تعالی:

□ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ □ (الأنفال 60)

(و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید)

و این سخن رسول الله ﷺ که به هیچ نوع تأویلی مجال ظهور و بروز نمی‌دهد:

«إن العبد إذا عمل عملاً أحب الله أن يتقنه» 1

1- المعجم الكبير؛ للطبرانی؛ شماره ی 776. تحقیق البانی، صحیح است، سلسله ی احادیث صحیحه ی مختصره، شماره 1113.

(وقتي بنده كاري را انجام مي دهد الله تبارك و تعالي دوست دارد تا كارش را به بهترين صورت و دقيق ترين حالت به سر رساند)

حقيقت اين است كه هيچ كار غير منظم، استوار و محكم شده نمي تواند؛ هر چند توانمدي ها و امكانات زيادي آن را حمايت كند؛ چرا كه استوار بودن كارها با كيفيت سنجيده مي شود نه كميت و تنظيم جوهر كيفيت و اولين ماده ي آن به حساب مي آيد. از كاركنان ميدان اسلامي به همان اندازه كه توقع مي رود توانايي هاي ايماني و فكري خود را رشد دهند، به همان ميزان توقع مي رود تا نيروهاي تنظيمي خود را تقويه نمايند و از تمام اسباب، نظريات و تكنولوژي محير العقول جديدي كه در فن تنظيم، اداره، برنامه ريزي و آرشيف استفاده مي شود بهره برداري كنند؛ تمام اينها با امتثال به اين گفته ي رسول گرامي اسلام صورت مي گيرد كه فرمودند:

«الْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»¹

(سخن باحکمت گمشده ي مؤمن است، هر جا آن را پيدا كرد مستحق ترين به آن است)

1- سنن ترمذي؛ باب مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الْفِقْهِ عَلَى الْعِبَادَةِ . الْبَابِي مِي كَوِيد حَدِيثٌ مَذْكُورٌ جَدًّا ضَعِيفٌ اسْت؛ صحيح و ضعيف سنن ترمذي .

نقد و اصول شرعی آن

یکی از پدیده‌های مسلم و بدیهی این است که انسان‌ها از نظر عقلی، قوه‌ی ادراک و نیروهای ذاتی خود با هم متفاوت‌اند و اختلاف رأی در میان ابنای بشر امری است طبیعی.

کسی که تاریخ اسلام را از زمان بعثت پیامبر ﷺ تا به امروز مطالعه کند، بدون کوچک‌ترین شکی به این نتیجه می‌رسد که مسلمانان به صورت عموم و اهل حل و عقد به صورت خاص و ویژه در مورد قضیه‌ی واحد قضاوت‌های متفاوت می‌کنند؛ در حالی که اجتهادات همه در دایره‌ی شریعت و در چوکات اسلام صورت می‌گیرد. به تبع اختلاف آرا و تباین اجتهاداتی که پیرامون مسأله و موضوعی جدید اتفاق می‌افتد - پدیده‌ی که در زبان روز به آن (نقد) و در زبان قرآن به آن (تواصی به حق) گفته شده است - پدید آمده است.

تواصی به حق یا نقد از وجایب شرعی و مکلفیت‌های هر مسلمانی است که عیب و یا انحرافی را در فرد، جماعت، یا دولتی مشاهده می‌کند. چرا که خداوند متعال فرموده است:

□ وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ □ (آل عمران 104)

(و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند) و رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

«مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» و فی روایة «وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةٌ خَرْدَلٍ» 1

(کسی که منکری را می‌بیند باید با دست خود آن را تغییر دهد، کسی که نتواند، سعی کند با زبان آن را از بین ببرد و کسی که از این کار هم عاجز است، باید قلباً از منکر تنفر داشته باشد و این ضعیف‌ترین درجه‌ی ایمان است) در روایتی دیگر آمده است: (کسی که با آنان به وسیله‌ی دست جهاد کند، مؤمن است، و بعد از آن به اندازه‌ی دانه‌ی سپنج ایمان وجود ندارد) ابا علی دقاق می‌گوید:

«مَنْ سَكَتَ عَنِ الْحَقِّ فَهُوَ شَيْطَانٌ أُخْرَسَ» 2
(کسی که از گفتن حق سکوت کند شیطانی گنگ است)

1- صحیح مسلم؛ بَيَانُ كَوْنِ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ مِنَ الْإِيمَانِ...
2- شرح نووی بر صحیح مسلم.

تاریخ اسلام بر اساس چنین قانونی طی طریق نموده و صدق روی آوری به خدا و مراقبت شدید افراد مخلص و توأسی به خیری که در میان مسلمانان رواج داشته آنان را از انحراف حفاظت نموده است. رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

«المؤمن أخو المؤمن لا يدع نصيحتة على كل حال»¹

(مؤمن برادر مؤمن است و در هیچ حالت خیرخواهی او را فرو نمی‌گذارد) در اثری دیگر آمده است: «حق مؤمن بر برادرش عبارت است از این که: وقتی نیاز داشت حق را به او روشن سازد، وقتی به مصیبتی دچار شد، اراده اش را قوی گرداند، وقتی نیکی کرد از وی تشکر نماید، اگر فراموش کرد به یادش آورد، اگر لغزید او را راهنمایی کند، اگر خطا کرد، تصحیح نماید، در امور حق با وی همکاری کند، در باطل با او همراهی نکند؛ مؤمن رهنم، همکار، و امانت‌دار است»
شروط نقد:

وقتی اسلام توصیه به حق را بر مسلمانان واجب می‌گرداند، شروطی مشخص و محدود را نیز وضع می‌کند تا مسلمانان در هنگام نقد افراد، خود را به آن مقید دانسته بر پایبندی به آن اعتماد داشته باشند. از جمله:

1- جستجوی صدق:

وقتی يك مسلمان قصد نقد برادرش را دارد، سعی کند تا خود را از درست بودن موضوع با خبر نماید، در مورد خوب تحقیق کند و خود را از صحیح بودن شایعات و سخنان منتشر شده مطلع سازد؛ چرا که بسیاری از شایعات در حقیقت امر اصل و اساسی ندارد و بسیاری از سخنان را زبان‌های بی‌مهار بدون تحقیق انتشار داده و بزرگ کرده‌اند؛ کافی است در این مورد این فرموده‌ی رسول الله ﷺ را مشعل راه مان قرار دهیم:

«كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِمُصَدِّقٍ وَأَنْتَ لَهُ بِمِ كَاذِبٍ»²

(بزرگ‌ترین خیانت آن است که به برادرت سخنی بگویی و او تو را تصدیق کند، ولی تو برایش دروغ گفته باشی)

جایز نیست که مبنای نقد انسان ظن و شک باشد، بلکه باید برای نقد قراین ثابت و دلایل قاطعی وجود داشته باشد. رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ»³

(از گمان بپرهیزید، زیرا گمان دروغ‌ترین گفتار است)

2- جستجوی قصد و اراده:

به این معنا که برادر انگیزه‌های خود را به دقت بازنگری کند و ببیند که چه چیز او را به نقد وادار نموده است؛ چون در غیر آن ترس آن است که چیزی از

1- جمع الجوامع. آلبانی در صحیح و ضعیف جامع الصغیر حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

2- سنن ابوداود؛ باب فی المعارض. آلبانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه، حدیث مذکور را ضعیف گفته

است.

3- صحیح البخاری؛ باب تعلیم الفرائض.

خواست‌های نفسانی مانند: عقده‌گشایی، انتقام‌گیری، تحقیر و... او را به نقد و انتقاد تحریک نموده باشد.

بنابراین باید برادر مسلمان ما در صورتی که علل و انگیزه های نقد در نزدش واضح و روشن نیست، در نقد افراد و کارها عجله نکند و تا زمانی که مطمئن نشده است که نقد او به خاطر رضای خدا، مصلحت اسلام و منفعت دیگران است نقد ننماید:

□ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا □
(الک‌هف 110)

(پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد)
3- جستجوی بهترین روش:

ما برادر مسلمان خود را دعوت می کنیم تا در وقت نقد، بهترین روش و جوانمردانه‌ترین تعبیر را به کار گیرد و به بهترین وجه ممکن نصیحت نماید. شرط توأسی این است که به حق باشد نه به باطل:

□ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ □ (العصر 3)
(و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند)

بهترین روش نصیحت آن است که در تنهایی و خلوت برای شخص گفته شود، زیرا نفس انسانی چنین نصیحتی را بهتر قبول می کند؛ همچنان قاعده‌ی احتیاط از نفوذ شیطان تقاضا می‌کند تا نصیحت به صورت علنی صورت نگیرد. علی‌علیه راست گفته است: (نصیحت در حضور مردم کوبیدن طرف مقابل است)

خوب است که نصیحت کننده هنگام نصیحت برادرش از ادب، حیا و تواضع کار بگیرد و با سخنان زیبا و عبارات محترمانه برادرش را نصیحت کند. چه بسا کلماتی که انسان به آن ارزش و اهمیتی قایل نمی‌شود ولی کینه‌ها و دشمنی‌های فراوانی را به بار می‌آورد و باعث می‌شود تا روابط برادری برای همیشه از بین برود. باید برادران ما از لغزش‌های زبان برحذر باشند و این گفته‌ی پیامبر بزرگوار خود را همیشه به یاد داشته باشند:

«لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ»¹

(ایمان بنده برابر نمی‌شود تا قلبش برابر نشود و قلب وی برابر نمی‌شود تا زبانش برابر نگردد)

خوب است که برادران ما در میان خود از نرمی و رفاقت کار بگیرند.

الله تبارک و تعالی خطاب به رسول الله ﷺ می‌فرماید:

□ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ □ (آل عمران 159)

(و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند)

به کارگیری شدت و قساوت در نقد و نصیحت، باعث می‌شود تا قلب طرف مقابل از پذیرفتن و گوشش از شنیدن نصیحت ابا و ر زد، در حالی که نرمش و آرامی

1- مسند احمد؛ مسند انس بن مالك. آلبانی این حدیث را صحیح دانسته است؛ صحیح الترغیب والترهیب.

نفس‌ها را برای شنیدن و قبول نصیحت آماده می‌سازد و در نتیجه همان خیري که نصیحت به خاطر آن مشروع شده است تحقق می‌یابد. راست فرموده‌اند رسول معظم اسلام ﷺ که:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْخُرْقِ، وَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَعْطَاهُ الرَّفْقَ»¹

(یقیناً الله تعالی بر اساس نرمی پاداشی می‌دهد که در بدل نادانی نمی‌دهد، و هرگاه الله ﷻ بنده‌یی را دوست بدارد به او نرمی عطا می‌کند)
4- جستجوی موضوعیت:

برادران ما باید قبل از آغاز نصیحت برای تأیید رأی و نظر خود دلیل شرعی پیدا کنند و در مناقشه‌ی خود با برادران شان دقیق و معتدل باشند و از زیاده روی و غلو اجتناب نمایند، تا در جلسه‌ی شان خود نمایی و جدالی که انگیزه‌ی بی‌جز خواهشات نفسانی ندارد حاکم نگردد و دست شیطان - که هدفی جز پارچه پارچه کردن روابط اخوت ندارد- به حرکت نیفتد، زیرا در چنین حالتی نعوذ بالله قیامت کبرا برپا خواهد شد. آیه‌ی دهم سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء دقیقاً به چنین حالتی اشاره می‌کند:

□ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ □ (الشوری 10)
(و در باره هر چیزی اختلاف پیدا کردید داوریش به خدا [ارجاع می‌گردد])
5- سعه‌ی صدر:

بالآخره مطلوب از همه‌ی برادران مسلمان ما اعم از نصیحت‌کننده و نصیحت‌شونده این است که از صبر و فراخی سینه کار بگیرند و مقصد هر دوی شان رضای پروردگار عالمیان باشد و هر يك سعی کنند تا حق را به دست آورده به آن پایبند گردند.

نصیحت هرگز به معنای پیروزی شخصی بر شخص دیگر نیست.
همه باید به این فرموده که از عمر بن خطاب رضی الله عنه نقل شده است گوش جان بسپاریم:

«رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي»²
(الله تعالی رحم کند به شخصی که عیب مرا به من هدیه می‌کند)

1- المعجم الكبير؛ للطبراني. الباني حديث فوق را حسن لغیره گفته است؛ صحيح الترغيب والترهيب.
2- بريقة محمودية في شرح طريقة محمدية وشریعة نبوية؛ مکتبه‌ی شامله؛ اصدار ثالث.

چگونگی اداره‌ی يك اجتماع تنظيمي

وقتي مي خواهيم چنين موضوعاتي را تحليل و بررسي نماييم عده ي تعجب مي‌کنند، چون اين موضوعات و امثال آن را از مسایل ثانوي و بدیهي مي دانند که نیاز به رنج و زحمت اضافي ندارد؛ در واقع من با روش کسانی که مسایل تنظيمي را ساده فکر مي کنند و به آن توجه جدي ندارند مخالف ام؛ هر کار و فعاليتي — ولو بسيار بسيط هم باشد— تا زماني که به صورت درست نافذ نگردد قرين موفقیت نخواهد شد.

از آن گذشته ما در عصري زنده گي مي‌کنيم که مردم براي استفاده ي بیشتر از زمان مسابقه مي‌دهند و دشمنان اسلام با دقت تمام برنامه‌ريزي مي‌کنند؛ بنابراین هر عقب‌مانده‌گی در برنامه‌ريزي، هر بي‌راهه‌روي در تنظيم و هر کوتاهي در تصور و اندیشه، حتماً سبب مي شود که در تنفيذ کارها لغزش و سرخورده گي ايجاد شود، نیروهاي زيادي حيف شده، اوقات زيادي ضايع گردد.

انتظام کار جماعت‌ها از سروسامان دادن اجتماعات کوچک و به‌سر رساندن درست پروژه‌هاي محدود آن آغاز مي گردد، همان گونه که امکان دارد شکست نیز از پيدا شدن هرج و مرج در همين پروژه‌هاي بسيط شروع شود.

ممکن است ما در مورد جماعتي از جماعت‌هاي شناخته شده از خلال يك جلسه و يا تنفيذ يك پروژه ي آن قضاوت کرده بتوانيم؛ اگر آغازي خوب داشت، مراحل بعدي بهتر خواهد بود، ولي اگر آغاز آن بد بود، حتماً مراحل بعدي به صورت زشت‌تري به انجام خواهد رسيد.

اجتماعات تنظيمي در حقيقت کليدهاي موفقیت و يا شکست اعمال جماعت‌ها به حساب مي‌آيد، به همين خاطر لازم است تا در کامياب کردن اجتماعات تنظيمي مسایل ذيل در نظر گرفته شود:

1- مقيد بودن به موعد اجتماع:

اولين کلنگ نابود کردن موفقیت اجتماع تأخير از وقت تعيين شده است؛ و لو اين تأخير چند دقيقه ي محدود باشد؛ عقليتي که به يك دقيقه اعتنا نمي کند، ممکن است نسبت به يك ساعت و يا هم تمام زمان بي‌توجه باشد؛ و عقليتي که به دقايق زمان توجه نکند به باريکي‌هاي شريعت نیز بي‌اعتنا بوده و ممکن است به تدريج تمام قيد و بندها را زير پا بگذارد.

وقت در حکم شريعت و در عرف مردم، همانند عهد و پيمان است که بايد به صورت کامل محافظت شده، به آن وفا شود و به هيچ صورت کم‌ارزش تلقي نگردد و نقض نشود.

خداوند متعال مي‌فرمايد:

□ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا □ (الإسراء 34)

(و به پيمان [خود] وفا کنید زیرا که از پيمان پرسش خواهد شد)

قرآن کریم مؤمنان را چنین توصیف می‌کند:

□ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا □ (البقرة 177)

(و آنان که چون عهد بستند به عهد خود وفادار اند)

□ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ □ (المؤمنون 8)

(و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند)

وقتی رسول الله ﷺ نشانه‌های منافقان را بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

«إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِيَ خَانًا» 1

(وقتی سخن زند دروغ گوید، وقتی وعده کند خلاف ورزد، وقتی امانتی به او

سپرده شود خیانت کند)

2- رحمانی بودن اجتماع:

توجه زیاد به برگزار شدن رحمانی اجتماع، بدون شك آن را از برکت و توفیق الله متعال برخوردار می‌سازد و عدم تحقق رحمانیت، اجتماع را در کف شیطان می‌گذارد؛ طبعاً چنین اجتماعی هرگز خیر و خوبی به بار نمی‌آورد.

به همین خاطر باید در وقت انعقاد يك اجتماع، برگزارکننده گان آن نیت خود را بازنگیری کنند تا وسوسه‌ها و مداخلات شیطان در جریان جلسه، فضا را فاسد نکند و بلوای بر پا شود.

خوب است که اجتماع با خواندن (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) و سپس تلاوت آیاتی از قرآن کریم و دعا و نیایش به درگاه الله متعال آغاز شود؛ چون توفیق الله ﷻ باید تمام لحظات اجتماع اسلامی را همراهی کند، همان گونه که باید اجتماع اسلامی ملاقاتی باشد پر از سکینه و آرامشی که از جانب پروردگار متعال نازل شده است و رحمت الهی بر آن پرتو افکند و فرشتگان خدا پیرامون آن حلقه زنند و الله تعالی از آن در نزد کسانی که پیش او هستند به خوبی یاد نماید.

بی‌جا و مبالغه‌آمیز نبوده است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«كُلُّ كَلَامٍ أَوْ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَنَا يُفْتَحُ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ أَبْتَرُ أَوْ قَالَ أَقْطَعُ» 2

(هر سخن و هر کار با ارزش وقتی با یاد الله ﷻ آغاز نگردد، بی‌ثمر و ناکارآمد

است)

3- مباحث باید موضوعی باشد:

یکی از چیزهای که اجتماعات را موفق و مناقشات را کارا می‌سازد، موضوعی بودن مناقشات و دور بودن آن از احساسات و عکس العملی بودن است. البته برای رسیدن به چنین امری باید نکات آتی را در نظر گرفت:

اول: ترتیب جدولی که در آغاز جلسه موضوعات مورد بحث را مشخص نماید.

دوم: عدم انتقال از يك موضوع به موضوعی دیگر قبل از این که در مورد

موضوع اولی فیصله صورت گیرد.

1- صحیح بخاری؛ باب علامة المنافق.

2- مسند احمد؛ مسند ابی هریره.

سوم: باز نگردیدن به موضوعی که پیرامون آن بحث شده و خاتمه یافته است، مگر این که ضرورتی مبرم تقاضای آن را بنماید.
چهارم: به تأخیر انداختن موضوعی که تمام ابعاد و جوانب آن بررسی نشده است.
پنجم: استفاده از روش تقدیم آرا به صورت نوشته شده به خصوص در مناقشات مهم و سرنوشت‌ساز.

ششم: به‌کارگیری روش توزیع بحث به صورت نوشته شده در میان اعضا قبل از وقت تا آن را به صورت جدی مطالعه نموده، ملاحظات خود را در مورد آن یادداشت کنند.

4 - آداب مناقشه:

به خاطر این که موضوع مناقشه با آرا سلیم اعضا غنمند گردد و جوانب مثبت و منفی آن آشکار شود و در نتیجه به فیصله‌ی مناسب در مورد آن رسیده بتوانیم، باید چند مطلب را مورد توجه قرار دهیم:

اول: اجتناب از به‌کارگیری عبارات تمسخرآمیز و تحقیرکننده‌ی آرا دیگران، و معذرت‌خواهی در صورت بروز ناخواسته‌ی آن.

دوم: گوش دادن به تمام آرا مطرح شده هرچند اشتباه باشد، و دوری از قطع کردن صحبت دیگران.

سوم: اجتناب از اعتبار دادن به روابط شخصی، و ترجیح گروهی بر گروه دیگر.
چهارم: پایین آوردن صداها تا حد ممکن.

پنجم: عدم پافشاری اعضا بر آرا شخصی خود؛ باید همه نسبت به هم فروتن باشند و آماده‌گی گذشت در مقابل آرا برتر را داشته باشند، چون در این صورت الله متعال آنان را به انتخاب رأی بهتر و صواب توفیق خواهد داد.

ششم: پاک ساختن اجتماعات و مناقشات از روش‌های عیب‌جویی، اشارات تمسخرآمیز، غیبت، سخن‌چینی، دشنام دادن و دیگر صفات مذموم و پست.

اینها برخی از عواملی بود که اگر در یک اجتماع فراهم آید آن اجتماع کامیاب و پر دستاورد خواهد شد و فضایی آن آکنده از بشارت و آرزو خواهد گردید، و اگر این ویژه‌گی‌ها در اجتماعی فراهم نگردد، کانونی زهرآگین خواهد بود که از آن جز مرض و بدفالی چیزی بیرون نخواهد تراوید... پناه به الله از شر شیطان رانده شده.

محاسبه‌ی روزانه و اصول آن

یکی از وجایب برادر دعوتگر این است که همیشه نفس و روح خود را با چیزهایی که آن را اصلاح و تزکیه می‌نماید پالایش دهد و قطعاً جایز نیست که در مورد مراقبت و محاسبه‌ی نفس سهل‌انگاری و سستی از خود نشان دهد؛ زیرا نفس انسانی امرکننده به بدی‌ها است و راه‌های نفوذ شیطان بر روی نفس بیش از آن است که به حساب آید؛ رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَالْ عَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَتَّى عَلَى اللَّهِ»¹

(زیرک و هوشیار کسی است که نفس خود را محاسبه نموده، برای بعد از مرگ کار می‌کند، عاجز و بی‌چاره کسی است که نفس خود را دنباله‌رو خواهشات نفسانی گردانیده، و به [عفو] خدا آرزو می‌بندد)

عمر بن خطاب رضی الله عنه یاران خود را چنین نصیحت می‌کند:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَتَرَيُوا لِلْعَرَضِ الْأَكْبَرِ وَإِنَّمَا يَخْفُ الْحِسَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ فِي الدُّنْيَا»²

(خود را قبل از این که مورد محاسبه قرار بگیرید، محاسبه کنید و برای محاکمه‌ی بزرگ آماده شوید؛ یقیناً که حساب روز قیامت بر کسی که خود را در دنیا محاسبه کند تخفیف می‌یابد)

فشارهایی که دعوتگر در زنده‌گی خود از طرف جاهلیت تحمل می‌کند متعدد و زیاد است. او همیشه احساس خواهد کرد که در میان جامعه‌ی خود بی‌کس و تنها است. احساس خواهد کرد که مظاهر تمدن جدید جز فریب و نیرنگ و از میان برداشتن ارزش‌های والا و از بین بردن مکارم اخلاقی و پخش و نشر ردائیل و فحشا در جوامع، هدفی را دنبال نمی‌کند.

به همین خاطر دعوتگر نیاز مبرم به تزکیه‌ی نفس دارد تا آن را از واقع شدن در انحراف و متأثر شدن از مظاهر جاهلیت حفاظت کند، تا قدرت و توان طی‌طریقی را داشته باشد که خدا از آن راضی می‌شود و بتواند در تمام عرصه‌ها با جاهلیت مسلح و مسلط دست و پنجه نرم کند و در همه‌ی میادین ضربات کوبنده‌ی را بر پیکر آن وارد آورد.

حفاظت و نگهداری خود از شر شیطان و مظاهر جاهلیت اگر در زنده‌گی برادر شکل جدیدی را به خود نگیرد، سخنی پوچ و بی‌مفهوم خواهد ماند که در وجود برادر اثری از آن به مشاهده نخواهد رسید.

بنابراین به همه‌ی برادران - اعم از افراد ابتدایی و دعوتگران قدیمی و ستاره‌های دعوت و رهبران و مسؤولان - پیشنهاد می‌گردد تا روزانه با خود نشستی به هدف

1- سنن ترمذی؛ آلبانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه حدیث مذکور را ضعیف می‌گوید.

2- سنن ترمذی؛ آلبانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه می‌گوید: حدیث مذکور موقوف است.

محاسبه و حفاظت داشته باشند و پیشنهاد می‌کنیم که در این محاسبه‌ی روزمره امور آتی و میزان پایبندی به آن را بررسی کنند:

1- قیام شب (مدرسه‌ی روحی است) نه وقتی ضایع شده و از دست رفته؛ و مولد نیروی ایمانی است که هیچ چیز دیگر با آن برابری کرده نمی‌تواند و عبادتی دیگر انسان را از آن بی‌نیاز نمی‌کند. **اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى** فرموده است:

□ **إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيْلًا** □ (المزمل 6)

(قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین‌تر است)

آیا پاسی از شب گذشته را زنده نموده‌اید تا برای‌تان [به منزله‌ی] نافله‌ای باشد و امید بر این که پروردگارتان شما را به مقامی ستوده برساند؟ یا از کسانی بوده‌اید که شب را به غفلت و خواب سپری نموده‌اید؟ در ثلث آخر شب پروردگار ما به آسمان دنیا نزول می‌کند و می‌فرماید:

«مَنْ يَدْعُونِي فَاسْتَجِبْ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأَعْطِيهِ مَنْ يَسْتَعْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» 1

(کیست که مرا بخواند تا اجابتش نمایم، کیست تا از من چیزی بخواهد تا برایش عطا کنم، کیست که از من طلب آمرزش نماید تا او را مغفرت نمایم) و تو ای برادر من به کجا قرار داری از موقف کسانی که **اللَّهُ** تعالی در وصف شان می‌فرماید:

□ **تَنَجَّأُ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا** □ (السجدة 16)

(پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند)

□ **لَأَنُؤُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ** □ (الذاریات 17)

(و از شب اندکی را می‌خوندند)

□ **أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ**

يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ □ (الزمر 9)

(آیا چنین کسی بهتر است [یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند) رسول **اللَّهُ** فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَابُّ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَإِنَّ قِيَامَ اللَّيْلِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ نَهَاهُ

عَنِ الْإِثْمِ وَتَكَفِيرٌ لِلْسَيِّئَاتِ وَمَطْرَدَةٌ لِلدَّاءِ عَنِ الْجَسَدِ» 2

(شما را به شب زنده‌داری دعوت می‌کنم چون این کار عادت انسان‌های صالحی است که قبل از شما بودند؛ شب زنده‌داری وسیله‌ی نزدیکی به **اللَّهُ**، بازدارنده‌ی از گناهان، پوشنده‌ی بدی‌ها و از بین‌برنده‌ی امراض جسمی است)

1- صحیح بخاری؛ باب الدعاء في الصلاة من آخر الليل.

2- سنن ترمذی؛ باب في دعاء النبي **ﷺ**. آلبانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه مختصره، شماره 5348 حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

2- سپس تو ای برادر من! آیا می‌دانی که خداوند متعال ملائکه‌یی دارد که در شب و در روز نزد ما می‌آیند و در هنگام برگزاری نماز صبح و نماز عصر با هم یکجا می‌شوند، سپس به سوی آسمان بالا می‌روند و الله تعالی -در حالی که به سخنان شان عالم تر است- می‌فرماید: وقتی برمی‌گشتید بنده گانم در چه حالتی بودند؟ فرشتگان می‌گویند: آنها را ترك کردیم در حالی که نماز می‌خواند و آمدیم نزد شان در حالی که به نماز ایستاده بودند 1... آیا نماز صبح را در وقت آن و به جماعت ادا نموده‌اید و از کسانی که رسول الله ﷺ در حق شان چنین فرموده‌اند بوده‌اید: «مَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَلَا يَطْلُبُكَمُ اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ فَيُذْرِكُهُ فَيَكْبَهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» 2

(کسی که نماز صبح را ادا کند در امان خدا است، اگر الله تعالی از شما در مورد امان خود چیزی بپرسد و یکی از شما نسبت به آن بی توجهی نموده باشد، وی را سرنگون داخل جهنم می‌اندازد)

امام مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت نموده است که رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بَيْوتَهُمْ بِالنَّارِ» 3

(سنگین‌ترین نماز برای منافقان، نماز خفتن و نماز صبح می‌باشد، اگر می‌دانستند که در این دو نماز چه خوبی و پاداشی نهفته است، و لو به صورت خزیده به آن حاضر می‌شدند؛ می‌خواهم دستور دهم تا یارانم نماز را بر پا دارند و کسی را امر کنم که نماز مردم را بخواند، سپس با چند نفر هیزم کش بروم خانه‌ی کسانی را که به نماز حاضر نمی‌شوند آتش بزنم)

3- بدان برادر من که قلبت نیاز به سیراب شدن از چشمه ی شیرین و گوارای قرآن کریم دارد، تا از این طریق سکینه، اطمینان، شفافیت و ظرافت بر آن پرتو اندازد؛ مؤمنان واقعی کسانی‌اند که قلب‌های زنده و جهنده دارند:

□ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ □ (الأنفال 2)

(مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد)

آیا مقداری از آیات کتاب الله را بعد از نماز صبح تلاوت نموده اید و خدا را در جای خلوت با تضرع و در حالتی که از چشمان‌تان اشک جاری شده باشد خوانده‌اید؟ یا از کسانی بوده‌اید که اوقات شان می‌گذرد و قلب‌های شان سخت‌تر از سنگ گردیده است؟!.

آیا تو ای برادر من این فرموده‌ی الله ﷻ را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

□ إِنْ قرَّانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا □ (الإسراء 78)

1- صحیح البخاری؛ باب فضل صلاة العصر.

2- صحیح مسلم؛ فضل صلاة العشاء والصبح في جماعة.

3- صحیح مسلم؛ باب فضل صلاة الجماعة.

(زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است) و آیا به این گفته‌ی رسول الله ﷺ گوش نداده‌ای که فرموده‌اند: «إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرْبِ»¹ (یقیناً کسی که در سینه‌اش چیزی از قرآن نباشد مانند خانه‌ی خراب است) و این فرموده‌ی رسول الله ﷺ را شنیده‌ای: «من قرأ القرآن فقد استدرج النبوة بين جنبیه غیر أنه لا یوحى إليه، لا ینبغی لصاحب القرآن أن یحد مع من حد، ولا یجهل مع من جهل وفي جوفه کلام الله تعالی»²

(کسی که قرآن را می‌خواند، در واقع پیام نبوت را با خود حمل می‌کند، با این تفاوت که به او وحی نمی‌شود. برای صاحب قرآن مناسب نیست که در مقابل اهل خشونت، غضب کند و در برابر جاهلان، از نادانی کار بگیرد، در حالی که سینه‌اش کلام خداوند متعال را در خود جای داده است) سپس فراموش نکن که قرآن را به حالتی تلاوت نمایی که گویا برای اولین بار برایت نازل شده است.

4- وقتی بر سر سفره‌ی غذا می‌نشینید آیا اندکی به هدف و مقصدی که به خاطر آن غذا می‌خورید فکر کرده‌اید، و آیا در مورد نعمت‌های پاکیزه‌ی بی‌که‌الله تعالی به شما داده است تا از طریق آن تغذیه‌ی نماینده‌ی جهت‌شکر و طاعت‌الله تعالی انرژی به دست آورید و در راستای جهاد فی سبیل‌الله توانا شوید، اندیشه‌ی نموده‌اید؟ از آن گذشته آیا در مورد مصادری که خوردنی و نوشیدنی خود را از آن به دست آورده‌اید دقت نموده‌اید و سعی لازم را به خرج داده‌اید که حلال و پاکیزه باشد و از موارد حرام و خبیث اجتناب نموده‌اید؟

5- وقتی از خانه‌ی تان بیرون می‌آید باید بدانید که اسلام دین کار و تلاش است نه دین تنبلی و کسالت و باید بدانید که وجبیه‌ی شما به عنوان فردی مسلمان این است که در زمین خدا بگردید و به حیث انسانی تاجر، کارگر و یا کاسب طالب فضل خدا شوید؛ آیا امروز بهره‌ی خود را از این جهاد برده‌اید و مسؤلیت خود را به درستی و اخلاص انجام داده‌اید، تا به این فرموده‌ی رسول گرامی اسلام عمل نموده باشید:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يَتَّقَنَهُ»³

(وقتی بنده کاری را انجام می‌دهد الله تبارک و تعالی دوست دارد تا کارش را به بهترین صورت و دقیق‌ترین حالت به‌سر رساند)

1- سنن ترمذی؛ باب مَا جَاءَ فِيمَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنَ الْقُرْآنِ مَالَهُ مِنَ الْأَجْرِ . آلبانی در تخریج احادیث ریاض الصالحین حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

2- المستدرک علی الصحیحین؛ باب اخبار من فضائل القرآن . آلبانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه، حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

3- المعجم الکبیر؛ للطبرانی؛ شماره ی 776. تحقیق آلبانی، صحیح است، سلسله‌ی احادیث صحیح‌هی مختصره، شماره 1113.

و آیا مال تان را به وسیله ی انفاق بر فقرا و مساکین و نیازمندان پاکسازی نموده‌اید و زکاتی که الله تعالی بر شما فرض گردانیده است ادا نموده اید و به این ترتیب از جمله‌ی بنده‌گان شکرگذار خدا بوده‌اید؟.

امام بخاری از مقدم رضی الله عنه و او از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرموده‌اند: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»¹

(هیچ کس غذای بهتر از حاصل دست خود نخورده است، و پیامبر خدا داود علیه السلام از عمل دست خود نان می‌خورد)

6- وقتی در کوچه و بازار راه می‌روید و زمانی که در اجتماعات سر می‌زنید آیا همیشه مراقب الله عزوجل بوده‌اید؟

- آیا در وقت دیدن چیزی حرام چشم خود را پایین انداخته، از خدا طلب مغفرت نموده‌اید؟ و به یاد آورده‌اید که در نگاه اول معذورید و نگاه دوم به زیان شما است، و نگاه کردن یکی از تیرهای ابلیس است؟

- آیا شده است که زنی زیبایی و خوش صورت شما را دعوت نموده باشد و شما گفته باشید: من از خدا می‌ترسم و سپس این فرموده ی الله تبارک و تعالی را تکرار نموده باشید:

□ رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ وَإِنِّي لَأَنْتَصِرُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ □ (یوسف 33)

(پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آن چه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله‌ی] نادانان خواهم شد)

- آیا در تجارت و معامله ی خود به این فکر بوده اید که پول تان را حتماً از راه حلال به دست آورید و لو اندک باشد؟

- آیا مرتکب کاری شده‌اید که مخالف با شریعت خدا باشد؟

- آیا در هر کاری که انجام می‌دهید مراقبت خدا را احساس نموده اید و آن را با میزان اسلام سنجیده اید و از شبهات اجتناب کرده اید؛ و بالآخره از متقیانی بوده اید که رسول الله صلی الله علیه و آله در وصف شان فرموده‌اند:

«لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَمْ يَأْسَ بِهِ حَذَرًا لِمَا بِهِ النَّبَأُ»²
(بنده به درجه‌ی پرهیزگاران نمی‌رسد تا بعضی از اموری که در آن حرجی نیست را، از ترس مرتکب شدن کارهای حرام ترک کند)

7- حالا از خود بپرسید که اسلام از شرایط کاری تان چقدر استفاده نموده است؟ آیا دوستان شما احساس می‌کنند که مسلمان بودن تان بر آنان اثر گذاشته است؟ آیا با آنان در خانه های شان ملاقات نموده اید تا دلیلی باشد بر سعی و تلاشی که به

1- صحیح بخاری؛ باب کسب الرجل و عمله بیده.

2- سنن ترمذی؛ باب مَا جَاءَ فِي صِفَةِ أَوَانِي الْحَوْضِ . آلبانی در تخریج احادیث ریاض الصالحین حدیث مذکور را ضعیف گفته است.

خاطر استوار نمودن پیوند میان خود و آنها انجام داده اید و آنان را به فکر و دعوت تان جذب نموده‌اید؟

باید شما در تمام میدان‌ها تحرك داشته باشید و آثار اسلامي تان در همه جا نمایان گردد؛ و این فرموده‌ی رسول الله ﷺ را همیشه به یاد داشته باشید:

«لَأَنْ يَهْدِيَ بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»¹

(اگر يك نفر به وسیله‌ی تو هدایت گردد، برایت از شتران سرخ‌مو بهتر است) برادر عزیزم! شما غیر از وقت انجام وظیفه‌ی رسمي اوقات فراواني دارید که باید قسمت زیادی از آن را برای دعوت خود اختصاص دهید. وقت می‌گذرد اگر از آن به صورت مثبت استفاده نکنید حتماً به کارهای منفي و گناه آلود سپری خواهد شد؛ توصیه‌ی رسول الله ﷺ در مورد چنین است:

«نِعْمَ الْعَطِيَّةُ كَلِمَةٌ حَقٌّ تَسْمَعُهَا، ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ أَخٍ لَكَ مُسْلِمٍ فَتُعَلِّمُهَا إِيَّاهُ»²

(بهترین بخشش، سخن حقی است که آن را می شنوید، سپس آن را به یکی از برادران مسلمان خود می‌آموزانید)

امام مسلم در کتاب صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مَنْ دَعَا إِلَىٰ هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَىٰ ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا»³

(کسی که مردم را به سوي هدایت فرا می‌خواند، برایش همانند پاداش کسانی داده می‌شود که از او پیروي نموده‌اند و از پاداش آنان نیز چیزی کاسته نمی‌شود و کسی که مردم را به سوي گمراهی دعوت کند، برایش همسان گناه آنانی داده می‌شود که از او تبعیت کرده‌اند و از گناه آنان چیزی کاسته نمی‌گردد)

8- پرسش از اوقات فراوان خود را فراموش نکنید و ببینید چگونه باید آن را تنظیم نمایید تا در جهت رشد فرهنگ اسلامي و عمومي تان مورد استفاده قرار گیرد؛ شما در جامعه‌ی زنده‌گی می‌کنید که در آن فرهنگ‌های مختلف و جریان‌های متعدد وجود دارد و هر کدام با افکار و اندیشه‌های مختلف و متباین فعالیت می‌کنند؛ این حالت بر شما واجب می‌گرداند که افکار و اندیشه‌های پیرامون خود را به خوبی بشناسید تا بتوانید افکار و نظریات مختلف را تحلیل و تشخیص نموده، با آنها مناقشه نمایید نقد و اصلاح آن و به پردازید.

- آیا در جریان روز گذشته در مورد اسلام مطالعه نموده‌اید؟

- آیا مقداری در مورد فرهنگ عمومي، فکري و سياسي که آن را مفید تشخیص

داده‌اید مطالعه کرده‌اید؟

1- صحیح بخاری؛ باب دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَالنُّبُوءَةِ.

2- معجم الکبیر؛ از طبرانی. البانی در سلسله‌ی احادیث ضعیفه، شماره 5293 حدیث مذکور را موضوع گفته است.

3- صحیح مسلم؛ باب مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً أَوْ سَيِّئَةً وَمَنْ دَعَا إِلَىٰ هُدًى أَوْ ضَلَالَةٍ.

ابن عبدالبر در کتاب (علم) از معاذ پسر جبل رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«تعلموا العلم، فإن تعلمه لله خشية، وطلبه عبادة، ومذاكرته تسبيح، والبحث عنه جهاد، وتعليمه لمن لا يعلمه صدقة، وبذله لأهله قرابة؛ لأنه معالم الحلال والحرام، ومنار سبل أهل الجنة، وهو الأنيس في الوحشة، والصاحب في الغربة، والمحدث في الخلوة، والدليل على السراء والضراء، والسلاح على الأعداء، والزین عند الأخلاء، يرفع الله به أقواماً فيجعلهم في الخير قادة وأئمة تقتفى آثارهم، ويقتدى بفعالهم، وينتهي إلى رأيهم...»¹

(علم بیاموزید زیرا آموختن علم به خاطر خدا خشیت، طلب آن عبادت، صحبت در مورد علم تسبیح، جستجوی علم جهاد، آموزش آن برای دیگران صدقه و بخشش آن برای اهلسبب نزدیکی به خدا است؛ زیرا علم نشان دهنده‌ی حلال و حرام، رهنمایی اهل بهشت، مونس روزگاران وحشت، یار لحظات تنهایی، هم صحبت خلوت، رهنمایی انسان در آسانی‌ها و سختی‌ها، سلاح رویارویی با دشمن و زینت انسان در نزد دوستان او است؛ خداوند متعال اقوامی را به سبب علم برتری می‌بخشد و آنان را رهبران پرهیزگاری و پیشوایانی می‌گرداند که دیگران نقش قدم‌هایشان را تعقیب نمایند، به کارهایشان اقتدا کنند و از نظراتشان استفاده نمایند)

9- اکنون از خود بپرسید که تا چه اندازه برای فداکاری و قربانی دادن در راه خدا آماده‌گی دارید؟ اگر بارهای سنگینی شما را به حطام دنیا بسته و در میان خاک و پلیدی‌های زمین غلطانیده است، آیا سعی کرده‌اید تا بارهای سنگین دنیا را از دوش خود سبک کنید و خود را از زیر سلطه‌ی آن آزاد سازید؟
- ترس از دست رفتن زنده‌گی کوله‌باری است که شما را از جهاد فی سبیل الله باز می‌دارد؛ باید خود را از بند آن آزاد کنید.

- خوف از دست دادن مصالح مادی باری است که میان شما و فراغت به خاطر دعوت و اسلام‌تان فاصله ایجاد می‌کند، باید خود را از آن رهایی بخشید.
- تعلق به همسر و فرزندان و خانواده و قوم و قبیله سنگینی‌هایی است که شما را از حرکت آزادانه و سبک‌باز می‌دارد؛ باید از زیر سیطره‌ی آن فرار نمایید.
بالآخره بر شما واجب است تا در همه‌ی احوال مصلحت اسلام را بر تمام مصالح دیگر ترجیح دهید، و خواسته‌های نفسانی خود را در مقابل اوامر شریعت فروتن و خاضع کنید، و همیشه‌ی آماده‌ی شهادت در راه خدا باشید.

بخاری و مسلم از عبدالله پسر ابی اوفی رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ»²

1- طبرانی در جمع الجوامع یا جامع الکبیر، قسمتی از حدیث مذکور را ذکر کرده و گفته است که ابونعیم آن را موقوف بر معاذ نموده است.
2- متفق علیه.

(بدانید بهشت در زیر سایه‌ی شمشیرها است)

مسلم در صحیح خود از عقبه پسر عامر رضی الله عنه روایت می‌کند که از رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی که روی منبر سخنرانی می‌کرد شنیدم که می‌فرمود:

«{وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ {أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ} 1»

(در مقابله با دشمنان آن چه در توان دارید آماده کنید. بدانید که منظور از قوت، تیراندازی است، بدانید که منظور از توانایی، تیراندازی است، بدانید که منظور از نیرو، تیراندازی است)

و ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ أَثَرٍ مِنْ جِهَادٍ لَقِيَ اللَّهَ وَفِيهِ ثَلَمَةٌ» 2

(کسی که با خدا رو به رو شود و در او اثری از جهاد نباشد در حالی با خدا

مواجه می‌گردد که در شخصیت‌اش عیب و نقصی وجود دارد)

10- و بالاخره آیا در مورد جسمی که خداوند متعال به شما عنایت کرده است فکر

نموده‌اید که بر شما چه حقی دارد و باید با آن چگونه تعامل کنید تا قوی، چابک و

تونا بر تحمل مشکلات سفر دور و دراز جهاد سنگین و تلخ باشد؟ شایسته است که

بدانید در نزد خدا مؤمن قوی بهتر و محبوب‌تر از مؤمن ضعیف است.

- آیا امروز صبح برخی از تمرینات سپورتنی را به صورت منظم انجام داده‌اید؟

- آیا به تیراندازی، شنا، اسب سواری، موتورسیکل سواری، رانندگی و پیاده روی

پرداخته‌اید؟

- آیا سعی نموده‌اید تا از تمام چیزهایی که بدن را خسته و کسل می‌سازد دوری

کنید و از کشیدن سیگار و نوشیدن قهوه و چای امتناع ورزید؟

برادر عزیزم! باید خود را برای فداکاری و سربازی در نبرد اس‌لام علیه جاهلیت

آماده کنی و تمام معانی را که کلمه ی سرباز با خود دارد در وجود خویش تحقق

بخشی. خداوند یاور و کارساز صالحان است. از او می‌خواهیم تا همه‌ی ما را به راه

راست هدایت فرماید. آمین اللهم آمین.

پایان

1- صحیح مسلم؛ باب فضل ضعیف سنن ترمذی حدیث 2473. الرمی والحث علیه...

2 - سنن ترمذی؛ باب ما جاء فی المرابط؛ تحقیق آلبانی ضعیف است. صحیح و ضعیف سنن ترمذی ی حدیث 2473.

